

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۱۵ تا ۲۱ مهر ماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۴۸

یک انقلاب ملی و مدرن برای ایران آزاد و متحد





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۴۸ (۳۸۲)

جمعه ۱۵ تا ۲۱ مهرماه ۱۴۰۱

۱۱ تا ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲



مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر حیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

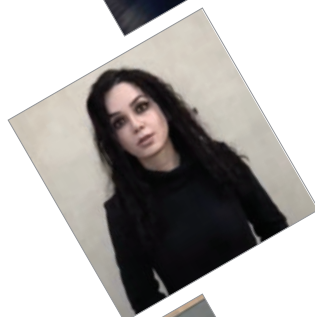
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

- ۴ سر مقاله - جمهوری اسلامی با «طرح صیانت»، از انقلاب ایران مصون نمی ماند / الاهی بقراط ۴
 ۴-۵ یک انقلاب ملی و مدرن برای ایران آزاد و متحد ... / روشنگر آسترکی



- ۵ حملات خونبار سپاه به کردستان عراق؛ شاهزاده رضا پهلوی: رژیم درمانده ... / ۵
 ۶-۷ شاهزاده رضا پهلوی: ایرانیان کشورشان را پس می گیرند و می سازند ... / اورشلیم پست ۶-۷
 ۷ جمعه خونین زاهدان؛ شاهزاده رضا پهلوی: این جنایات تنها سرعت سرنگونی ... / ۷
 ۸-۹ جزئیات جدید پرونده مهسا امینی؛ تلاش برای پنهان کردن بخشی از ... / ۸-۹
 ۹ جنایت حکومت در استان سیستان و بلوچستان؛ دست کم ۸۸ کشته و ۳۰۰ زخمی ... / ۹
 ۱۰ خیزش ملی علیه نظام جمهوری اسلامی؛ بیانیه مشترک ۵۴ کشور در حمایت از ... / ۱۰
 ۱۱ کالبدشکافی یک طغیان (۲۰) ... / احمد احرار ۱۱
 ۱۲-۱۳ معمایی به نام هویدا (۴) ... / عباس میلانی ۱۲-۱۳
 ۱۴-۱۵ گزارش ویژه؛ داستان پر آشوب نیکا شاکرمی ... / روشنگر آسترکی ۱۴-۱۵
 ۱۵ اختصاصی کیهان لندن؛ سر دادن شعار علیه جمهوری اسلامی در زندان ... / ۱۵
 ۱۶-۱۷ چرا انقلاب ایران به سر نوشت سوریه و عراق ولیبی ... / سیمغ (ایران) ۱۶-۱۷
 ۱۷ در اعتراضات «خیابان لاله زار» تهران چه گذشت؟ ... / ۱۷
 ۱۸ ناقوس براندازی به صدا در آمده است ... / ۱۸
 ۱۹-۲۰ یکشنبه سیاه در دانشگاه «شریف»؛ محاصره و سرکوب وحشیانه دانشجویان ... / ۱۹-۲۰
 ۲۱-۲۲ ترس حکومت از همبستگی ملی؛ موج دستگیری هنرمندان هم صدا با مردم ... / ۲۱-۲۲
 ۲۲ آمریکا انتقال پول برای آزادی نمازی ها را تکذیب کرد ... / ۲۲
 ۲۳ با وجود سرکوب همه جانبه، اعتراضات ادامه دارد؛ ابراز نگرانی و هشدار ... / ۲۳
 ۲۴-۲۵ گفتگو درباره سال جدید تحصیلی و مدرسه رستم در لندن ... / ۲۴-۲۵
 ۲۵ تداوم اعتراضات در ایران و مواضع متناقض دولت بایدن درباره مذاکرات اتمی ... / ۲۵
 ۲۶-۲۷ مردم بدانند که ما ایرانیان تبعیدی همیشه به فکر شان و ... / فیروزه نور دستروم ۲۶-۲۷
 ۲۸ نمازهایی با «قدقامت خون»! حکومت و تبلیغاتچی هایش با دروغ و ... / ۲۸
 ۲۹ بازداشت گسترده معترضان و فشار به زندانیان برای اعتراضات اجباری ... / ۲۹
 ۳۰ آزادی سیامک نمازی در اوج اعتراضات ضد حکومتی ... / ۳۰
 ۳۰-۳۱ اعتراضات دانشجویی: «حیدر حیدر شعارتون، جنایت افتخارتون» ... / ۳۰-۳۱
 ۳۱ ادامه اعتراضات و تحصن دانشجویان در دانشگاه های ایران ... / ۳۱
 ۳۲ افزایش آمار خودکشی در یگان های نظامی ... / ۳۲
 ۳۳ اختصاصی فاکس نیوز؛ کنگره آمریکا موضوع ارتباط استاد کالج ... / بنجامن وایتال ۳۳
 ۳۴ اینهمه «سرهنگ» در خیابان چه می کنند؟! کمبود نیرو یا ... / ۳۴
 ۳۵ جمهوری اسلامی بر جمعیت معترضان می افزاید؛ زبان هتکفت صدها هزار ... / ۳۵
 ۳۶-۳۷ انتظار زن سرخ پوش میدان فردوسی نماد چهار دهه انتظار زنان ایران برای ... / ۳۶-۳۷
 ۳۷ اثرات منفی سرکوب معترضان بر تجارت داخلی و خارجی کشور ... / ۳۷
 ۳۸ حمله به خانه سرکوبگری که در اعتراضات کشته شد! ... / ۳۸
 ۳۹ بازداشت های سازمان یافته به کارشناسان اینترنت و آی تی رسید ... / ۳۹
 ۴۰ پشت جلد - عکس هفته / کشتار مردم زاهدان در اعتراض به قتل حکومتی مهسا امینی و تجاوز ۴۰

بازنشر

بازنشر

تیتراول

یک انقلاب ملی و مدرن برای ایران آزاد و متحد

سرمقاله

جمهوری اسلامی با «طرح صیانت» از انقلاب ایران مصون نمی ماند

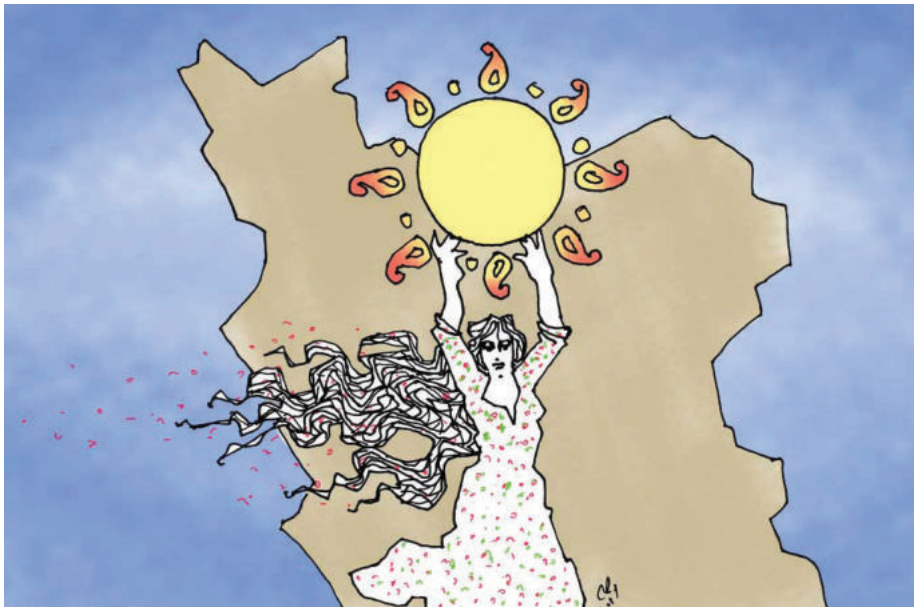
چند جنبش اجتماعی و انقلاب آزادیخواهی می شناسید که علت شکل گرفتن، وقوع و یا تداوم آنها به «اینترنت» وابسته باشد؟! البته وجود اینترنت آزاد و سریع یک امکان بی نظیر برای اطلاع رسانی و ارتباطات است. اما آیا اگر نباشد و یا محدود باشد، اطلاع رسانی و ارتباطات متوقف می شود؟! قطعاً نه! گذشته از اینکه همزمان راه های غلبه بر این محدودیت ها نیز همواره ارائه می شود.



دختران دانش آموز در ایران / مهرماه ۱۴۰۱

۴۳ سال است نه تنها ایرانیان بلکه کشورهای منطقه و جهان با یک مسئله، یک بحران، روبرو هستند: نظام جمهوری اسلامی که در آن تروریست های اسلامگرا به قدرت رسیده و به پشتوانه منابع عظیم دولتی به بنیادگرایی اسلامی از هر فرقه ای دامن زده و آن را تقویت کرده اند. علت بی ثباتی و نکبت و بختکی که بر سر ایران و جهان افتاده و به نوبه ی خود به رشد متقابل نظرات افراطی یاری رسانده، حکومت اسلامی در ایران است. حکومتی که از همان اول نه تنها آشکارا و به صراحت اهداف خود را در زمینه صدور انقلاب به منطقه و جهان، نابودی اسرائیل و تشکیل حکومت جهانی اسلام، اعلام نموده بلکه لحظه ای از تلاش برای رسیدن به این هدف بازنایستاده است: از جنگی که آن را با شعار «راه قدس از کربلا می گذرد» ادامه داد تا راه اندازی مخفیانه ی برنامه اتمی و تشکیل گروه های شبه نظامی و تروریستی و گستراندن نفوذ مرگبار خود در منطقه و جهان. شواهد عینی آنقدر روشن هستند که به راستی کور و کر بودن جهان در برابر آنها شگفت انگیز است.

اما کسی که بیشترین تاوان را تا کنون برای این اهداف آخر زمانی پرداخته، مردم ایرانند. با اینهمه در تمام زمانی که اینترنت نیز با همه محدودیت های احتمالی در اختیار آنها بوده، سبب شکل گرفتن اعتراضات نشده که حالا با «طرح صیانت» و «اینترنت داخلی» و قطع آن از شبکه جهانی بتوان اعتراضات را خاموش کرد! تنها فایده اش برای رژیم این است که صحنه های سرکوب و جنایات آن شاید دیرتر منتشر شود! «طرح صیانت» شمشیر چوبین مقابله با اعتراضاتی است که علت شکل گرفتن و تداوم و فرا رویدن آن به یک انقلاب ملی، خود جمهوری اسلامی است! وگرنه اطلاع رسانی و ارتباطات بین مردم همانطور که در دوران پیش از اینترنت انجام می شده، باز هم از راه های موجود و ممکن انجام خواهد شد! تمام مسئله اینست: مردم این نظام را نمی خواهند و سرانجام نیز آن را از مسند قدرت پایین خواهند کشید. بدا به حال زمامدارانی که می خواهند با این عزم و اراده ملی مقابله کنند و هنوز موج عظیم خشم و انزجار را که به سوی آنها خیز برداشته نمی بینند و همچنین بدا به حال «دانش بنیان» ها و متخصصانی که از جمله در «طرح صیانت» و راه اندازی «اینترنت داخلی» با رژیم جنایتکاری که در سقوط است، همکاری می کنند.



● شکل گرفتن رهبری انقلاب ملی برای عبور نهایی از فاشیسم مذهبی به ایران آزاد و متحد، از کف خیابان های ایران و توسط همان مردمی به نتیجه خواهد رسید که طی سه هفته گذشته دنیا را شگفت زده کرده اند.

همزمان به اعتراضات خیابانی و سر دادن شعارهای شبانه از بالکن و پشت بام ادامه دادند. اینهمه نشان از فراگیری این جنبش در میان اقشار مختلف کشور دارد. افرادی که به خیابان آمده اند از همه چهارچوب های دیکته شده ی حکومتی و خطوط قرمز نظام عبور کرده و بطور یکپارچه بر حقانیت (مشروعیت) جمهوری اسلامی و علی خامنه ای رهبرش مهر باطل زده اند.

حرکتی که در ایران وارد چهارمین هفته می شود، به دلیل «فراگیری جمعیتی و جغرافیایی و طبقاتی»، «هدف قرار دادن ارزش های بنیادی نظام جمهوری اسلامی مانند حجاب ایدئولوژیک و ولایت و حکومت دینی» و همچنین بیان حقوق «براندازانه ای» که کاملاً خارج از «چهارچوب و ساختار جمهوری اسلامی و جناحین آن» است، بر اساس آموزه های علوم سیاسی و تجربه تاریخی، محتوا و ویژگی های یک «انقلاب» را دارد.

رهبری ملی در مرحله نهایی براندازی

در اعتراضات سراسری که سه هفته است در داخل و خارج جمهوری اسلامی را زیر ضرب حملات سنگین قرار داده و آن را به لبه پرتگاه کشانده، رهبری جمعی و میدانی معترضان نیز همراه با همبستگی آنان که در ابتکارات شان به نمایش گذاشته می شود بسیار چشمگیر است. قتل حکومتی مهسا امینی بر بستر فشار و سرکوب و خونریزی و ناکارآمدی و ویرانی ۴۳ ساله چنان مردم را برانگیخت که بزرگترین جنبش علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی را رقم زده اند.

این خیزش سراسری گام نخست و طولانی براندازی جمهوری اسلامی است که از سال ۹۶ با شعار «اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» و با عبور از اصلاح طلبانی که بیش از دو دهه ظرفیت ها و تمایلات اعتراضی مردم را به سُخره گرفته و هدر داده بودند، برداشته شد و با گام های بعدی در آبان ۹۸ ادامه یافت و از سه هفته گذشته مسیر تکمیلی و نهایی در پیش گرفته است.

ماشین تبلیغات و سرکوب جمهوری اسلامی در چند مرحله «پایان اعتراضات» را اعلام و از «فضای آرام» شهرهای مختلف خبر داد اما ساعاتی بعد دوباره این اعتراضات در خیابان و مدارس و دانشگاه ها فوران کرد و فریاد آزادیخواهی از سر گرفته شد.

در سه هفته گذشته بخشی از خیزش مردم ایران علیه جمهوری اسلامی با مبارزه دانش آموزان و دانشجویان در ایران پیش رفته است. جوانان و نوجوانان غالباً دهه هشتادی و حتی دهه نودی که جمهوری اسلامی تلاش داشت آنها را «سربازان فرمانده» جا بزند، با هوشمندی و خلاقیت هایی که به خرج می دهند «خواب فرمانده» را آشفته کرده اند.

فراگیر و پیوسته و شفاف

خیزش ملی مردم ایران از قالب اعتراضات، به ویژه اعتراض به حجاب اجباری، و یا اعتراضاتی محدود به حقوق از دست رفته ی زنان، نمی گنجد. اعتراضات زمانی معنا پیدا می کند که خواست هایی در چهارچوب نظام حاکم مطرح شده و معترضان به دنبال تغییر یا به دست آوردن «حق» و «امتیاز» در همان چهارچوب باشند. مانند اعتراضاتی که در سال ۱۳۸۸ به عنوان «جنبش سبز» و در اعتراض یک جریان سیاسی درون حکومت، به نتیجه انتخابات نمایشی ریاست جمهوری دهم، و نه حتی کلیت نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی، شکل گرفت. اما آنچه طی سه هفته اخیر در ایران پیش رفته، جنبش و خیزشی ملی از سوی مردمی در دهک های مختلف درآمدی و تحصیلات و جایگاه اجتماعی متفاوت است. در میان بازداشت شدگان کنونی، از وکیل و دانشجو و پزشک تا کارگر و بازاری و صنعتگر و دانش آموز می توان دید!

این اعتراضات در همه استان های ایران از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب با شعارهایی یکسان شکل گرفت و تداوم یافت. در کلانشهرها نیز تجمعات از مناطق اصلی شهرها به محله ها کشیده شد و مناطق فقیرنشین و متمول بطور



مردم کردستان برای در امان ماندن از موشک‌ها و پهپادهای سپاه خانه و کاشانه را رها می‌کنند و در کوهستان‌ها پناه می‌گیرند

ناراضی‌های داخلی شانه خالی کند.»

چیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید در همین ارتباط گفت «رهبران جمهوری اسلامی همچنان آشکارا «نه تنها نسبت به جان مردم‌شان، بلکه به همسایگان‌شان و اصول بنیادین حاکمیت ملی و تمامیت ارضی طبق منشور ملل متحد نیز بی‌اعتنا هستند.»

سالیوان خواستار محکومیت جهانی رژیم ایران از «استفاده شرم‌آور از موشک و پهپاد علیه همسایگان‌شان و ارسال پهپاد به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین شد.»

شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به حملات پهپادی و موشکی سپاه پاسداران به اقلیم کردستان عراق در تویییت نوشت: «حمله موشکی رژیم درمانده جمهوری اسلامی به خاک کردستان عراق و کشتن و مجروح کردن پناهندگان، خبرنگاران، زنان و کودکان در اردوگاه و مدرسه، یک جنایت آشکار است.»

بر اساس بیانیه سنتکام در روز چهارشنبه، ارتش آمریکا یک پهپاد «مهاجر ۶» متعلق به سپاه پاسداران را که به سمت اربیل عراق در حرکت بود و تهدیدی علیه نیروهای آمریکایی به نظر می‌رسید، سرنگون کرد.

وزارت خارجه آلمان حملات رژیم ایران به اقلیم کردستان عراق را محکوم کرده و خواستار توقف آن شده است.

وزارت خارجه پادشاهی سعودی نیز در بیانیه‌ای با محکومیت شدید حملات پهپادی و موشکی ایران به کردستان عراق و اخلاص در امنیت این کشور، خواستار توقف تجاوزات جمهوری اسلامی به همسایه غربی خود شد.

تحلیلگران می‌گویند جمهوری اسلامی برای نجات از بحران داخلی که در پی اعتراضات گسترده و سراسری مردم با آن روبروست، حمله به اقلیم کردستان را آغاز کرده تا به اسم «شرایط اضطراری» و بهانه‌ی وضعیت جنگی بتواند دست به سرکوب بیشتر مردم بزند.

انقلاب ملی و مدرن به کار بگیرد.

محدود کردن سرمایه‌گذاری و مهاجرت مقامات جمهوری اسلامی و خانواده‌هایشان در غرب، محدود کردن موسسات اسلام‌گرای وابسته به جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف، محدود کردن شرکت‌های همکار و همراه با نظام سرکوب و سانسور از جمله تعطیلی شعب همکار با شرکت‌هایی چون «آبرآوران»، فشارهای بین‌المللی برای جلوگیری از سرکوب شهروندان و رساندن اینترنت رایگان و آزاد به مردم ایران از جمله اقداماتی است که به عقیده برخی تحلیلگران می‌تواند به مبارزات مردم ایران برای پیروزی یاری برساند. مبارزاتی که سرانجام به نام یک انقلاب ملی و مدرن به پیروزی خواهد رسید.

روشنک آسترکی

حملات خونبار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کردستان عراق؛ شاهزاده رضا پهلوی: رژیم درمانده آشکارا جنایت می‌کند

مردم کردستان برای در امان ماندن از موشک‌ها و پهپادهای سپاه پاسداران خانه و کاشانه را رها می‌کنند و در کوهستان‌ها پناه می‌گیرند.

بر اساس آخرین گزارش‌ها در این حملات که تا چهارشنبه ششم مهرماه ادامه پیدا کرد ۱۳ نفر کشته و حدود ۶۰ نفر زخمی شدند. در میان کشته‌ها و زخمی‌ها تعدادی زن و کودک دیده می‌شوند.

کاخ سفید در بیانیه‌ای با محکوم کردن حملات جمهوری اسلامی به کردستان عراق اعلام کرد: «حکومت جمهوری اسلامی نمی‌تواند با حملات برون‌مرزی از زیربار نارضایتی‌های داخلی شانه خالی کند.»

وزارت خارجه آلمان حملات رژیم ایران به اقلیم کردستان عراق را محکوم کرده و خواستار توقف آن شده است.

همزمان با ادامه اعتراضات ضدحکومتی در ایران نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای چهارمین روز پیاپی مناطق کوهستانی کردستان عراق جایی که احزاب گرد مخالف جمهوری اسلامی مستقر هستند بمباران کرد.

بر اساس آخرین گزارش‌ها در این حملات که تا چهارشنبه ششم مهرماه ادامه پیدا کرد ۱۳ نفر کشته و حدود ۶۰ نفر زخمی شدند. در میان کشته‌ها و زخمی‌ها تعدادی زن و کودک دیده می‌شوند.

سپاه پاسداران در این حملات با موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد، پهپاد و توپخانه مواضعی را در اطراف اربیل و سلیمانیه هدف قرار داد.

رضا کعبی جانشین دبیرکل حزب «کومله زحمتکشان کردستان» به «کردستان ۲۴» گفته است «برخی از ساختمان‌های اردوگاه‌ها تخریب شده‌اند.»

کاخ سفید در بیانیه‌ای با محکوم کردن حملات جمهوری اسلامی به کردستان عراق اعلام کرد: «حکومت جمهوری اسلامی نمی‌تواند با حملات برون‌مرزی از زیربار

حکومت‌های اسلام‌گرا در کشورهای چون ترکیه و اندونزی و همچنین سرعت تغییرات اصلاحی در کشورهای عربی از جمله عربستان و امارات توضیح می‌دهند. بسیاری از تحلیلگران فروپاشی جمهوری اسلامی را آغازی بر تضعیف تاریخی بنیادگرایی اسلامی در منطقه و همه جهان و مهار پیامدهای آن از جمله جنگ و درگیری و مهاجرت از کشورهای مسلمان‌نشین ارزیابی می‌کنند.

واکنش‌های بین‌المللی به مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی به حدی گسترده است که به زحمت می‌توان برای آن مورد مشابهی پیدا کرد. این در حالیست که اپوزیسیون دمکراسی‌خواه جمهوری اسلامی در خارج کشور می‌تواند با ارتباط مستمر با دولت‌ها و رسانه‌های خارجی، ظرفیت همراهی و توجه به مبارزات مردم را به نفع این

جنبشی که از ۲۶ شهریورماه آغاز شده مانند همه موارد مشابه دارای یک پویایی درونی است که آن را گام به گام و در راستای کاهش هزینه‌ها و روش‌های جدید مبارزاتی به تکامل خواهد رساند و توافق بر سر رهبری آن برای عبور از جمهوری اسلامی و ورود به دوران پس از آن نیز بخشی از همین تکامل است.

به بیان دیگر، شکل گرفتن رهبری انقلاب ملی برای عبور نهایی از فاشیسم مذهبی به ایران آزاد و متحد، از کف خیابان‌های ایران و توسط همان مردمی به نتیجه خواهد رسید که طی سه هفته گذشته دنیا را شگفت‌زده کرده‌اند.

پهلوی همچنان کابوس واقعی نظام است!

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی با گذشت ۱۶ روز از خیزش ملی علیه نظام، نه در جمع مردم بلکه در یک محیط کاملاً نظامی حضور یافت و درباره آنچه «اغتاشات» خواند اعلام موضع کرد.

رهبر جمهوری اسلامی همچنان بر کلیشه «دشمن» تکیه کرد و خیزش مردم را مثل همیشه «برنامه‌ریزی آمریکا و اسرائیل» خواند. او کوشش کرد تا در قامت «رهبری مصمم برای سرکوب توطئه دشمن» و با پیامی دلگرم‌کننده به «نیروهای همچنان وفادار نظام» ظاهر شود اما محتوای سخنان او بیانگر هراس جدی وی از فروپاشی نظام است.

خامنه‌ای با بیان اینکه خیزش مردم «توطئه بیرونی» با کمک «بازماندگان حکومت پهلوی و ساواکی‌ها در داخل» است بار دیگر پهلوی‌هراسی خود را به نمایش گذاشت. او به گزارش اخیر وزارت اطلاعات درباره بازداشت‌شدگان اعتراضات در ۱۰ روز نخست استناد کرد و بطور غیرمستقیم گفت سررشته‌ی این قیام ملی در دست طرفداران نظام پادشاهی مشروطه است. در اطلاعیه وزارت اطلاعات تأکید شده بود که بیشترین بازداشت‌شدگان، باورمندان به پادشاهی مشروطه هستند.

سخنان علی خامنه‌ای درباره پهلوی‌ها عیناً از سوی محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور تکرار و وی خواهان برخورد «بسیجی‌وار» با معترضان شد.

اینهمه نشان می‌دهد جمهوری اسلامی به شدت نگران فروپاشی ساختار ویرانگر و فاسدپست که با بهمن ۵۷ در ایران بنا شد. ساختاری که «قدرت و حاکمیت مردم» تهدیدی علیه آن و انقلاب ارتجاعی‌اش است. این هراس از یکسو با پایداری مردم در اعتراضات و شعارهای آنان، واز سوی دیگر با تزلزل و تردید در میان نیروهای انتظامی و نظامی برای سرکوب معترضان افزایش یافته است.

واکنش کم‌سابقه بین‌المللی در حمایت از اعتراضات ایرانیان خیزش ملی مردم در ایران توانست به سرعت پشتیبانی گسترده‌ی بین‌المللی را جلب کند. جدا از همراهی سیاستمداران و مقامات کشورهای غربی، چهره‌های شناخته شده فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و هنری کشورهای مختلف با مردم ایران اعلام همبستگی کردند.

شهروندان عادی نیز در شبکه‌های اجتماعی با استفاده از هشتگ‌های معروف این خیزش به زبان انگلیسی از جمله «مهسا امینی» و «انقلاب ایران» با ایرانیان همراه شده‌اند. همزمان کارزارهای مختلف در شبکه‌های اجتماعی تیک‌تاک و اینستاگرام از سوی شهروندان غیرایرانی برای همراهی با خیزش سراسری مردم ایران آغاز شد و به سرعت گسترش یافت. یکی از همراهی‌های برجسته با خیزش ملی ایرانیان، از سوی شهروندان، به ویژه زنان، در کشورهایی مانند ترکیه و افغانستان شکل گرفت که خودشان با اسلام‌گرایی روبرو هستند. مطالب زیادی نیز در شرایطی که هنوز خیزش انقلابی مردم ایران به ثمر ننشسته از سوی تحلیلگران منتشر شده که در مورد اثرات این قیام ملی در ایران بر



اعتراضات گسترده خارج از ایران در حمایت از اعتراضات ضدحکومتی در ایران

شاهزاده رضا پهلوی:

ایرانیان کشورشان را پس می‌گیرند و می‌سازند؛ ایران پس از این انقلاب با همه کشورها مناسبات عادی خواهد داشت

● من به عنوان یک سرباز به ارتشی‌ها می‌گویم که وظیفه آنها دفاع از کشور، مرزها و مردم ما در برابر دشمنان خارجی است، اما اکنون مردم ایران با دشمن داخلی روبرو هستند: جمهوری اسلامی! ارتش باید از مردم در برابر این دشمن دفاع کند. رژیم اسلامی در ایران در حالی که حمایتی از سوی مردم ندارد، چند دهه با مشت آهنین بر ایران حکومت کرده. این رژیم چگونه قدرت خود را حفظ کرده است؟ با زور وحشیانه و تلاش برای تفرقه و دوقطبی کردن ملت و جامعه. تلاش کرده تا مردم را با خط‌کشی‌های مصنوعی در ارتباط با جنسیت، مذهب، قبیله، نژاد، تمایلات جنسی یا ایدئولوژی پراکنده کند و بشکند. اما حالا خود رژیم در حال شکست است. مردم ایران الان نیز نشان می‌دهند همانطور که هزاران سال است مردمی متحد مانده‌ایم، در مقابل این دشمن داخلی هم یکی هستیم.

● غربی‌ها بیشتر از اینکه نگران این باشند که مبدا هموطنان من یک ایران آزاد، سکولار و دموکراتیک تأسیس کنند، بهتر است نگران بقای جمهوری اسلامی در قدرت باشند! جمهوری اسلامی خاورمیانه را ویران کرده، موج‌های مهاجرتی عظیم به سوی اروپا راه انداخته و بذر رعب و وحشت در سراسر جهان پاشیده. با وجود این، برخی از یک انقلاب دموکراتیک علیه این رژیم که مسبب همه اینهاست می‌ترسند؟! می‌ترسند؟!

امیلی شردر که این گفتگو را برای «اورشلیم پست» انجام داده می‌نویسد، من با شاهزاده رضا پهلوی پسر شاه فقید ایران مصاحبه کردم تا بیشتر بفهمم که در صورت وقوع یک انقلاب موفق در ایران، این کشور چگونه خواهد بود. انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ برکناری شاه ایران و روی کار آوردن یک رژیم ستمگر و مذهبی را به دنبال داشت. رژیمی که قوانین ظالمانه و وحشیانه بر مردم ایران تحمیل کرده و این فشار در طول چهار دهه همواره تشدید شده است.

امروز مردم ایران در پی کشته شدن مهسا امینی توسط پلیس امنیت اخلاقی و گشت ارشاد با به راه انداختن موج گسترده اعتراضات سراسری و مداوم علیه رژیم اسلامی در حال مبارزه هستند. برخلاف جنبش‌های اعتراضی قبلی در ایران، اینبار معترضان در ارسال پیام و خواسته‌های خود بسیار صریح هستند: آنها تغییر رژیم را می‌خواهند. این گفتگو به صورت آنلاین انجام شد.

-شاهزاده رضا پهلوی، ایران بار دیگر آشکارا دوران پرتلاطمی را از سر می‌گذراند. موضع شما درباره خیزش‌های مردمی در ایران چیست و آیا از معترضان و ابتکارات آنها حمایت می‌کنید؟ مردم معترض برای اطمینان از تغییرات سودمند چه

باید بکنند و آیا معتقدید ارتش در نهایت کنار مردم قرار خواهد گرفت؟ اگر آری، چرا و اگر نه، باز هم چرا؟!

-واقعاً در کشورمان دوران پر فراز و نشیبی را از سر می‌گذرانیم. ما در دوران انقلاب بسر می‌بریم. خیزش‌های مردمی که در صدها شهر و شهرستان در سراسر ایران شاهد



آن هستیم، یک هدف کاملاً روشن دارد: سرنوشتی جمهوری اسلامی و ایجاد یک دموکراسی سکولار مبتنی بر حقوق بشر. من از نحوه پرسش شما نیز سپاسگزارم چرا که بیانگر این نکته است که هموطنان دلیر من در میدان این مبارزه را رهبری می‌کنند. البته من با تمام وجودم از آنها حمایت می‌کنم و تمام تلاش خود را برای پشتیبانی از آنها و کمک به این مبارزه برای پیروزی انجام خواهم داد.

یکی از راه‌هایی که معتقدم می‌توانم انجام دهم این است که به صورت علنی و همچنین خصوصی با ارتش و نیروهای مسلح صحبت کنم. من به عنوان یک سرباز به ارتش‌ها می‌گویم که وظیفه آنها دفاع از کشور، مرزها و مردم ما در برابر دشمنان خارجی است، اما اکنون مردم ایران با دشمن داخلی روبرو هستند: جمهوری اسلامی! ارتش باید از مردم در برابر این دشمن دفاع کند. رژیم اسلامی در ایران در حالی که حمایتی از سوی مردم ندارد، چند دهه با مشت آهنین بر ایران حکومت کرده. این رژیم چگونه قدرت خود را حفظ کرده است؟ با زور وحشیانه و تلاش برای تفرقه و دوقطبی کردن ملت و جامعه. تلاش کرده تا مردم را با خط‌کشی‌های مصنوعی

در ارتباط با جنسیت، مذهب، قبیله، نژاد، تمایلات جنسی یا ایدئولوژی پراکنده کند و بشکند. اما حالا خود رژیم در حال شکست است. مردم ایران الان نیز نشان می‌دهند همانطور که هزاران سال است مردمی متحد مانده‌ایم، در مقابل این دشمن داخلی هم یکی هستیم. نسل جوان شجاعانه در برابر خشونت این رژیم می‌ایستد و نمی‌ترسد. آنها شانه به شانه برای پس گرفتن ایران از این رژیم قرون وسطایی و تفرقه‌افکن آماده هستند.

- بسیاری از غربی‌ها نسبت به انقلاب‌های موسوم به «بهار عربی» و بی‌ثباتی‌های پس از آن محتاط هستند. تفاوت این اعتراضات چیست؟ به فرض، در فردای یک انقلاب موفق، ایران برای بازگشت به جایگاه واقعی خود به عنوان یک ملت صلح‌طلب در جهان چه باید بکند؟

-غربی‌ها بیشتر از اینکه نگران این باشند که مبدا هموطنان من یک ایران آزاد، سکولار و دموکراتیک تأسیس کنند، بهتر است نگران بقای جمهوری اسلامی در قدرت باشند! جمهوری اسلامی خاورمیانه را ویران کرده، موج‌های مهاجرتی عظیم به سوی اروپا راه انداخته و بذر رعب و وحشت در سراسر جهان پاشیده. با وجود این، برخی از یک انقلاب دموکراتیک علیه این رژیم که مسبب همه اینهاست می‌ترسند؟! من این را دیدگاهی بسیار دور از ذهن و غیرواقعی می‌دانم. این تظاهرات توسط نسل جدیدی در ایران رهبری می‌شود که در شعارهای خود اعلام می‌کنند می‌خواهند ایران را پس بگیرند و آن را به عنوان عضوی از جامعه جهانی بازسازی کنند. جامعه جوان ایران می‌خواهد مانند بسیاری از کشورهای «پیمان ابراهیم» در صلح و رفاه زندگی کند.

پس از موفقیت این انقلاب، حکومتی ملی که خود را وقف رفاه مردم خواهد کرد به قدرت خواهد رسید و یک مجلس مؤسسان روند تدوین قانون اساسی جدید را قبل از رفتن به اولین انتخابات آزاد آغاز خواهد کرد. این فرآیند در کشورهای دیگر تجربه شده و ما نیازی به اختراع مجدد چرخ نداریم.

-نقش غرب (اگر نقشی داشته باشد) در حل هرج و مرج احتمالی چیست؟ آیا فکر می‌کنید ایالات متحده و سایر کشورهای غربی وظیفه خود را انجام می‌دهند؟ در نهایت به نظر شما آیا آمریکا و متحدانش باید تظاهرکنندگان در ایران را مسلح کنند؟

-غرب باید از حمایت کلامی از این انقلاب به سوی حمایت عملی از آن برود. هموطنان من نیاز به دسترسی به اینترنت دارند؛ برای اعتصابات رو به رشد خود نیاز به حمایت مادی دارند. این کشورها سالانه میلیون‌ها دلار صرف آزادی

جمعه خونین زاهدان

شاهزاده رضا پهلوی: این جنایات تنها سرعت سرنگونی رژیم را شدت خواهد بخشید



اعتراضات مردم زاهدان اطراف کلانتری ۱۶

معتضان خشم آنها را بیش از پیش برانگیخت و درگیری را تشدید کرد. مردم سه کلانتری و پایگاه سپاه پاسداران و چند ماشین نیروی انتظامی را به آتش کشیدند. خبرگزاری تسنیم گزارش داد علی موسوی فرمانده اطلاعات سپاه استان سیستان و بلوچستان در نزدیکی مسجد «مکی» هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. معلوم نیست این تیراندازی از سوی خود نیروهای سرکوبگر انجام نشده باشد!

پس از آغاز درگیری‌های زاهدان هلی‌کوپترهای نظامی در آسمان به پرواز درآمدند و شهر وضعیت کاملاً جنگی به خود گرفت. همزمان با این کشتار اینترنت زاهدان و مناطق اطراف آن قطع شد.

منابع غیررسمی تعداد کشته‌شدگان را نزدیک ۴۰ نفر گزارش داده‌اند. ویدئوهایی منتشر شده که نشان می‌دهد یک بیمارستان در زاهدان پر از شهروندان زخمی است. شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به این جنایت رژیم در توییتری نوشت: «رژیم وامانده جمهوری اسلامی در جمعه خونین زاهدان، هم‌میهنان بلوچ ما را به قتل رسانده است. این جنایات تنها سرعت سرنگونی این رژیم را شدت خواهد بخشید. ملت متحد ایران، انقلاب ملی خود را تا رسیدن به یک ایران سکولار، آزاد و آباد ادامه خواهد داد.» علی کریمی کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال ایران نیز تیراندازی مرکبار زاهدان را تسلیت گفت.

بر اساس تازه‌ترین گزارش‌ها، تمامی مدارس زاهدان روز شنبه تعطیل اعلام شده است. فعالان بلوچ در توییتر می‌گویند درگیری‌ها در زاهدان همچنان ادامه دارد و صدای تیراندازی و انفجار در نقاط مختلف شهر شنیده می‌شود.

بر اساس گفته شاهدان عینی، اگرچه نیروهای امنیتی در زاهدان با سلاح‌های سنگین به مردم شلیک کردند اما همچنان بخش‌هایی از شهر از جمله کلانتری «شیرآباد» و «کلانتری ۱۶» در دست مردم است.

● استاندار سیستان و بلوچستان مدعی است آنهایی که کشته و زخمی شدند «افراد ناشناس و تجزیه‌طلب و تروریست‌هایی بودند که بعد از نماز جمعه به سمت کلانتری حمله‌ور شد و مقرّ انتظامی را مورد تعرض قرار دادند.»

● علی موسوی فرمانده اطلاعات سپاه استان سیستان و بلوچستان در نزدیکی مسجد «مکی» هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.

● پس از آغاز این درگیری‌ها هلی‌کوپترهای نظامی در آسمان به پرواز درآمدند و شهر وضعیت کاملاً جنگی به خود گرفت. همزمان با این کشتار اینترنت زاهدان و مناطق اطراف آن قطع شد.

● مقامات محلی ادعا می‌کنند ۱۹ نفر کشته شدند اما منابع غیررسمی اعلام کردند تعداد کشته‌شدگان نزدیک ۴۰ نفر است.

در زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان مأموران حکومت روز جمعه هشتم مهرماه ۱۴۰۱ معتضان را به خاک و خون کشیدند.

استاندار سیستان و بلوچستان مدعی است آنهایی که کشته و زخمی شدند «افراد ناشناس و تجزیه‌طلب و تروریست‌هایی بودند که بعد از نماز جمعه به سمت کلانتری ۱۶ زاهدان حمله‌ور شده و مقرّ انتظامی را مورد تعرض قرار دادند.» او مدعی شده این درگیری ۱۹ کشته و ۲۰ زخمی داشته است.

فرمانده نیروی انتظامی و فرماندار زاهدان نیز معتضان را «اشرار مسلح» خواندند و گفتند که آنها همانهایی بودند که هنگام خروج نمازگزاران از صلا به سمت‌شان تیراندازی کردند و قصد تصرف کلانتری را داشتند.

این در حالیست که نمازگزاران پس از نماز جمعه در تجمع اعتراضی علیه قتل حکومتی مهسا امینی و همچنین اعتراض علیه تجاوز به دختر ۱۵ ساله چابهارى مورد حمله نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفتند. تیراندازی نیروهای حکومت به

اینترنت می‌کنند. چه سرمایه‌گذاری بهتر از ارائه فناوری‌هایی مانند استارلینک به ایرانیان؟! چه سرمایه‌گذاری بهتر از راه‌اندازی یک صندوق اعتصاب برای حمایت از کارگرانی که حاضرند ریسک اعتصاب را بپذیرند؟

در مورد ایالات متحده، بالاخره زمان آن فرا رسیده که پرزیدنت بایدن با قاطعیت و صراحت حمایت خود را از معتضان ایرانی که شجاعانه به خیابان‌ها می‌آیند، اعلام کند. به عنوان یک وظیفه‌ی اخلاقی، او باید به همان اندازه که از جنبش ضد آپارتاید حمایت کرد، از این جنبش آزادخواهانه نیز حمایت کند. با این حال، تحت هیچ شرایطی فکر نمی‌کنم که یک کشور خارجی باید معتضان را مسلح کند! مردم ما با عقل و تأمل و عمدتاً از طریق نافرمانی مدنی پیش رفته‌اند. آنها برای تسلیح خود نیازی به قدرت‌های خارجی ندارند و ما تحت هیچ شرایطی، تلاش قدرت‌های خارجی را برای مسلح کردن و یا حمایت از برخی جناح‌ها علیه گروه‌های دیگر را تحمل نمی‌کنیم. ما یک ملت متحد هستیم.

-مردم ایران و مردم اسرائیل سابقه مناسبات طولانی و غنی دارند و سال‌ها قبل از انقلاب اسلامی از روابط سودمند متقابل برخوردار بودند. در آینده چه امیدی به رابطه اسرائیل و ایران دارید؟

-حق با شماست. تاریخ ایرانیان و قوم یهود بسیار کهن است، از زمان ملکه استر و کوروش بزرگ که بازسازی معبد یهودیان را تسهیل کردند. کشورهای ما در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی نیز روابط عالی و سازنده‌ای داشتند. به محض سقوط این رژیم، یهودی‌ستیزی و نفرت از دولت اسرائیل نیز سقوط خواهد کرد. ایران به دنبال روابط اقتصادی و فرهنگی و مناسبات دیگر با اسرائیل خواهد بود. همانطور که ما با همه کشورهایی که به دنبال روابطی بر اساس حسن نیت و منافع متقابل با ما هستند، مناسبات عادی خواهیم داشت.

-شما بطور گسترده به عنوان یکی از محبوب‌ترین افراد برای حکومت ایران در صورت سقوط رژیم اسلامی شناخته می‌شوید. ایران تحت رهبری شما چه مسیری را دنبال خواهد کرد؟ با برنامه هسته‌ای چه می‌کنید؟ آیا از عادی ساختن روابط با اسرائیل حمایت می‌کنید؟ آیا از عادی شدن مناسبات ایران با کشورهای عربی حمایت می‌کنید؟

-من هرگز به دنبال آزادی ایران برای خودم نبوده‌ام بلکه دنبال آزادی ایران برای هموطنانم هستم. برای جوانانی که شایسته‌ی حق زندگی مانند جوانان در هر کجا هستند! من این کار را برای عنوان یا مقام انجام نمی‌دهم؛ برای کشورم انجام می‌دهم. در هر حال، دید من با آنچه در ایران امروز وجود دارد بسیار متفاوت است. یک ایران آزاد هرگز به دنبال تسلیحات هسته‌ای نخواهد بود زیرا ما به آن نیاز نداریم. البته که ما از عادی ساختن روابط با اسرائیل و کشورهای عرب در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بیشترین حمایت را می‌کنیم. ایران آزاد آینده به عادی ساختن مناسبات با همه کشورهای جهان بر اساس منافع متقابل و احترام متقابل نگاه خواهد کرد. منطقه ما، اگر با هم کار کنیم، می‌تواند یک مجموعه نیرومند جهانی باشد.

-چه پیامی برای یهودیان و مردم اسرائیل دارید که مایلید افکار عمومی در مورد اسرائیل و ایران آن را بهتر درک کند؟

-امروز معتضان شعار می‌دهند: زن، زندگی، آزادی! من معتقدم دوستان یهودی ما با این شعار همدلی خواهند کرد و چون در میانه تعطیلات یهودیان هستیم به آنها می‌گویم: «Ichaim!» به سلامتی زندگی! مردم ایران به دنبال آزادی خود و همزیستی با دیگران هستند. ما امیدواریم که مردم اسرائیل و مردم همه کشورها در این روند در کنار ما باشند.

منبع: اورشلیم پست*

ترجمه و تنظیم از کیهان لندن*

جزییات جدید پرونده مهسا امینی تلاش برای پنهان کردن بخشی از گزارش پزشکی قانونی



در بیمارستان کسری یا اینکه قبل از آن در جاهای دیگر حادثی به وجود آمده نداشته است.»

او افزوده که «او غده‌ای بزرگ در بالای چشمش داشته و پیش دکتر شیروانی رفته و او طبق نظر پزشکی اعلام کرد اگر این غده را عمل کنیم یا نکنیم هیچ تاثیری در وضعیت سلامتی او نخواهد گذاشت و جانش در سلامت کامل خواهد بود. اما با وجود چنین غده‌ای که ممکن است در بینایی او تاثیر بگذارد ما برای احتیاط عمل خواهیم کرد. این نهایت موضوعی بوده که برخی این را بهانه کردند که سابقه این بیماری و بیماری‌های دیگر را داشته است.»

به گفته این وکیل دادگستری «مهسا امینی به بیماری تیروئید هم مبتلا بوده است. خانم مهسا امینی ۲۲ سال سن داشت و با توجه به وضعیت آب و هوایی غرب کشور که کوهستانی است و به علت باران‌های سیل‌آسا در آب‌های آنجا به دلیل کمبود ماده لیون، مانند اکثر همشهری‌های خود به بیماری تیروئید مبتلا بوده و اما این بیماری هم هیچ تاثیری در حادثه‌ای که برای او به وجود آمده نداشته است. زیرا به دلیل نتایج آزمایش سالیانه مهسا امینی که توسط پزشک متخصص او انجام می‌شد، صراحتاً اعلام شده که نیازی به تهیه قرص بیماری تیروئید نیست و حتی نیازی به تغییر دوز مصرف آن قرص‌ها هم ندارد.»

گفته‌های وکیل خانواده امینی نیز بار دیگر سناریوسازی نهادهای امنیتی با همکاری رسانه‌های حکومتی در غیرواقعی نشان دادن علت درگذشت مهسا امینی و بازی با افکار عمومی را ثابت می‌کند.

یکی دیگر از ابهامات در این میان، شفاف نبودن گزارش پزشکی قانونی با اعمال نفوذ نهادهای امنیتی است. صالح نیکبخت گفته در نشست او و خانواده مهسا با پزشکی قانونی قرار بود «پزشکان مورد نظر خود را برای امکان ارتباط و تایید نظریه پزشکی قانونی معرفی کنیم» اما این اتفاق نیافتاد و «در جلسه‌ای که ما حضور داشتیم نظریه پزشکی قانونی درباره جسد مهسا امینی مطرح نشد.»

وکیل خانواده امینی تأکید کرده که «ما هیچ جلسه و هیچ نظریه‌ای را بدون جلب نظر پزشکان معتمد مورد نظر، قبول نخواهیم کرد» وی افزوده: «بدون حضور پزشک معتمدی که خانواده او برای تایید نظریه

خیزش عمومی دیده می‌شود.

همچنین هشتگ #مهسا_امینی با عبور از ۲۰۰ میلیون توییت، به رکوردی بی‌سابقه در تاریخ توییت رسید. این هشتگ از سوی بسیاری از چهره‌های مطرح در سطح جهان نیز مورد حمایت قرار گرفته است.

خانواده مهسا امینی اما با وجود فشارهای امنیتی، به دادخواهی خون فرزند برخاسته و با ثبت شکایت نزد قوه قضاییه خواستار تشکیل روند دادرسی در این پرونده شدند.

در مقابل جمهوری اسلامی از نخستین روز پس از جان باختن مهسا امینی، سناریوسازی درباره این قتل حکومتی را آغاز کرد؛ ادعای داشتن تومور مغزی، بیماری قلبی، بیماری دیابت و همچنین انکار برخورد فیزیکی مأموران با مهسا از جمله مواردی بود که از ابتدا از سوی خانواده‌ی امینی رد شده بود.

در این میان، سال‌هاست بر لباس مأموران ویژه پلیس و گشت ارشاد دوربین نصب شده و این دوربین‌ها زمان مأموریت فعال است. در مورد مهسا گفته شده بود که لباس این مأموران دوربین نداشته و به این بهانه تصویری از هنگام بازداشت مهسا و انتقال او به پلیس امنیت منتشر نشد. در مقابل رسانه‌های داخلی تصاویری تقطیع شده در زمان از هوش رفتن مهسا و انتقال او به بیمارستان را منتشر و ادعا کردند مهسا سکنه قلبی کرده است!

صالح نیکبخت وکیل خانواده امینی در پرونده قتل این دختر جوان گفته که «حین دستگیری مهسا امینی، دخترخاله او نیز همراه او بوده است. دخترخاله و برادر مهسا امینی گفتند حین آنکه مأمور مهسا را دستگیر کرده به مأمور گفتند چون او از سفر آمده و در تهران غریبه بوده و مهمان است از دستگیری او خودداری کند. اما مأمور در جواب اصرار دختر خاله او می‌گوید: «برو کنار چون روی لباس من دوربینی وجود دارد که عکس تصویر تو را هم می‌اندازد و اگر تصویر تو هم باشد من بازخواست می‌شوم که چرا تو را بازداشت نکردم!»

به گفته وکیل، خانواده امینی همچنین درباره ادعای جراحی تومور مغزی مهسا در کودکی گفته که «مهسا امینی در سال ۱۳۸۶ یعنی حدود ۱۵ سال پیش وقتی ۷ سال سن داشته، عمل داشته و عمل جراحی روی او صورت گرفته ولی این عمل هیچگونه ارتباطی با مرگ او

● وکیل خانواده امینی تأکید کرده که ما هیچ جلسه و هیچ نظریه‌ای را بدون جلب نظر پزشکان معتمد مورد نظر، قبول نخواهیم کرد.

● امجد امینی: آقای رئیسی اصلاً از ما دلجویی نکرد تنها زنگ زد و گفت پیگیری می‌کنیم که البته بنده هیچ پیگیری‌ای از جانب ایشان و بقیه مسئولان مشاهده نکردم.

● هرچند برخی جریان‌های قومگرا و حامیان‌شان در نخستین روزهای قتل حکومتی مهسا امینی، گرد بودن او را در برخورد خشونت‌بار گشت ارشاد موثر دانسته و مدعی شده بودند که تیم بازداشت‌کننده مهسا احتمالاً با دیدن مهسا که لهجه گُردی داشته و غریب بوده او را ضرب و جرح کردند اما اطلاعات منتشر شده از بازداشت‌کنندگان نشان می‌دهد یکی از آنها متولد کرمانشاه (گُرد زبان)، یکی متولد زنجان (آذری‌زبان) و یکی متولد لرستان (لر زبان) است! مهسا امینی از هر استان ایران که می‌بود با همین خطر مواجه می‌شد. چنانکه در طول عمر جمهوری اسلامی هزاران دختر و پسر در سراسر ایران قربانی آن شده‌اند. تنوع استانی تیم بازداشت‌کننده مهسا نیز بار دیگر این موضوع را ثابت می‌کند که ساختار فاسد و تباہ جمهوری اسلامی برای همه مردم ایران فقط درد و رنج و خشونت و نابودی و ویرانی به همراه دارد.

در سومین هفته پس از جان باختن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد اسلامی، وکیل او در گفتگو با یک وبسایت داخلی در ایران گفته برخلاف ادعای جمهوری اسلامی، مأموران گشت ارشاد هنگام بازداشت مهسا امینی دوربین روی لباس‌شان بوده است. پدر مهسا امینی هم با تکذیب دلجویی مقامات حکومتی از این خانواده گفته که هیچ جوابی درباره علت مرگ مهسا نمی‌دهند.

مهسا امینی دختر ۲۲ ساله ساکن سقز ۲۲ شهریور امسال در سفر به تهران به شکل خشونت‌باری از سوی مأموران گشت ارشاد بازداشت و به دلیل ضربه مغزی به کما رفت و پس از سه روز در ۲۵ شهریور جان سپرد. جان باختن مهسا امینی سرآغاز خیزش بزرگ ملی در ایران علیه جمهوری اسلامی شد؛ خیزشی که با گذشت ۱۷ روز همچنان در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها ادامه دارد و بسیاری از کارشناسان معتقدند همه مشخصات یک انقلاب در این

جنایت حکومت در استان سیستان و بلوچستان

دست کم ۸۸ کشته و ۳۰۰ زخمی؛ کمبود خون و بحران درمان



کمپین فعالین بلوچ هویت دست کم ۸۸ نفر از کشته شدگان را از ۸ مهرماه ۱۴۰۱ تا امروز ۱۳ مهر جمع آوری و انتشار داده است. بر مبنای این گزارش، به دلیل شلیک های بی محابای نظامیان و عوامل حکومتی در لباس بلوچ، تعداد مصدومان از ۳۰۰ تن فراتر رفته و بیمارستان های این استان با کمبود ذخیره خون روبرو شده اند.

علاوه بر این، کمبود زیربنایی نظام سلامت و فضای شدید امنیتی حاکم بر این منطقه بر شمار کشته ها نیز افزوده و احتمال بالا رفتن آمار کشته ها وجود دارد.

به تازگی، طی یک اطلاع رسانی در فضای مجازی ۴ مرکز اداره کل انتقال خون استان سیستان و بلوچستان، ایستگاه انتقال خون شماره ۲ زاهدان، مرکز ثبت خونگیری زاهدان شعبه دانشگاه و سازمان انتقال خون زاهدان معرفی شده اند تا شهروندان بتوانند با مراجعه به این مراکز، مشکل کمبود خون را تا حد امکان برطرف کنند.

کاربران بومی در شبکه های اجتماعی از جلوگیری نظامیان در امداد رسانی پرسنل بیمارستان برای خدمت رسانی به مجروحان نیز خبر می دهند. اتفاقی که در بالا رفتن افزایش شمار کشته شدگان تا امروز تاثیرگذار بوده است.

طی روزهای اخیر زاهدان و شهرهای یادشده وضعیت امنیتی به خود گرفته است. مقامات حکومتی سرکوب اعتراضات در زاهدان را با ادعاهایی چون جدایی طلبی و تجزیه طلبی توجیه کرده و جنایات خود را علیه معترضان که برای حقوق انسانی خود پیا خاسته اند پاکشویی می کنند. ریشه اعتراضات اخیر علاوه بر جنبش سراسری که علیه قتل حکومتی مهسا امینی در داخل کشور به راه افتاده و با پشتیبانی جهانی نیز همراه شده، به سخنان مولوی عبدالغفار نقشبندی امام جمعه موقت راسک و از علمای مذهبی این استان بر می گردد که چندی پیش خبر تجاوز به دختر ۱۵ ساله بلوچ توسط سرهنگ ابراهیم کوچکزایی فرمانده انتظامی چابهار را تایید کرده و خواستار محاکمه علنی وی شده بود.

مولوی نقشبندی پس از این سخنان، روز ۶ مهرماه ۱۴۰۱، توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) چابهار احضار شد. کمپین فعالان حقوق بشری بلوچ از استقرار نیروهای ضد شورش و سرکوبگر در راسک خبر داده و می گویند بیم بازداشت مولوی عبدالغفار نقشبندی وجود دارد.

پس از کشتار خونین نمازگزاران در مصلاهی اهل سنت زاهدان توسط نیروهای نظامی جمهوری اسلامی، دامنه اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف استان سیستان و بلوچستان، گسترده تر شده و نیروی سرکوب نیز فشارهای وحشیانه خود را بیشتر کرده است.

● در پی این اتفاق بازداشت شهروندان بلوچ شدت گرفته و با وجود جوّ شدید امنیتی، قطع اینترنت و سایر راه های ارتباطی، گزارش هایی به دست آمده که نشان می دهد کسبه برخی شهرهای این استان از جمله زاهدان، ایرانشهر، سراوان، کورین، سرجنگل، چابهار و... از اعتصاب دست برداشته اند.

● کمپین فعالین بلوچ هویت دست کم ۸۸ نفر از کشته شدگان را از ۸ مهرماه ۱۴۰۱ تا امروز ۱۳ مهر جمع آوری و انتشار داده است. بر مبنای این گزارش، به دلیل شلیک های بی محابای نظامیان و عوامل حکومتی در لباس بلوچ، تعداد مصدومان از ۳۰۰ تن فراتر رفته و بیمارستان های این استان با کمبود ذخیره خون روبرو شده اند.

در ادامه سرکوب و کشتار گسترده معترضان در استان سیستان و بلوچستان، دست کم ۸۸ نفر از جمله دو کودک کشته شدند. با اعمال خشونت شدید علیه معترضان و شمار زیاد مجروحان و زخمی ها، کمبود ذخیره خون و نبود امکانات درمانی باعث افزایش کشته ها شده است.

پس از کشتار خونین نمازگزاران در مصلاهی اهل سنت زاهدان توسط نیروهای نظامی جمهوری اسلامی، دامنه اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف استان سیستان و بلوچستان، گسترده تر شده و نیروی سرکوب نیز فشارهای وحشیانه خود را بیشتر کرده است.

تصاویر و ویدئوها از کشته شدگان و زخمی های پُرشمار که در شبکه های اجتماعی انتشار یافته، اقدام به یک جنایت وسیع در استان سیستان و بلوچستان را تأیید می کند. برخی از کشته شدگان کودک هستند و شدت جراحت زخمی ها نیز بسیار بالاست.

در پی این اتفاق بازداشت شهروندان بلوچ شدت گرفته و با وجود جوّ شدید امنیتی، قطع اینترنت و سایر راه های ارتباطی، گزارش هایی به دست آمده که نشان می دهد کسبه برخی شهرهای این استان از جمله زاهدان، ایرانشهر، سراوان، کورین، سرجنگل، چابهار و... از اعتصاب دست برداشته اند.

پزشکان قانونی درخواست کردند رسیدگی به پرونده مورد قبول نخواهد بود. اگر این نظریه مورد تایید پزشکی قانونی باشد، ایرادی ندارد و ما نیز حق مداخله در نظریه پزشکی قانونی را نداریم اما به صورت طبیعی این حق را داریم که هم اعتراض کنیم و هم از پزشکان معتمدی که از اساتید برجسته مغز و اعصاب هستند و هیچ وابستگی اداری و جناحی ندارند، نظر بخواهیم.

یکی دیگر از سناریوسازی ها از سوی جمهوری اسلامی، اعلام دلجویی مقامات حکومتی از خانواده امینی بود. موضوعی که امجد امینی پدر مهسا امینی آن را رد کرده و گفته «رئیس اصلا از ما دلجویی نکرد، تنها زنگ زد و گفت پیگیری می کنیم که البته بنده هیچ پیگیری از جانب او و بقیه مسئولان مشاهده نکردم».

امجد امینی در گفتگو با وبسایت رویداد ۲۴ گفته «هر خبری که درباره دلجویی مقامات منتشر می شود، واقعیت ندارد. آقای رئیس اصلا از ما دلجویی نکرد تنها زنگ زد و گفت پیگیری می کنیم که البته بنده هیچ پیگیری از جانب ایشان و بقیه مسئولان مشاهده نکردم».

پدر مهسا امینی همچنین تأکید کرده که «هیچکس هیچ جوابی در خصوص علت مرگ دخترم به ما نمی دهد. بارها به پزشکی قانونی و مراجع ذیربط مراجعه کردم، اما هیچ جوابی به من ندادند و به نحوی مرا دست به سر کردند».

با گذشت زمان و با وجود تلاش جمهوری اسلامی برای مخفی نگه داشتن ابعاد مختلف پرونده قتل حکومتی مهسا امینی، جزئیاتی در اینباره منتشر شده است. تلویزیون «ایران اینترنشنال» در خبری اعلام کرده که گروه هکری بکدور (Packed.or) اطلاعات فرمانده تیم بازداشت کننده مهسا امینی و یک مامور مرد و دو مامور زن عضو این تیم را در اختیار این رسانه قرار داده است.

بر اساس این گزارش، سروان عنایت الله رفیعی متولد سال ۱۳۴۹ (۵۲ ساله) و متولد خدابنده در استان زنجان، فرمانده تیم نیروی انتظامی بوده که مهسا امینی را بازداشت کرده است. گروه بان یکم علی خوشناموند متولد سال ۱۳۷۴ (۲۷ ساله) نیز مامور این تیم بوده که مهسا امینی را به ون گشت ارشاد منتقل کرده. او متولد روستای خوشناموند در کوهشد جنوبی استان لرستان است.

پرستو صفری متولد سال ۱۳۶۵ در کرمانشاه (۳۶ ساله) ماموری است که جلوی مهسا امینی را در خیابان گرفته است. فاطمه قربان حسینی متولد سال ۱۳۷۴ در تهران (۲۷ ساله) دیگر مامور زن این تیم است که مهسا امینی را بازداشت کرد.

در این میان، هرچند برخی جریان های قومگرا و حامیان شان در نخستین روزهای قتل حکومتی مهسا امینی، گرد بودن او را در برخورد خشونت بار گشت ارشاد موثر دانسته و مدعی شده بودند که تیم بازداشت کننده مهسا احتمالا با دیدن مهسا که لهجه گردی داشته و غریب بوده او را ضرب و جرح کردند و با بی تفاوتی باعث مرگ او شدند اما اطلاعات منتشر شده از بازداشت کنندگان نشان می دهد یکی از آنها متولد کرمانشاه (گرد زبان)، یکی متولد زنجان (آذری زبان) و یکی متولد لرستان (لر زبان) است! مهسا امینی از هر استان ایران که می بود با همین خطر مواجه می شد. چنانکه در طول عمر جمهوری اسلامی هزاران دختر و پسر در سراسر ایران قربانی آن شده اند. تنوع استانی تیم بازداشت کننده مهسا نیز بار دیگر این موضوع را ثابت می کند که ساختار فاسد و تباہ جمهوری اسلامی برای همه مردم ایران فقط درد و رنج و خشونت و نابودی و ویرانی به همراه دارد.

بشر ایران هفته گذشته در آماری اعلام کرد که دست کم ۸۳ نفر تا روز دهم اعتراضات در ایران جان باختند. کشتار مردم در روزهای گذشته نیز ادامه داشته بطوری که روز گذشته در زاهدان دست کم ۳۶ شهروند به دست مأموران جمهوری اسلامی جان باختند.

شمار زیادی از شهروندان نیز بازداشت شدند. گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری نشان می‌دهد تعداد بازداشت‌شدگان بیش از ۱۰۰۰ نفر است اما هنوز آمار دقیقی درباره تعداد بازداشت‌شدگان اعلام نشده است.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نیز برای نخستین بار گزارشی از بازداشت‌شدگان ارائه کرده و مدعی شده که ۹ شهروند آلمان، لهستان، ایتالیا، فرانسه، هلند و سوئد، و همچنین ۲۵۰ شهروند ایرانی در جریان اعتراضات سراسری اخیر بازداشت شدند.

وزارت اطلاعات اعلام کرده بیشترین بازداشت‌شدگانی که گرایش سیاسی مشخص داشتند، ۹۲ نفر و از هواداران پادشاهی مشروطه هستند.

در این گزارش درباره دیگر بازداشت‌شدگان آمده که «۷۷ نفر از مزدوران رسمی گروهک‌های صهیونیستی موسوم به کومله، دمکرات، پاک، پژاک از جمله کادرهای رده بالای آنها، ۴۹ نفر از گروهک رجوی، ۵ عضو گروهک‌های تکفیری و

خیزش ملی علیه نظام جمهوری اسلامی؛ بیانیه مشترک ۵۴ کشور در حمایت از مردم و گزارش بی‌سابقه وزارت اطلاعات درباره بازداشت‌شدگان

میشل تیلور نماینده دائمی ایالات متحده در شورای حقوق بشر نیز در تویییت گفته است که آمریکا به همراه ۵۳ کشور از ایران می‌خواهند «تحقیقات فوری، کامل، بی‌طرفانه و شفاف در مورد مرگ مهسا امینی انجام دهد».

میشل تیلور با تأکید بر اینکه «آمریکا در کنار مردم ایران

● ۵۴ کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل با ابراز تأسف از جان باختن مهسا امینی، خشونت فیزیکی علیه زنان را محکوم کردند و از مقامات نظام خواستند تا از استفاده از زور علیه معترضان مسالمت‌جو خودداری کنند.

● ایرانیان خارج کشور امروز شنبه نهم مهرماه در بیش از ۱۲۰ شهر جهان تجمعاتی در حمایت و همبستگی با جنبش آزادیخواهی مردم که به مرحله اعتصابات رسیده، برگزار می‌کنند.

● وزارت اطلاعات اعلام کرده بیشترین بازداشت‌شدگانی که گرایش سیاسی مشخص داشتند، از هواداران پادشاهی مشروطه هستند.

● اعضای انجمن قلم بین‌الملل روز جمعه هشتم مهرماه در هشتاد و هشتمین کنفرانس جهانی خود با انتشار پیامی به سه زبان فارسی، کردی و انگلیسی همبستگی خود را با مردم ایران اعلام کردند.

خیزش سراسری مردم ایران علیه نظام جمهوری اسلامی در حالی وارد سومین هفته شده که پایداری مردم در مقابل سرکوبگران سبب جلب حمایت‌های بسیار وسیع بین‌المللی شده است. ۵۴ کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل در بیانیه‌ای مشترک خواستار توقف اقدامات سرکوبگرانه و خشن علیه معترضان شده‌اند.

اعتراضات مردمی ایران که از ۲۶ شهریور ماه آغاز و امروز شنبه نهم مهرماه وارد سومین هفته شده، وارد مرحله تازه‌تری می‌شود. نه تنها امروز شنبه نهم مهرماه مردم در شهرهای مختلف و دانشجویان در دهها دانشگاه کشور اعتراضاتی هماهنگ و سراسری را برگزار خواهند کرد و ایرانیان خارج کشور نیز در بیش از ۱۲۰ شهر جهان تجمعاتی در حمایت و همبستگی با جنبش آزادیخواهی مردم برگزار می‌کنند، بلکه این اعتراضات با اعتصابات نیز همراه شده است.

معترضان در کشور طی دو هفته گذشته در بیش از ۱۲۰ شهر تجمع و تظاهرات برگزار کردند و شعارهایی علیه کل نظام جمهوری اسلامی سر دادند. مردم در شعارهایشان بطور مشخص خواستار براندازی جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و دموکراسی هستند. در مقابل، جمهوری اسلامی مثل همیشه راه‌های سرکوب معترضان را در دستور کار قرار داده است؛ از سرکوب مسلحانه در خیابان و بازداشت، تا فیلتر کردن و قطع اینترنت.

اعتراضات بی‌سابقه‌ی پائیز ۱۴۰۱ علیه جمهوری اسلامی توانسته توجه وسیع جامعه جهانی و افکار عمومی بین‌المللی را به خود جلب کند. از شهروندان معمولی تا سلبریتی‌ها و ورزشکاران و هنرمندان و سیاستمداران با مردم ایران ابراز همدلی و همراهی کرده و می‌کنند. چند کمپین بزرگ در شبکه اجتماعی تیک‌تاک برای حمایت از زنان ایرانی و اعتراضات مردمی آغاز شده و میلیون‌ها نفر در سراسر جهان با شرکت در این کارزارها حمایت خود را از مردم معترض ایران نشان می‌دهند.

اکنون در اقدامی کم‌سابقه ۵۴ کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل با صدور بیانیه‌ای مشترک ضمن ابراز تأسف از جان باختن مهسا امینی، خشونت فیزیکی علیه زنان را محکوم کرده و از مقامات جمهوری اسلامی خواسته‌اند تا از استفاده از زور علیه معترضان مسالمت‌جو خودداری کنند.

رابرت مالی نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران جمعه هشتم مهرماه با اعلام این خبر گفته که «پنجاه و چهار کشور در سراسر جهان بیانیه پیشنهادی شیلی و اسپانیا را امضا کردند که از ایران می‌خواهد به استفاده از زور علیه معترضان مسالمت‌جو پایان دهد. وقت آن است که رهبران ایران به این فراخوان جهانی گوش دهند و به خشونت علیه مردم خود پایان دهند».



تروریستی همراه با ۳۶ کیلوگرم مواد منفجره، ۲۸ نفر از اراذل و اوباش سابقه‌دار بوده‌اند.» به نظر می‌رسد وزارت اطلاعات این ارقام و گرایش‌های دستگیرشدگان را با این توهم منتشر کرده که گویا جمهوری اسلامی هنوز می‌تواند با چنین تبلیغاتی مردم را از مسیر اعتراضی خود که با هر فکر و گرایشی علیه کل نظام است منحرف کند!

وزارت اطلاعات همچنین افزوده «در چند ماه گذشته، برخی سرویس‌های جاسوسی غربی و رژیم صهیونیستی، دوره‌های «آموزش مربیان براندازی» برای تعدادی از عناصر مرتبط و از پیش نشان شده برگزار کرده بودند. در این دوره‌ها که برخی در کشورهای منطقه و تعدادی خارج از منطقه برگزار می‌شدند، آموزش‌های نحوه مبارزه با نظام مقدس جمهوری اسلامی، نافرمانی مدنی و براندازی تدریس می‌شد و قرار بر این بود که افراد آموزش دیده، آموخته‌ها را به عناصر دیگری در داخل کشور منتقل نمایند.»

برخی تحلیلگران معتقدند جمهوری اسلامی برای ایجاد هراس در میان مردم معترض، احتمالاً قصد دارد به زودی دادگاهی با حضور شمار زیادی از بازداشت‌شدگان با اتهامات سنگین برگزار کند و گزارش روز گذشته وزارت اطلاعات نیز با همین هدف منتشر شده است.

ایستاده‌است» گفته‌که «جامعه‌بین‌المللی نباید تصاویر خشونت نیروهای امنیتی علیه معترضان مسالمت‌آمیز را نادیده بگیرد.» اعضای انجمن قلم بین‌الملل روز جمعه هشتم مهرماه در هشتاد و هشتمین کنفرانس جهانی خود با انتشار پیامی به سه زبان فارسی، کردی و انگلیسی همبستگی خود را با مردم ایران اعلام کردند.

در این پیام آمده که «در چهار دهه گذشته، رژیم اسلامی از طریق کشتار جمعی، شکنجه، زندانی کردن، سانسور و ممنوع کردن بسیاری از آزادی‌ها قدرت خود را بر کشور حفظ کرده‌است.» امضاکنندگان این پیام با اشاره به دستگیری، شکنجه و کشته شدن فعالان سیاسی و نویسندگان، شاعران، هنرمندان، کارگران، معلمان و دانشجویان در ایران افزودند: «ما اعضای پن بین‌الملل همصدا و قویاً وحشیگری رژیم در سرکوب آزادی بیان در ایران را محکوم می‌کنیم.»

اعضای انجمن پن بین‌الملل همچنین همبستگی خود را «با زنان و مردم ایران در مبارزه آنان برای آزادی و برابری و عدالت» اعلام و از «خواسته‌های آنان برای آینده‌ای فارغ از ستمگری و دیکتاتوری» حمایت کردند.

طی دو هفته گذشته شماری از معترضان با شلیک مأموران حکومتی یا بر اثر ضرب و جرح کشته شدند. سازمان حقوق

فرمانروای حيله گر

اشرف، با سیاستی که در پیش گرفته بود، باعث رنجیدگی بخشی از سپاهیان افغان شد. آنها «کودتا»ی اشرف و قتل محمود را خیانت نسبت به فرمانده و فاتح بزرگی که افغان را از مذلت رها نموده و به قدرت رسانیده بود، تلقی می کردند. حسین، برادر محمود که حکومت قندهار را به عهده داشت، سر تسلیم و تمکین در برابر اشرف فرود نمی آورد و کوس استقلال می زد. از طرفی، آشفتگی اوضاع ایران تزار روس (پتر کبیر) و سلطان عثمانی (احمد سوم) را به فکر بهره برداری انداخته بود. روسیه و عثمانی سفيرانی مبادله کردند و به هم نزدیک شدند و برای تقسیم قسمتهایی از خاک ایران قرارداد بستند. در نتیجه سپاهیان روس بخش عمده قفقاز و سواحل غربی دریای خزر را متصرف شدند و سپاهیان عثمانی در صفحات غربی ایران به تاخت و تاز پرداختند. طهماسب میرزا فرزند شاه سلطان حسین بر قسمتی از عراق عجم و گیلان و مازندران و استرآباد تسلط داشت. خراسان در تصرف ملک محمود سیستانی بود. مابقی ایالات و ولایات ایران نیز به پایداری و نافرمانی ادامه می دادند. بدین سان، قلمرو فرمانروایی اشرف به اصفهان و کرمان و شیراز محدود می شد.

اشرف، فرمانروایی حيله گر بود. چون می دانست که از جنگیدن در تمامی جبهه ها سودی نخواهد برد تصمیم گرفت به تدابیر سیاسی توسل جوید و مرحله به مرحله پیش برد. به قراری که نوشته اند بین او و طهماسب میرزا، در دو ماهه آخر سلطنت محمود، روابطی برقرار شده بود و به طور پنهان مکاتبه داشتند. آنها پیمان نهاده بودند که متفقاً برای برافکندن محمود، یکی از داخل و دیگری از خارج، اقدام کنند و پس از پیروزی، طهماسب بر تخت سلطنت بنشیند مشروط بر آن که افغانها را به چشم متحد بنگرد و در دستگاه حکومت، جایگاه و پایگاهی شایسته برایشان منظور بدارد.

پیمان نامه ای را که بین اشرف و طهماسب در این زمان تنظیم شده بود کروسینسکی «لغت نامه» می نامد زیرا طرفین در هر بند آن لعنت خدا و رسول و ائمه اطهار و چهار یار (ابوبکر، عمر، عثمان، علی) را در صورت تخلف بر خود خریده بودند.

نظر به همین سابقه، اشرف در نخستین قدم به سوی طهماسب میرزا روی آورد و از وی دعوت کرد در نقطه ای بین قزوین و اصفهان با هم دیدار و مذاکره کنند. فرستادگان اشرف زمانی از اصفهان خارج شدند که طهماسب میرزا، بی خبر از واقعه قتل محمود، بر اساس قول و قرارش با اشرف، از قزوین به سوی اصفهان حرکت کرده و در کاشان با صیدلی خان، فرمانده افغان، جنگیده و او را شکست داده بود.

از دیگر سو، رجال وفادار به سلسله صفوی که از قصد اشرف آگاه شده بودند، نامه ای نوشتند و طهماسب را از اعتماد کردن به اشرف برحذر داشتند و یادآور شدند اشرف همان دامی را که برای پدرش، شاه سلطان حسین، نهاده بود اکنون پیش پای او گسترده است.

قاصدی که این نامه را برای طهماسب میرزا می برد، در راه با لشکریان صیدلی خان روبرو شد که پس از تحمل شکست در کاشان، به اصفهان می گریختند. قاصد را گرفتند و نامه به دست صیدلی خان افتاد که آن را به اصفهان برد و در اختیار اشرف گذاشت.

اشرف، محض آن که نقشه هایش بهم نخورد نامه را پنهان نگه داشت و هیچ گونه واکنشی ابراز نکرد. طهماسب میرزا، پس از آن که فرستادگان اشرف به حضور وی رسیدند و نامه

کالبدشکافی یک طغیان (۲۰)

(کیهان لندن شماره ۱۱۰۰-۱۱۲۵)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵

بازنشتم

احمد احرار



پتر کبیر

اشرف را تقدیم داشتند جلگه ورامین را برای دیدار با اشرف تعیین کرد.

در این هنگام، طهماسب میرزا و همراهان او یقین داشتند که تاج و تخت صفوی و قدرت حکومتی در انتظار آنهاست. بر سر پوست خرس شکارنشده بین سرداران سپاه اختلاف افتاد. سپاهیان طهماسب میرزا از قزلباشها و قاجارها تشکیل می شدند. قاجارها از لحاظ تعداد بر قزلباشها برتری داشتند و خواستار آن بودند که پس از بازگشت سلطنت به خاندان صفوی، مقام اعتمادالدوله (وزیر اعظم) برای همیشه متعلق به قاجاریه باشد. قزلباشها چنین تصمیم و تضمینی را خلاف سنت سلطنت می شمردند و با آن مخالف بودند. اختلاف امیران به دو دستگی در سپاه و دو دستگی، به شورش منجر شد. طهماسب که از متحد کردن قشون خود عاجز مانده بود تصمیم گرفت تنها با هزار سوار به میعادگاه برود. اما از باب احتیاط یکی از سرداران خود - امیراصلان - را به تجسس درباره تعداد سپاهیان و آرایش قوای اشرف مأمور کرد.

امیراصلان در برخورد با سپاهیان افغان که به سرعت طی طریق می کردند، متوجه شد این عده نه برای صلح، که برای جنگ تجهیز شده اند. از این رو قاصدانی تیزپا نزد طهماسب میرزا فرستاد و او را از خطر آگاه کرد. آنگاه بین خود او، که دو هزار سوار به همراه داشت با سپاهیان افغان جنگ درگرفت. در نبردی سخت که تمام روز ادامه یافت، امیراصلان و سربازانش شجاعانه پایداری کردند و دو بار حلقه محاصره دشمن را در هم شکستند ولی چون از پیروزی نهایی، به سبب نابرابری قوا، اطمینان نداشتند با استفاده از تاریکی شب گریختند و از طریق راههای کوهستانی، که خطر تعقیبشان را به وسیله دشمن منتفی می ساخت، پس از چند

شبهانه روز راهپیمایی خود را به تهران رساندند. طهماسب نیز پس از دریافت پیام امیراصلان به آن سوی جبال البرز پناه برد. و بدین سان نخستین حمله سیاسی اشرف - اعم از آن که صادقانه بود یا خدعه آمیز - به شکست انجامید.

اشرف، خشمگین از این ناکامی، به تهران حمله برد اما به سبب پایداری مردم این شهر نتوانست بر آن دست یابد. در بازگشت، ابتدا ساوه و سپس قم را متصرف شد. در قم، که پس از هشت روز محاصره تسلیم شده بود، او همسر و تعدادی از یاران طهماسب میرزا را به اسارت گرفت و در اصفهان با آن عده از رجال که برای طهماسب نامه نوشته بودند تصفیه حساب کرد.

او شکست خود را در طرحی که برای دیدار با طهماسب میرزا ریخته بود معلول خبرسانی این عده می دانست. به همین سبب، و جهت آن که برای همیشه از دغدغه خیانت آنها برهد، همگی را به بهانه شکار به قصر فرح آباد دعوت کرد و در آنجا گردن زد.

در این زمان، علاوه بر طهماسب میرزا، تعدادی از شاهزادگان و بستگان خاندان صفوی در نقاط مختلف ایران علم مقاومت برافراشته بودند. شاخصترین آنها، سید احمد نوه دختری شاه سلیمان بود. او در ابتدای امر به طهماسب میرزا پیوست و در جمع یاران و نزدیکان وی قرار گرفت اما از آنجا که در خانواده مذهبی رشد کرده و از سوی پدری نوه میرزا داود متولی مرقد امام رضا بود، رفتار غیر مذهبی طهماسب میرزا را بر نمی تافت. به تصریح مؤلف مجمع التواریخ: «سید احمد چون دید که شاه [طهماسب] به سبب اعمال شنیعه و بزم و شرب خمر که برهمزن امر سلطنت و سرداری است و همیشه مست و بی خبر بودن و نظر خیانت به بنین و بنات (پسران و دختران) سرداران و سرکردگان کردن، لایق امر سلطنت و جهانداری نیست و از او، امر جهانگشایی متمشی نمی تواند شد و گوش سخن نیوش ندارد، و خود [سید احمد] نیز صاحب داعیه و پادشاه رسمی بود، لاجرم از شاه طهماسب جدا شد».

نوشته اند که سید احمد با جعل فرامینی از سوی طهماسب میرزا موفق شد نیروهای مقاومت را با خود همراه کند و در خطه فارس به کمک رزمندگان محلی ضربات سختی بر افغانها وارد آورد.

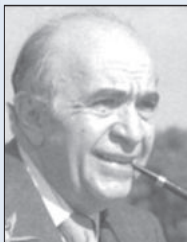
سید احمدخان پس از فتوحاتی در فارس، به کرمان تاخت و شهر کرمان را به آسانی تصرف کرد و در آنجا به نام خود سکه زد و خود را احمدشاه نامید.

طهماسب میرزا چنان از خوددیری و طغیانگری سید احمد به خشم آمده بود که طی فرامینی، محمدخان شاملو را به حکومت کرمان و شاهوردیخان چکنی گرد را به سپهسالاری فارس برگماشت و مأمور گرفت و به بند کشیدن سید احمد خان یاغی و طاغی کرد.

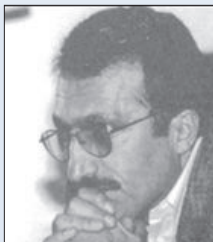
محمدخان شاملو در جنگ با سید احمدخان شکست خورد و اسیر و زندانی شد. اما کمی بعد، سید احمد او را از زندان بیرون آورد و اعتمادالدوله (صدر اعظم) خود قرار داد. سید احمد خان که این زمان احمدشاه نامیده می شد با لشکری گران عازم تسخیر شیراز شد. در جنگی که میان او با محمدخان بلوچ، حاکم شیراز (منصوب از سوی اشرف) درگرفت محمدخان بر وی غلبه کرد. سید احمد به کرمان بازگشت اما دیگر توان حکمرانی نداشت. اشرف سپاهی را بر سر او فرستاد. سید احمد فرار کرد و به بندرعباس رفت و در آنجا به مقاومت ایستاد. مقاومتش ۹ ماه طول کشید و سرانجام برای رهانیدن برادرش که به اسارت درآمده بود سر تسلیم فرود آورد. افغانها هر دو برادر را در کنار زاینده رود گردن زدند.

«در شماره آینده: جنبشهای داخلی و دشمنان خارجی»

معمای به نام هویدا (۴)



نوشته دکتر عباس میلانی

مقاله آشوب برانگیز «احمد رشیدی مطلق»
و نقش هویدا در آن ماجراآموزگار معتقد بود که هویدا و پرویز ثابتی به تظاهرات و اغتشاشات
دامن می‌زنند تا دولت او را ساقط کنند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره‌های ۸۷۷-۸۶۱)

بازنشر



امیر عباس هویدا و لیلا امامی - به اتفاق لیندون جانسون و همسرش

علاوه، بسیاری از کارمندان دربار به علم وابستگی عاطفی داشتند و او را از بزرگان می‌دانستند و گمان داشتند که هویدا به گراف تکیه بر جای او زده است. در يك کلام، روابط هویدا با بسیاری از کارمندانش تیره و پرتنش بود، اما در مقابل با تحولاتی که در سطح جامعه در شرف تکوین بود، اختلافات دربار یکسره بی مقدار جلوه می‌کرد.

موج تظاهرات

اندکی پس از استعفای هویدا از نخست‌وزیری، موجی از تظاهرات ضد دولتی آغاز شد. روح سرکشی تازه‌ای در مردم پدیدار شده بود. به تدریج ترس از دولت و ساواک می‌ریخت و هر روز شمار تازه‌ای از توده مردم به صف مبارزه وارد می‌شد. آموزگار تکنوکراتی قابل و بد اخلاق بود. در عین حال، به ظرایف و طرایف عالم سیاست هم ورود چندانی نداشت. وقتی دامنه تظاهرات بالا گرفت، نخستین واکنش و تحلیل آموزگار از اوضاع این بود که هویدا و متحد اصلی‌اش در ساواک، پرویز ثابتی را گناهکار بدانند. می‌گفت این دو این اغتشاشات را برای برانداختن و بی‌ثبات کردن دولت او به راه انداخته‌اند. دوستش احمد قریشی را واسطه کرد و از این دو نفر خواست که از دسایس خود دست بردارند. هر دو نفر هرگونه مداخله در این تظاهرات را به شدت انکار کردند. به ناباوری پرسیده بودند که: «مگر فکر می‌کنند دیوانه‌ایم که به چنین تحریکاتی دست بزنیم؟»

برخی از ایرانیان، به سیاق آموزگار، نخستین تظاهرات زمینه ساز انقلاب را چیزی جز دسیسه‌های دسته‌های

به شاه خواهند کوشید و رقابت شدیدی از این بابت میانشان پدیدار خواهد شد.»

حتی گویا تر از این سیاست «تفرقه و حکومت»، نحوه بر خورد شاه با علم بود. می‌دانیم که علم سالها نزدیکترین دوست شاه بود. گاه با شاه سواری می‌رفت؛ در بیشتر مسایل سیاسی، دیپلماتیک و مالی و خانوادگی، معتمد شاه بود. حتی در مراودات عاشقانه شاه با زنان هم او گاهی نقش واسطه داشت و زمانی به عنوان مترسک به کار می‌آمد. ولی شاه انگار فی نفسه از رفاقت واقعی عاجز بود. می‌توانست حتی با دوست وفادار و رازداری چون علم هم به سنگدلی و بی‌اعتنائی رفتار کند. در حالی که علم در فرانسه با سرطان دست و پنجه نرم می‌کرد، شاه در يك تماس تلفنی از او خواست که ازمقارش استعفا کند و در عین حال به اطلاعاتش رساند که دشمن دیرینه‌اش، هویدا را به وزارت دربار برگمارده است. از یادداشت‌های علم آشکارا بر می‌آید که از این کار شاه رنجیده بود و انتصاب هویدا را «مرموز» می‌دانست. علم اندکی پس از گفتگوی تلفنی‌اش با شاه، دل شکسته و رنجیده حال، درگذشت و سرنوشتش قاعدتا می‌باید برای هویدا درس عبرتی می‌شد.

به نظر هویدا، دربار تشکیلاتی سخت نامنظم داشت و در چنبر سنتهایی خشک و پوسیده از يك سو، و دار دسته‌های سودجوی خود محور از سوی دیگر گرفتار بود. به یکی از دوستانش در همان زمان گفته بود: «دستگاه دولت فقط فاسد بود، حال آن که دربار يك لانه افعی واقعی است.» به

دکتر عباس میلانی برای نوشتن کتابی که با عنوان «معمای هویدا» انتشار یافته، شش سال وقت صرف کرده و با بسیاری از کسانی که امیرعباس هویدا را از نزدیک می‌شناختند به گفت و گو نشست است. این کتاب، شخصیت هویدا را از زوایای مختلف مورد ملاحظه قرار می‌دهد. کتاب، با گزارشی از وضع نخست وزیر پیشین در زندان انقلاب آغاز می‌شود و سپس به شرح زندگانی وی از تولد تا مرگ می‌پردازد.

برای این کتاب، دکتر عباس میلانی شش سال صرف وقت کرده و با کسانی که می‌توانسته‌اند اطلاعاتی راجع به امیر عباس هویدا و زندگانی خصوصی و سیاسی او بدهند، در نقاط مختلف اروپا و امریکا دیدار و گفتگو داشته است. با اینهمه، جای چون و چرا در باره روایات و تفسیرها وجود دارد. «کیهان» برای درج نظریات انتقادی یا تکمیلی از طرف صاحبزنان و آگاهان - مشروط بدان که هدفی جز نگارش صحیح و دقیق تاریخ نداشته باشد - آماده خواهد بود. در نخستین هفته مرداد ۱۳۵۶، هویدا تعطیلات تابستانی خود را آغاز کرد. شاید حتی پیش از رفتن هم می‌دانست که این واپسین سفرش به عنوان نخست وزیر ایران خواهد بود. به یکی از جزایر یونان رفت. همسر سابقش لیلا امامی، و نیز عباسعلی خلعتیری و همسر وی همراهی‌اش می‌کردند. ادوارد سابلیه هم پس از چندی به این جمع پیوست. هویدا اغلب اوقات در شنه‌ای گرم ساحل لم می‌داد و رمان پلیسی می‌خواند.

در سیزدهم مرداد ۱۳۵۶ به تهران بازگشت. روز بعد به دیدن شاه رفت که در آن روزها خود در نوشهر مشغول استراحت بود. به محض آنکه شاه آغاز به سخن کرد، هویدا انگار ذهنش را خواند. کار را بر شاه آسان کرد. نگذاشت این گفتگوی پردرد به درازا بکشد. کم و بیش میان حرف شاه دوید و گفت اوضاع تازه به گمانش، خون و روحیه تازه‌ای می‌طلبد و با همین عبارات در واقع از مقام خود استعفا داد. شاه هم البته استعفای هویدا را پذیرفت و همان روز جمشید آموزگار را به عنوان نخست‌وزیر جدید برگزید. در حقیقت، يك هفته پیش، هنگامی که هویدا هنوز در یونان بود، شاه به آموزگار ندا داده بود که به فکر تشکیل و ترکیب کابینه‌اش باشد. البته استعفای هویدا به هیچ وجه به معنای شکست و سرشکستگی کاملش نبود. در همان جلسه، شاه او را به جای علم به وزارت دربار برگمارد. همان طور که در گزارش مرداد ۱۳۵۶ «سیا» آمده، با این انتصاب هویدا در واقع از آن پس با شاه در تماس دایمی قرار می‌گرفت. به علاوه، «شاه دوباره به شیوه مألوف خود» عمل کرده بود. از سویی هویدا را از صدارت عزل می‌کرد و از سویی دیگر، او را «که به خاطر سالیهای طولانی صدارتش از نفوذ و روابط گسترده‌ای [در تشکیلات سیاسی ایران] برخوردار بود، چون وزنه‌ای در برابر آموزگار، مصدر کاری تازه می‌ساخت. قاعدتاً در آینده این دو هرکدام برای تقرب بیشتر

دامن می‌زد و بالاخره تب تظاهرات چنان بالا گرفت که تنها انقلاب درمانش بود.

گرچه از همان زمان، نقش هویدا در تدارک این مقاله بیش و کم مسجل و معروف بود، اما انگیزه او در تدوین سریع چنین متنی روشن نبود و نیست.

طبعاً یکی از علل مشارکت او در این کار این واقعیت بود که او نیز چون آموزگار و همایون و دبیران اطلاعات سرپیچی از فرمان شاه را یکسره نامی‌سر می‌دانست. ولی در عین حال از همان زمان این شایعه هم بر سر زبانها بود که هویدا پیامدهای بالقوه خطرناک چنین مقاله‌ای را نیک می‌شناخت و با این حال به تدوین و چاپش کمک کرد چون می‌خواست رقبیش را از صحنه به در کند و از کار براندازد. «ژوزف کرافت» که از طرف مجله نیویورکر در آن زمان به ایران سفرکرده بود، در گزارش خبری خود چیزی به همین مضمون نوشته بود. می‌گفت: «احساس من این است که بخشی از انگیزه [چاپ مقاله] درگیر کردن دولت آموزگار با مخالفان مذهبی است.»

چاپ مقاله جرقه‌ای شد که پس از چندی به آتشی همه‌گیر بدل گشت. ابعاد تظاهرات مخالفین به تدریج بالا گرفت. به علاوه، آشکار بود که یکی از علل اصلی ناراضی‌پنیها، فساد مالی در میان قدرتمندان است. به همین خاطر، هویدا پس از تلاش فراوان. بالاخره شاه را متقاعد کرد که فعالیتهای اقتصادی خاندان سلطنتی را محدود کند. به کمک هویدا دستورالعمل تازه‌ای در این زمینه تدارک شد که از بیست ماده مختلف تشکیل می‌شد و در مرداد ۱۳۷۷ به تصویب نهایی شاه رسید. اعضای خاندان سلطنت را از، «کردار مغایر با ارزشهای اجتماعی» برحذر می‌داشت. هرگونه «تماس با شرکتهای خارجی... دریافت هرگونه کمیسیون... مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در شرکتهایی که با دولت معامله می‌کنند... عضویت در هیات رئیسه شرکتهای» را برای اعضای خاندان سلطنت منع می‌کرد. هویدا به دوستان و اقوام خود بارها گفته بود که تصویب این دستورالعمل را مهمترین دستاورد خود در دوران وزارت دربار می‌داند. ولی غافل بود که اینها هم نوشداروی بعد از مرگ سهراب بود.

آموزگار از سویی بحران سیاسی جامعه را به دسایس دشمنان خود تأویل می‌کرد و از سوی دیگر، راه حلش برای بحران اقتصادی هم سفت کردن کمربندهای مملکت بود. همزمان با این تحولات، شاه هم تغییر رأی داده بود و پیوسته نوید دموکراسی سیاسی می‌داد. امروزه که رخدادهای زمان انقلاب را باز می‌نگریم، به گمان من آشکار و بدیهی به نظر می‌آید که حرکت همزمان جامعه به سوی آزادی سیاسی، و انقباض وفشارهای تازه اقتصادی، فرجامی جز فاجعه نمی‌توانست داشت. باید به خاطر داشت که از زمان ارسطو، فلاسفه خوب می‌دانستند که برای سلاطین مستبد، واگذاشتن بخشی از قدرت کاری خطر و خطرناک است. می‌دانستند که حکام زورگویی که ناگهان سلوک با یزید و شبلی پیدا می‌کنند براحتی و بی خطر می‌توانند سبک و سیاق حکومت خود را دگرگون کنند. در یک کلام، می‌دانستند که فرایند دموکراتیزه کردن یک جامعه مستبد، فرایندی به غایت پیچیده و مخاطره انگیز است. اما به رغم این واقعیت، رژیم شاه درست در زمانی که با بحران اقتصادی خطرناکی مواجه بود به اصلاحات سیاسی هم دست زد و گام در راه پرمخاطره دموکراتیزه کردن جامعه گذاشت. دنباله دارد

می‌بازد. لحن تند اعلامیه شاه را به خشم آورد. در جا دستور داد ساواک مقاله‌ای در جواب اعلامیه تدارک کند و در آن آیت‌الله خمینی را از روی کینه به عنوان هندی زاده‌ای که جاسوس بیگانه بود به باد حمله بگیرد.

شاه در همان روز، بی آن که با ساواک چیزی بگوید، به هویدا هم دستوری مشابه داد. هویدا هم بلافاصله کار تهیه مقاله را به دو نفر از همکارانش محول کرد. چهل و هشت ساعت بعد از فرمان خشم آگین شاه هویدا به داریوش همایون، که در آن زمان وزیر اطلاعات بود، زنگ زد و گفت: «مقاله‌ای هست که باید آن را به فرمان اعلیحضرت چاپ کنید. آن را به وسیله پیک مخصوص به دفتر کارتان فرستادم». دقایقی بعد، یکی از کارمندان دفتر هویدا وارد اتاق کار



جمشید آموزگار به اتفاق هوشنگ انصاری و امیرعباس هویدا

همایون شد. پاکتی مهر و موم شده به همراه داشت. از پاکتهای رسمی وزارت دربار بود. زرد رنگ و منقش به علامت ویژه دربار. همایون بی‌آنکه مقاله را بخواند، یا حتی پاکت را باز کند، آن را برای سردبیر روزنامه اطلاعات فرستاد. دستور داد که به چاپش اقدام کنند. وقتی از او پرسیدیم که چرا پاکت را باز نکرد، جوابی ساده داشت می‌گفت: «چون می‌دانستم اگر امر شاه باشد، دیگر چاره‌ای جز چاپ مقاله نخواهیم داشت.»

وقتی متن مقاله به دست دبیران اطلاعات رسید، بلافاصله سراسیمه به همایون زنگ زدند. می‌گفتند از چاپ این متن معذورند. می‌گفتند لحنی آشوب‌زا دارد. همایون به جمشید آموزگار متوسل شد. شرح ماجرا را گفت و پاسخ نخست وزیر هم کوتاه و قاطع بود. می‌گفت اگر اعلیحضرت به چاپ مقاله فرمان داده‌اند، چاره‌ای جز چاپ آن نیست. به هر حال، به رغم این تردیدها و هشدارها، سرانجام نه سردبیر اطلاعات، نه نخست‌وزیر و نه وزیر اطلاعات مملکت هیچکدام جرأت سرپیچی از فرمان شاه را پیدا نکرد و مقاله چاپ شد و غوغائی برانگیخت. در شهرهای مختلف تظاهرات خونینی علیه مقاله آغاز شد. به علاوه، انگار این تظاهرات مسری بود. هر کدام به چندین تظاهرات تازه

→ رقیب قدرت در درون رژیم نمی‌دانستند. برخی دیگر خود آموزگار را مقصر و عامل اصلی این نابسامانیها می‌دانستند. می‌گفتند بی جهت، و بدون در نظر گرفتن پیامدهای قضیه، مستمری روحانیون را که از بودجه محرمانه نخست وزیری پرداخت می‌شد قطع کرد و همین مسأله به انقلاب دامن زد. گروهی دیگر، به تأسی از شاه انقلاب را یکسره محصول توطئه‌های شرکتهای نفتی می‌دانستند. مارکسیست‌ها هم انقلاب را بخشی از تحولات اجتناب ناپذیر تاریخی می‌شمردند. البته برخی موافق و بعضی مخالف انقلاب بودند و به همین مناسبت، یا آن را حرکتی قهقراپی یا گامی به پیش می‌دانستند. نیروهای مذهبی هم می‌گفتند انقلاب کار خداست. می‌گفتند معمار

نهایی تاریخ کسی جز خدا نیست و انقلاب اسلامی را هم نباید چیزی جز لحظه‌ای از این تاریخ الهی دانست. به رغم تفاوت‌های ظاهری میان این نظرات گونه‌گون، همه در يك نکته مشترک‌اند: همه مسئولیت خود را انکار می‌کنند. هیچکدام حاضر نیستند به این امکان بیندیشند که در مقاطع مختلف، جامعه ایران به آسانی می‌توانست راه دیگری پیش گرفته باشد. به دیگر سخن، به گمان من، می‌توان لحظات تاریخی متعددی برشمرد که در آن اگر یکی از بازیگران عالم سیاست تصمیمی متفاوت می‌گرفت، یا گاه حتی اگر همان تصمیم را چند ماه زودتر به مرحله اجرا در می‌آورد، چه بسا که از انقلاب اجتناب می‌شد. یکی از بارزترین مصادیق این گونه لحظات، تصمیم چاپ مقاله‌ای به نام «ایران و امپریالیسم سرخ و سیاه» بود که در هفدهم دی ماه ۱۳۵۶ منتشر شد.

چند روز قبل از چاپ این مقاله کذایی، نصیری، در دیدارش با شاه گزارشی درمورد واپسین اعلامیه آیت‌الله خمینی تقدیم کرده بود. اعلامیه به مناسبت مرگ فرزند ارشد آیت‌الله خمینی صادر شده بود و در آن آیت‌الله گفته بود که غم و درد مرگ فرزند، در مقابل غمی که به خاطر جنایات رژیم پهلوی در ایران احساس می‌کند، یکسره رنگ



گزارش ویژه؛ داستان پر اشک نیکا شاکرمی در گفتگو با یکی از نزدیکان؛ از شور زندگی و نقاشی حرفه‌ای تا خاکسپاری غریبانه و بازداشت اطرافیان

رهسپار می‌شود تا برای همیشه در دامنه‌های زاگرس بیارامی.»

آتش شاکرمی در ادامه نوشته بود «شنبه نهم مهر پیکر نیکا را تحویل گرفتیم. یکشنبه دهم مهر پیکرش را به خرم‌آباد منتقل می‌کنیم. و دوشنبه بعد از ظهر او را در گورستان صالحین خرم‌آباد به خاک می‌سپاریم. دعوتید به آخرین تولد نیکا؛ نیکایی که دیگر نیست و همیشه هست. باشد که از مرگ نیکای دلیر هزاران هزار نیکای دلیر به دنیا بیاید!»

عضو فامیل شاکرمی درباره نیکا و خانواده‌اش به کیهان لندن می‌گوید: «پدر و مادر نیکا هر دو اهل خرم‌آباد بودند. پدرش مردی بود خوش‌سیما و زیبا، با خلق و خوی فرشته سرشت؛ و تمام اقوام و دوستان عاشقانه دوستش داشتند. شغلش پیمانکاری بود در حد یک زندگی ساده و معمولی درآمد داشت. مادرش نسرین هم هنرمند و خانه‌دار است. خانواده مادری نیکا همه دستی در هنر دارند و آتش خاله نیکا نقاش حرفه‌ای است. آیدا خواهر بزرگ نیکا ۲۰ ساله و دانشجوی بهداشت حرفه‌ای دانشگاه تهران است. نیکا فرزند دوم ۱۷ ساله و هنرمندی بود که چندین هنر داشت. از نقاشی و طراحی گرفته تا دیزاین و... حتی دستپخت‌اش هم حرف نداشت. نیکا آنقدر در نقاشی حرفه‌ای بود که هر کسی را حتی اگر برای اولین بار می‌دید به سرعت پرتره او را می‌کشید. نیکا عزیزدردانه پدرش بود اما وقتی حدوداً ۸ ساله بود پدرش به دلیل سکنه قلبی درگذشت. مادر نیکا بعد از درگذشت همسرش از خرم‌آباد به کرج نقل مکان کرد که نزدیک خانواده پدری‌اش باشد.»

او ادامه می‌دهد: «نیکا خیلی سرزنده و شاداب بود. خیلی رُک بود و به شدت اصرار داشت مستقل باشد حتی چند وقت پیش با اینکه نیاز مالی نداشت، در یک کافه کار می‌کرد. بلندپرواز بود و مهربان. نیکا در هنرستان تحصیل می‌کرد و با خلق و خوی هنری، به ویژه در نقاشی با خاله‌اش آتش بسیار نزدیک بود. همین موضوع آنقدر اُنس میان خاله و خواهرزاده هنرمند را زیاد کرده بود که نیکا از سال گذشته به خانه خاله‌ی مجردش نقل مکان کرده بود و غالباً با خاله‌اش زندگی می‌کرد. آتش عاشقانه و مثل یک فرزندی که از خودش باشد نیکا را دوست می‌داشت و نسبت به آینده حرفه‌ای او احساس مسئولیت می‌کرد.»

بر اساس اطلاعاتی که به کیهان لندن رسیده، نیکا شاکرمی روز ۲۹ شهریور با یک کوله‌پشتی، یک حوله و یک بطری آب معدنی از خانه خاله‌اش بیرون می‌زند. به خاله‌اش

صالحین خرم‌آباد به خاک بسپارند. قرار بود ظهر امروز همگی برای برگزاری مراسم به آرامستان صالحین برویم اما متأسفانه قبل از ۹ صبح از غسالخانه آرامستان با خانواده نیکا تماس گرفتند و اطلاع دادند که که نیروهای امنیتی گفته‌اند نیکا نباید اینجا دفن شود و جنازه را از غسالخانه گرفتند و مقاومت مسئولان قبرستان هم بی‌فایده بود و در نهایت پیکر را به حیات‌الغیب بردند.»

حیات‌الغیب روستایی از توابع بخش ویسیان است که محلی‌ها به آن محمودوند می‌گویند و در ۴۰ کیلومتری خرم‌آباد در جاده خرم‌آباد- اندیمشک با مسیری نه چندان هموار قرار دارد.

به گفته این فرد نزدیک به خانواده شاکرمی، بعد از تماس از آرامستان، دایی نیکا به همراه یکی دیگر از مردان خانواده به سرعت به سمت حیات‌الغیب حرکت می‌کنند تا شاید مانع خاکسپاری پیکر نیکا در آن روستا شوند با دست‌کم مراسم را به تعویق بیاورند تا خانواده و فامیل برسند. آنها در میانه‌ی خاکسپاری عجلانه‌ی ده‌ها مأمور امنیتی مسلح که قبر را در چند حلقه دوره کرده بودند سر می‌رسند و اصرار و پافشاری و درگیری آنها با مأموران نتیجه نمی‌دهد و پیکر ظریف و نونهال نیکا غریبانه به خاک سپرده می‌شود. دایی نیکا و مرد دیگر فامیل هم پس از خاکسپاری بازداشت و با چشم‌بند به محل نامعلومی منتقل می‌شوند. همزمان در خرم‌آباد خاله نیکا، آتش (زهره) شاکرمی، که چند سال نیکا با او در تهران زندگی می‌کرد و در روزهای گذشته درباره خواهرزاده‌اش در توئیتر اطلاع‌رسانی کرده بود نیز بازداشت می‌شود.

این منبع مطلع به کیهان لندن توضیح داده که تا عصر روز دوشنبه ۱۱ مهرماه دایی و خاله نیکا همچنان در مکانی نامعلوم بازداشت هستند اما مرد دیگر فامیل که بازداشت شده بود، آزاد شده ولی چون چشم‌بند داشته نمی‌داند محل نگهداری دایی نیکا کجاست.

او همچنین می‌گوید که تعداد زیادی از فامیل و مردم خرم‌آباد چون اطلاع نداشتند پیکر نیکا ربوده شده، به آرامستان صالحین آمدند و در پی اطلاع از ماجرا اعتراض کردند و شعار دادند.

آخرین توثیق آتش شاکرمی خاله نیکا در دوم اکتبر و با اطلاع‌رسانی درباره تاریخ و محل خاکسپاری و در قالب دنوشته‌ای برای نیکا منتشر شده: «قرار بود امروز تولدت باشد، دهم مهر، تولد هفده سالگی‌ات، جوجوی قشنگ‌مان. اما دهم مهر پیکر ظریف و زخمی‌ات به سرزمین مادری‌ات

از غسالخانه آرامستان با خانواده نیکا تماس گرفتند و اطلاع دادند که که نیروهای امنیتی گفته‌اند نیکا نباید اینجا دفن شود و جنازه را از غسالخانه گرفتند و مقاومت مسئولان قبرستان هم بی‌فایده بود و در نهایت پیکر را به حیات‌الغیب بردند.

برخی منابع غیررسمی در تماس با خانواده نیکا مدعی شدند که نیکا هفته اول را در اختیار سازمان اطلاعات سپاه (ساز) بوده و بعد از اتمام بازجویی به زندان اوین منتقل شده؛ پیگیری خانواده از زندان اوین اما نشان می‌دهد که ورود او به این زندان هیچوقت ثبت نشده است.

بینی نیکا کاملاً خُرد شده بود، پیشانی‌اش شکسته بود و مجسمه‌اش به دلیل ضربات پی در پی با جسم سخت متلاشی بود و چهره او به سختی قابل شناسایی بود.

«نیکا خیلی سرزنده و شاداب بود. خیلی رُک بود و به شدت اصرار داشت مستقل باشد حتی چند وقت پیش با اینکه نیاز مالی نداشت، در یک کافه کار می‌کرد. بلندپرواز بود و مهربان.»

روشنک آسترکی - نیکا شاکرمی یکی از جانباختگان جنبش ملی و آزادیخواهی شهریور ۱۴۰۱ است که تنها چند روز مانده به تولد ۱۷ سالگی‌اش در تهران جان باخت. پیکر او پس از ۱۰ روز پنهانکاری توسط مسئولان امنیتی، در سردخانه کهریزک از سوی خانواده شناسایی شد. نهایتاً روز دوشنبه پیش از خاکسپاری در آرامستانی در خرم‌آباد که مورد نظر خانواده بود، چندین امنیتی وی را ربودند و در روستایی دورافتاده بدون حضور اعضای خانواده به خاک سپردند. کیهان لندن در گفتگو با یکی از نزدیکان نیکا، قصه پرغصه یکی از جانباختگان نوجوان جنبش آزادیخواهی شهریور ۱۴۰۱ علیه جمهوری اسلامی را ثبت کرده است.

پیکر بی‌جان نیکا شاکرمی دختر نوجوانی که در اعتراضات روز سه‌شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ در بلوار کشاورز تهران کشته شد، روز دوشنبه ۱۱ مهرماه در روستای «حیات‌الغیب» در آرامستانی به همین نام به خاک سپرده شد. خاکسپاری او با حضور دست‌کم ۷۰ تا ۸۰ مأمور امنیتی مسلح و بدون حضور اعضای خانواده انجام شد. دو فرد فامیل نیکا هم که پس از اطلاع از ربوده شدن پیکر خواهرزاده‌شان توسط مأموران امنیتی به این روستا رفتند، بعد از خاکسپاری توسط همان مأموران بازداشت شدند!

یکی از نزدیکان نیکا در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید: «امروز قرار بود پیکر نیکا را خانواده‌اش در آرامستان

اختصاصی کیهان لندن

سر دادن شعار علیه جمهوری اسلامی در زندان «رجایی شهر»

بیانیه پنج زندانی سیاسی در همراهی با خیزش مردم



تهران / شهریور ۱۴۰۱

متن کامل این بیانیه را در ادامه می‌خوانید:
ملت بزرگ و آگاه ایران
۴۳ سال زیر سیطره و استبداد رژیم تروریست و
تمامیت‌خواه جمهوری اسلامی تاب آوردید.
جوانان خود را از دست دادید،
از جان و مالتان گذشتید و
به امید جناح‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا،
دولت‌هایی با رنگ و لعاب مختلف آمدند و رفتند،
اما جز فقر و فلاکت و تحقیر و عقب ماندگی و اعدام و
زندان، دستاوردی بر ایران و مردم نداشتند.

اینک این رژیم فریبکار با بهره‌مندی از رسانه‌های خود
و بلندگوی دروغ‌پراکن صداسیما و با قطع کردن اینترنت
و القاء واژه‌هایی چون معاند، ضد انقلاب، تجزیه‌طلب،
اغتشاشگر و توهین به مقدسات و با استفاده از بهانه‌های
واهی می‌خواهد مردم را در مقابل هم قرار دهد.
همچنین با سیاست کهنه‌ی «تفرقه‌بیانداز و حکومت کن»،
همچنان به سرکوب و چپاول و تروریست‌پروری خود ادامه
دهد.

اما مردم هوشیار می‌بایست برای دفاع از حقوق انسانی
و حق قانونی اعتراض خود در برابر قتل و اعدان و ظلم و
فساد، بر علیه این رژیم جنایتکار که جوانان وطن را در
خیابان‌ها قتل عام می‌کنند، متحد شوند.
بنابراین ما یقین داریم، جنبش اعتراضی و دادخواهی مردم
ایران، بر پایه‌ی همدلی و همبستگی در برابر استبداد حاکمه
پیروز است.

پاینده ایران
زندان رجایی شهر
مهرماه ۱۴۰۱ خورشیدی
آرشام رضایی
زرتشت احمدی راغب
علی موسی نژاد فرکوش
امیر دوربین قاضیانی
محمد حسین حقیقت منش

● زندانیان شعارهایی از جمله «عزا عزاست امروز، ریشه
ظلم و ستم زیر عباس است امروز»، «کردستان کردستان چشم
و چراغ ایران»، «فراخوان حکومت محکوم است محکوم
است» و «آزادی عدالت حق مسلم ماست» سر دادند.
● آرشام رضایی، زرتشت احمدی راغب، علی موسی نژاد
فرکوش، امیر دوربین قاضیانی و محمد حسین حقیقت منش
همچنین در بیانیه‌ای تأکید کردند که «ما یقین داریم
جنبش اعتراضی و دادخواهی مردم ایران، بر پایه همدلی و
همبستگی در برابر استبداد حاکمه پیروز است.»

زندانیان محبوس در زندان «رجایی شهر» کرج با سر دادن
شعار با مردم معترض در خیابان‌های سراسر کشور همراهی
کردند. شعارها توسط پنج تن از زندانیان سیاسی سر داده
شد و دیگر زندانیان با آنها همراهی کردند. این پنج زندانی
سیاسی همچنین در بیانیه‌ای با خیزش مردم ایران اعلام
همبستگی کردند.

پنج زندانی سیاسی محبوس در زندان «رجایی شهر» کرج
با سر دادن شعار در بند، با اعتراضات مردمی علیه جمهوری
اسلامی همراهی کردند.

بر اساس فایل صوتی اختصاصی که از این حرکت اعتراضی
به دست کیهان لندن رسیده، زندانیان شعارهایی از جمله
«عزا عزاست امروز، ریشه ظلم و ستم زیر عباس است امروز»،
«کردستان کردستان چشم و چراغ ایران»، «فراخوان حکومت
محکوم است محکوم است» و «آزادی عدالت حق مسلم
ماست» سر دادند.

این زندانیان همچنین در برابر فراخوان فریبکارانه‌ی
جمهوری اسلامی جهت برگزاری تجمع از سوی هواداران
نظام و ایجاد تفرقه میان مردم، بیانیه‌ای صادر کردند.
آرشام رضایی، زرتشت احمدی راغب، علی موسی نژاد
فرکوش، امیر دوربین قاضیانی و محمد حسین حقیقت منش
در این بیانیه تأکید کردند که «ما یقین داریم، جنبش اعتراضی
و دادخواهی مردم ایران، بر پایه همدلی و همبستگی در
برابر استبداد حاکمه پیروز است.»

گفته بود می‌رود خوابگاه دانشگاه تهران پیش
خواهرش آیدا. خاله‌اش بعد از چند ساعت با نیکا
تماس می‌گیرد اما گوشی نیکا خاموش بوده. با آیدا تماس
می‌گیرد؛ آیدا می‌گوید نیکا به خوابگاه نایمده! خانواده با
گشودن پرونده مفقودی در آگاهی، به همه بیمارستان‌ها،
بازداشتگاه‌ها و سردخانه‌ها، حتی سردخانه کهریزک، سر
می‌زنند اما خبری از نیکا نبود. همزمان یکی از دوستان
نیکا آخرین استوری نیکا را که برای دوستان نزدیک تنظیم
شده بود در اینستاگرام دیده بود؛ نیکا در بلوار کشاورز در
اعتراضات بود و روسری خود را درآورده و به آتش انداخته
بود. دوستش حوالی ساعت ۷ عصر با نیکا تماس گرفت و
نیکا گفته بود در حال فرار است و مأموران دنبالش هستند.
دقایقی بعد گوشی خاموش و نیکا برای همیشه ناپدید شد.
خانواده با شنیدن این موضوع احتمال بازداشت نیکا را هم
در نظر می‌گیرند به ویژه آنکه حساب اینستاگرام، تلگرام،
واتس‌آپ او پاک شده بود؛ اما روزهای پی در پی جستجو
بی‌نتیجه ماند و هیچ نهاد امنیتی از جمله پلیس امنیت زیر
بار بازداشت او نرفت.

آتش شاکرمی حتی روز چهارشنبه شش مهر اطلاعیه‌ای به
همراه عکس و مشخصات او در شبکه‌های اجتماعی منتشر
کرد و از شهروندان برای پیدا کردن او کمک خواست.

در نهایت پس از ۸ روز پلیس امنیت خانواده را برای
شناسایی جسدی که مشخصات مشترک با نیکا داشت فرا
می‌خواند. پیکر ظریف و بی‌جان نیکا در سردخانه کهریزک
در حالی که کاملاً پوشانده شده بود و فقط بخشی از صورت
او مشخص بود به خانواده نشان داده می‌شود. بینی نیکا
کاملاً خرد شده بود، پیشانی‌اش شکسته بود و جمجمه‌اش به
دلیل ضربات پی در پی با جسم سخت متلاشی بود و چهره
او به سختی قابل شناسایی بود.

علت مرگ نیکا در گواهی پزشکی قانونی سقوط از ارتفاع
اعلام شده است. در پلیس آگاهی تنها یک عکس ساختگی
به دایی نیکا نشان دادند؛ عکسی طراحی شده که نیکا
دمر روی زمین افتاده، یک بطری آب و موبایلش هم کاملاً
حساب شده در کنار پیکر جانمایی شده بود بطوری که دایی
نیکا گفته این شیوه قرار گرفتن پیکر و وسایل کنارش اصلاً
عادی نبوده و انگار همه چیز صحنه‌سازی شده است.

همچنین برخی منابع غیررسمی در تماس با خانواده نیکا
مدعی شدند که نیکا هفته اول را در اختیار اطلاعات سپاه
بوده و بعد از اتهام بازجویی به زندان اوین منتقل شده؛
پیگیری خانواده از زندان اوین اما نشان می‌دهد که ورود او
به زندان اوین هیچوقت ثبت نشده است.

نیکا شاکرمی یکی از ده‌ها نامی از جوانان و زنان و مردانی
است که از دی‌ماه ۹۶ تا کنون در اعتراضات مردمی علیه
جمهوری اسلامی جان باخته و بلافاصله خانواده با شدیدترین
فشارهای امنیتی روبرو شدند و نهادهای امنیتی و رسانه‌های
حکومتی با سناریوسازی برای پنهان کردن حقیقت و مخابره
اطلاعات نادرست و ساختگی درباره آنها می‌کوشند.

روز دوشنبه ۱۱ مهرماه ۱۴۰۱ ساعتی پس از خاکسپاری
غریبانه نیکا، خبرگزاری تسنیم در خبری دروغ اعلام کرد
«مرحومه نیکا شاکرمی با حضور خانواده و اقوام در روستای
حیات‌الغیب بخش ویسیان به خاک سپرده شد». این
خبرگزاری در ادامه به تهدید و ارباب خوانندگان پرداخته و
به نقل از داریوش شاه‌نوند دادستان مرکز استان لرستان
نوشت: «نسل جوان و نوجوان نباید فریب رسانه‌های معاند
و جو‌سازهای آنان را بخورند، چرا که دشمنان و رسانه‌های
معاند تنها به دنبال حاشیه‌سازی و برهم زدن نظم و امنیت
عمومی هستند و بر کسی پوشیده نیست که دلشان به حال
این کشور نمی‌سوزد.»

۳- انقلاب این کشورها از نظر فرهنگی و مدنی بدون پشتوانه بود

انقلاب‌ها زمانی محکوم به شکست و نابسامانی است، که توده‌های پایین، بی‌کفایت و یا خرافه‌پرست بدون پشتوانه‌های فرهنگی و مدنی قصد تسلط بر کشور کنند. بطور مثال هنگامی که در انقلاب لیبی، گروه‌های انقلابی بجای محاکمه قذافی در دادگاه‌های صالح، با چاقو شکم وی را در بیابان می‌دزدند، سرانجام چنین انقلابی از پیش مشخص است و یا هنگامی که در سوریه اسلامگراهای افراطی با سایر مخالفین بشار اسد در هم می‌آمیزند و علیه سکولاریسم برمی‌خیزند، مشخص است که در بین آنان داعشیان قدرت می‌گیرند و شهرهای بزرگ علیه آنان به مقاومت می‌پردازند. انقلاب یا شورش ۵۷ ایران نیز، نوع دیگری از همین انقلابات است. اما جنبش کنونی شکل گرفته در ایران، از نظر فرهنگی و مدنی، جنبشی با پشتوانه است به‌گونه‌ای که گروه‌های آزادیخواه و سکولار علیه عقب‌ماندگی و خرافه‌پرستی بپا خاسته و خواستار تغییر و تحولات بنیادی‌اند. به همین سبب است که در این جنبش، خشونت، مذهب و یا قوم‌زدگی و فرقه‌گرایی جایی ندارد و نمی‌تواند آینده‌ای خشونت‌بار داشته باشد.

۴- اختلافات مذهبی

ایران برخلاف سایر کشورهای منطقه که اعیاد و رسوم و آیین‌های آنان بر اساس مذهب است، دارای ریشه‌های اسطوره‌ای و ملی است. پس اختلافات مذهبی مانند شیعه و سنی در آن کشورها می‌تواند موجب گروه‌بندی‌های سیاسی و یا اجتماعی گردد و میانشان درگیری به وجود آورد، اما در ایران با توجه به اینکه جشن‌ها، اعیاد، رسوم و غیره بر

چرا انقلاب ایران به سرنوشت سوریه و عراق و لیبی دچار نخواهد شد؟

ایران اشاره داشت. این قوم بدوی و به دور از تمدن، هنگام هجوم به ایران دستور سوزاندن کتابخانه‌ها را صادر کرد به گونه‌ای که بسیاری از آثار ارزشمند این مرز و بوم در آتش کوتاه‌نظری آنان سوخت، اما پس از گذشت چند سال همین قوم بدوی محصور و مسحور فرهنگ و تمدن ایرانیان گشته و خود تبدیل به شاعران و شاعرپرستان ایرانی شدند. حتی امروزه می‌بینیم که برخی فرزندان مسئولین، برخلاف پدرانشان که تفکرات طالبانی دارند، متحول شده و مانند ایرانیان به فرهنگ ایرانی دل‌بسته‌اند. آری، ایرانیان با فرهنگ غنی خود، در تاریخ نشان داده‌اند که اشغالگران را بدون جنگ و خونریزی از سرزمین آبا و

● طرفداران جمهوری اسلامی به منظور تفرقه‌افکنی و پاشیدن بذر ترس و ناامیدی در میان مردم، سناریوی سوریه‌ای شدن و تجزیه ایران را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند.

● پشتوانه و پیشینه و اشتراکات تاریخی و فرهنگی و مدنی جمعیت متنوع ایران که قرن‌ها در کنار هم زیسته‌اند، وجود شاهزاده رضا پهلوی و شهروندخبرنگاران و فعالیت روشنگر رسانه‌های گروهی، آنهم در جهانی که دیگر مانند گذشته نیست و نمی‌توان کشورها را تکه تکه کرد، چیزی که در خود سوریه و عراق و لیبی نیز به وقوع نپیوست، و مهم‌تر از همه، ماهیت جنبش آزادیخواهی کنونی ایرانیان که برخلاف ۵۷، برای دموکراسی و سکولاریسم و حقوق بشر است، این سناریوسازی و تبلیغات جمهوری اسلامی و طرفدارانش را در عمل خنثی می‌کند و مَهر باطل بر آن می‌زند.

سیمرغ (ایران) - جنبشی که در ایران پس از قتل حکومتی «مهسا امینی» آغاز شده، می‌تواند منجر به انقلابی گسترده شود، به گونه‌ای که ارکان جمهوری اسلامی را در هم شکسته و آن را سرنگون سازد، اما طرفداران جمهوری اسلامی به منظور تفرقه‌افکنی و پاشیدن بذر ترس و ناامیدی در میان مردم، سناریوی سوریه‌ای شدن و تجزیه ایران را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند تا به پشتوانه آن شاید بتوانند آتش خشم مردم را فرونشاند و اعتراضات را مهار سازند.

بطور مثال مقاله‌ای تحت عنوان «خواب‌های پریشان برای سوریه‌سازی ایران» در روزنامه «جوان» در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۴۰۱ به قلم «حمیدرضا شاه نظری» به چاپ رسیده که بخشی از آن به شرح زیر است:

«جمهوری اسلامی بدیلی ندارد و جایگزینی اگر برای آن بتوان تصور شد تکه‌تکه شدن ایران عزیز و نابودی ملت واحد ایران است. هرچند که این آرزوی دشمنان، خوابی آشفته است که تعبیر نخواهد شد و تصور شکست قدرتی که سوریه و عراق را از چنگال داعش و آمریکا بیرون کشید و اجازه تجزیه این کشورها را نداد با اقداماتی این‌چنینی، تصویری خام و کودکانه است ولی هوشیاری نسبت به سناریوهای دشمن و پرهیز از خام‌اندیشی‌ها و اشتباهات برای هر ایرانی‌ای که قلبش برای وطنش و برای امنیت و آرامش مردمان آن می‌تپد ضروری است...»

اما پرسشی که مطرح می‌شود، این است که چرا سوریه نتوانست انقلاب خود را به مَهر رساند و دچار جنگ داخلی و هرج و مرج شد و چه تفاوت‌هایی میان ایران و لیبی و یمن و عراق و سوریه و غیره وجود دارد که به پشتوانه آن به جرأت می‌توان گفت ایران هیچگاه مانند سوریه و عراق و غیره نخواهد شد.

برای پاسخ به این پرسش‌ها، باید نظری افکند بر تفاوت‌های ساختاری ایران با کشورهای یاد شده.

۱- پشتوانه تاریخی ایران

ایران کشوری وسیع و غنی از فرهنگ و تمدن است. ایران در تاریخ خود، بارها مورد هجوم بیگانگان قرار گرفت و عجیب اینجاست که نه‌تنها فرهنگ و زبان آنان را نپذیرفت، بلکه آنان را متحول کرده و فرهنگ ایرانی را به آنان تحمیل نمود. بطور مثال بسیاری از کشورها پس از حمله اعراب به کشورشان، زبان و فرهنگ و پوشش و عیادشان تغییر یافته و مانند قوای اشغالگر شدند، اما ایرانیان به‌واسطه داشتن تمدنی غنی و فرهنگی عمیق هیچگاه عید نوروز و رسوم ملی خود را فراموش نکرده و یا زبان عربی را به‌عنوان زبان رسمی خود برگزیدند و جالب اینجاست که در کوتاه زمانی این اعراب بودند که تمدن ایران را به عاریت گرفته و با آن همسو شدند. همچنین می‌توان به حمله مغول به



اساس هویت ایرانی و ملی بنا نهاده شده، بنابراین در سراسر ایران همبستگی ملی ایجاد می‌کند به گونه‌ای که اختلافات مذهبی نمی‌تواند در آن جدایی بیفکند.

۵- حضور شاهزاده رضاپهلوی به عنوان چهره شاخص اپوزیسیون

چه برخی خوششان بیاید و یا نیاید، شاهزاده رضا پهلوی یکی از شناخته‌شده‌ترین، شاخص‌ترین و محبوب‌ترین چهره اپوزیسیون ایران است. شعار «رضاشاه روح شاد» و یا «ای شاه خوبان، برگرد به ایران» و شعارهای مشابه نشان از این واقعیت دارد. عملکرد خاندان پهلوی در تاریخ نشان داده که این خانواده برخلاف بسیاری از سیاستمداران جهان، تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران را به حفظ قدرت و ثروت ترجیح داده و ایرانی آباد و آزاد را آرزومندند. بطور مثال هنگامی که رضاشاه با حمله متفقین مواجه شد و خطر تخریب زیرساخت‌های ایران را نزدیک می‌دید، دست از

اجدادی خود بیرون کرده و صدام‌پناه به سایر کشورها تفاوت ساختاری دارند و آنچه آنان را با یکدیگر متحد می‌سازد، نه قوم و مذهب بلکه اسطوره‌ها و باورهای ملی آنان است.

۲- پیشینه ایران

بسیاری از کشورهای یاد شده، کشورهای نوظهوری هستند که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول و طبق معاهده سایکس-پیکو پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. این کشورها پس از ظهور، دستخوش انقلابات و کودتاهای گوناگونی شده و هیچگاه نتوانستند هویت ملی خود را آنگونه که باید، بازبایند. اما ایران اگرچه دستخوش تحولات بسیار شد، ولی هویت ملی و نام «ایران» را همیشه حفظ کرده و با وجود اقوام متعدد و تنوع فرهنگی، قرن‌ها همزیستی مسالمت‌آمیز میان جمعیت آن وجود داشته و هیچگاه دچار تفرقه قومی و مذهبی و فرقه‌ای و غیره نشده است.

در اعتراضات «خیابان لاله‌زار» تهران چه گذشت؟ هجوم مردم به مؤسسه غصبی کیهان



هجوم معترضان به مؤسسه کیهان

و به خیابان‌های اطراف از جمله لاله‌زار کشیده شد. یک شاهد عینی به کیهان لندن می‌گوید: «بیشتر کسبه خیابان لاله‌زار که اغلب فروشندگان لوازم الکتریکی و لوستر هستند از صبح شنبه اعتصاب کردند. تعدادی هم که مغازه‌ها را باز کردند قبل از ظهر کرکره‌ها را پایین کشیدند و یا تا نیمه‌باز بودند و بار خالی می‌کردند... معلوم بود شلوغ می‌شود... سمت «جمهوری» درگیری شد و مردم ریختند توی لاله‌زار. مأموران ترسیدند داخل کوچه‌ها نیامدند. یکسری گفتند بریم سمت روزنامه کیهان؛ با سنگ و چوب شیشه‌ها را شکستند و شعار دادند.»

روزنامه کیهان تهران که به «تریبون بیت رهبری» مشهور است با انتشار تصویری از وقایع روز شنبه نهم مهرماه نوشت «تعدادی از تروریست‌ها و اراذل اجاره‌ای با در دست داشتن انواع سلاح سرد به دفتر روزنامه کیهان حمله کرده و ضمن شکستن شیشه‌های روابط عمومی و پنجره‌های بیرونی، به بخش‌هایی از ساختمان این مؤسسه نیز آسیب زدند. گفتنی است یکی از شیشه‌ها نشانه‌ای از شلیک گلوله دارد.» گفتنی است که کیهان تهران به عنوان سرده‌ساز و اباش واقعی از صادرکنندگان فرمان حمله نه تنها به مردم در داخل ایران و خارج کشور و همچنین شهروندان کشورهای منطقه از جمله کشورهای عربی و اسرائیل است! بر اساس آخرین گزارش‌ها روز یکشنبه دهم مهرماه از ساعت ۱۲:۳۰ اعتراضات بار دیگر در مناطق مرکزی تهران از جمله بازار بزرگ، «جمهوری»، «انقلاب» و لاله‌زار از سر گرفته شده است.

مشکل این کشورها نه حفظ تمامیت ارضی بلکه ضعف در تشکیل یک حکومت فراگیر است، چیزی که تمدن و فرهنگ غنی یک کشور می‌تواند آن را به ارمغان آورد. آنانی که از چند پاره شدن و تجزیه ایران سخن می‌گویند، خود به درستی می‌دانند که چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و فریاد وامبیت‌آبادی آنان، صرفاً ایجاد ترس و تفرقه میان مردم است. همانطور که بیان شد، به علت آنکه جنبش «زن- زندگی- آزادی» جنبشی است بسیار مترقی و انقلابی که بخش آگاه جامعه بر اساس سال‌ها تجربه‌ای تلخ و خونبار به قصد زدودن توحش و عقب‌ماندگی و کنار زدن فرومایگان به راه انداخته، پس در آن، جنگ داخلی و چنددستگی جایی ندارد و سناریوی سوریه‌ای شدن منتفی است.

● یک شاهد عینی به کیهان لندن می‌گوید: «سمت «جمهوری» درگیری شد و مردم به ریختند توی لاله‌زار. مأموران ترسیدند و داخل کوچه‌ها نیامدند. یکسری گفتند بریم سمت روزنامه کیهان؛ با سنگ و چوب شیشه‌ها را شکستند و شعار دادند.»

● روزنامه کیهان تهران که به «تریبون بیت رهبری» مشهور است با انتشار تصویری از وقایع روز شنبه نهم مهرماه نوشت «تعدادی از تروریست‌ها و اراذل اجاره‌ای با در دست داشتن انواع سلاح سرد به دفتر روزنامه کیهان حمله کردند.» گفتنی است که کیهان تهران به عنوان سرده‌ساز و اباش واقعی از صادرکنندگان فرمان حمله نه تنها به مردم در داخل ایران و خارج کشور و همچنین شهروندان کشورهای منطقه از جمله کشورهای عربی و اسرائیل است!

● بر اساس آخرین گزارش‌ها روز یکشنبه دهم مهرماه در ساعات ظهر اعتراضات بار دیگر در مناطق مرکزی تهران از جمله بازار بزرگ، «جمهوری»، «انقلاب» و لاله‌زار از سر گرفته شد. در حاشیه اعتراضات ضدحکومتی در تهران مردم به ساختمان مؤسسه غصب‌شده کیهان در خیابان فردوسی کوچه کیهان (شاهچراغی) رفتند و با شعار «مرگ بر خائنه‌ای» برای گرداندگان آن خط و نشان کشیدند.

شماری زیادی از معترضان در تهران روز شنبه نهم مهرماه در خیابان «جمهوری» و «فردوسی» تجمع کردند اما درگیری مأموران امنیتی و لباس‌شخصی‌ها با مردم معترض شدت گرفت

آذربایجان دوخته بود و آلمان شرقی را با دیوار برلین جدا می‌ساخت. هیتلر کل اروپا را می‌خواست و ژاپن به کشورهای همسایه تاخته بود تا آنان را به سرزمین خود بیفزاید. اما امروزه تکه‌تکه شدن کشورها مانند گذشته میسر نیست. عراق به مدت هشت سال با ایران جنگید و پس از آن گرفتار جنگ با کویت و آمریکا و نفت در برابر غذا و جنگ مجدد با آمریکا شد. داعش سرزمین‌های آنان را اشغال کرد و جنایات بی‌شماری بر مردم مظلوم عراق روا داشت. اگرچه عراق همچنان درگیر ناآرامی‌های سیاسی و داخلی است، اما عراق همچنان عراق باقی مانده است! و یا سوریه پس از جنگ داخلی و ویرانی کشور، همان تمامیت ارضی سابق را حفظ کرده. بنابراین آنچه مشخص و روشن است،

→ قدرت شست و ایران را به مقصدی نامعلوم ترک کرد و یا شاه هنگامی که دو پارگی و جنگ داخلی را محتمل می‌دید، ایران را ترک کرد و برای نگاه داشتن قدرت و سلطنت، حمام خون به راه نیانداخت و از همه مهم‌تر، با آنکه شاهزاده رضا پهلوی بطور قانونی وارث تاج و تخت و سلطنت است و می‌تواند به پشتوانه هم تاریخ و فرهنگ و هم طرفداران پادشاهی و وفاداران پدرش، شورش‌های کور و نافرجام به نفع خود در سراسر ایران به راه بیندازد، چنین حرکتی را هرگز دنبال نکرده و تا امروز بجای تلاش برای کسب مقام و قدرت، در جهت روشن‌گری و آگاه ساختن مردم ایران تلاش و مرتب مسئولیت آنها را در تعیین سرنوشت خود و به دست آوردن حق حاکمیت ملی یادآوری کرده است. این حرکت را مقایسه کنید با قدرت‌طلبی صدام حسین که برای پرهیز از جنگ و ویرانی کشورش حاضر به واگذاری قدرت نشد و یا قدرت‌طلبی «علی عبدالله صالح» و «عبدربه منصور هادی» در یمن که کشور یمن را برای کسب قدرت و ثروت به نابودی کشاندند (قذافی در لیبی، حافظ اسد و بشار اسد در سوریه و غیره نمونه‌های دیگری از این واقعیت هستند.)

۶- وجود رسانه‌های گروهی

شهروند خبرنگار عبارتی است که قدمت زیادی نداشته و تاریخچه آن به جنبش «اشغال وال استریت» بازمی‌گردد و پس از آن است که به تدریج به جنبش‌های موسوم به «بهار عربی» رسید و سپس گسترش یافت. در شورش‌های بهار عربی در سراسر خاورمیانه، کم رونق بودن رسانه‌های جمعی و نبود «شهروند خبرنگار» مترقی و کارآمد، دیرنجام توانست، یک: صف گروه‌های افراطی و خطرناک را از صف مخالفین حکومت‌ها جدا سازد و همین امر موجب رادیکال شدن انقلاب‌ها شد دوم: نتوانست آنگونه که باید جلوی شایعه‌سازی و تفرقه را بگیرد سوم: نتوانست جنایت‌های حکومت‌های خودکامه را به جهانیان نشان داده و قدرت سرکوب آنان را بگیرد، لذا سرکوب مردم در فضایی غبارآلود و به دور از چشم جهانیان صورت پذیرفت. چهارم: به علت در دسترس نبودن موبایل و رسانه‌های جمعی در بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک، معمولاً دوگانگی فرهنگی و قومی میان شهرنشینان و روستائین و حاشیه‌نشینان به وجود می‌آید که همین نقصان، در انقلاب کشورهای نظیر سوریه و عراق و لیبی توانست جرقه اختلافات قومی و فرقه‌ای و جنگ داخلی را شعله‌ور کند. اما امروزه با گسترش فضای مجازی و راه یافتن انواع رسانه‌های گروهی به دورافتاده‌ترین شهرها و روستاها، بسیاری از کدورت‌ها، ترس‌ها و شایعات میان شهرنشینان و روستائیان برطرف شده به گونه‌ای که بسیاری از جوانان و نوجوانان در بازی‌های آنلاین با نام شهر و روستای خود و در کنار سایر شهرنشینان به بازی و گروه‌بندی مشغول‌اند و آنچه آنان را از یکدیگر جدا می‌سازد، نه شهر و مذهب و قوم، بلکه توانایی آنان در اجرای بازی است.

امروزه دیگر داعشیان و طالبانیان نمی‌توانند مانند انقلابیون سال ۵۷، نقاب انسان‌دوستی زده و خلخال‌وار و در خفا حکم اعدام صادر کنند. گسترده‌تر شدن فضای مجازی و مترقی شدن شهروند خبرنگاران، قطعاً چهره واقعی بسیاری از فربیکاران را آشکار می‌سازد و جلوی تفرقه و فروپاشی کشورها را می‌گیرد، چیزی که در بهار عربی جای خالی آن به‌وضوح احساس می‌شد.

۷- دنیای امروز مانند گذشته نیست

در گذشته قرارداد ترکمانچای و گلستانی امضا می‌شد و بخش‌های وسیعی از ایران به خاک شوروی ضمیمه می‌شد، انگلستان پاکستان را از هند جدا می‌ساخت و قصد داشت خوزستان را از ایران جدا سازد. شوروی چشم طمع به



دختران و زنانی که حجاب از سر برداشته‌اند علیه حکومت شعار می‌دهند / تهران مهرماه ۱۴۰۱

با همه هارت و پورت‌ها آن را شنیده‌اند. اینهمه در حال است که ترس پرسنل نیروهای مسلح نیز ریخته و علنی و با صراحت علیه جمهوری اسلامی و سپاه پاسدارانش موضع می‌گیرند.

در این میان، مجله «آتلانتیک» شنبه اول اکتبر (نهم مهرماه) در مقاله‌ای با اشاره به تظاهرات گسترده در ایران می‌نویسد در حالی که خواست اصلی تظاهرکنندگان در سال ۸۸ اصلاحات بود، اینبار ایرانیان با سردادن شعار «می‌جنگیم، می‌میریم، ایران رو پس می‌گیریم» خواستار سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی هستند.

رابرت ورت نویسنده مقاله تأکید کرده معترضان در ایران هیچ توهمی درباره اصلاح رژیم جمهوری اسلامی ندارند و اینبار فصل مشترک خواسته‌هایشان تنفر از رژیم جمهوری اسلامی و براندازی آن است.

نویسنده به حضور جوانان در صف اول اعتراضات اشاره کرده و می‌نویسد شجاعت و آمادگی آنها که به رژیم ایران بی‌اعتمادند و چیزی برای از دست ندادن در راه مبارزه برای آزادی شگفت‌آور است.

در بخشی از این مقاله آمده ابراهیم رئیسی که پس از روی کار آمدن فشار مضاعفی بر زنان و جوانان ایران تحمیل کرده مصمم به سرکوب معترضان است. این در حالی است که اصلاح‌طلبان و حتا برخی اصول‌گرایان هشدار داده بودند که رویکرد ابراهیم رئیسی موجب تعمیق شکاف میان جوانان و حکومت شده است.

نویسنده در پایان با استناد به گفته‌ای از روح‌الله خمینی مبنی بر اهمیت جدایی زن و مرد از یکدیگر و پوشیده بودن بدن زنان می‌گوید، خمینی با گره زدن بقا و سرنوشت رژیم خود به حجاب زنان، سلاح مؤثری در اختیار مخالفان این نظام قرار داد. به همین دلیل است که بود و نبود جمهوری اسلامی «به یک تار مو بند است».

هدف براندازی با خوشحالی برای خانم امینی اشک تمساح ریختند.

در جریان جلسه علنی مجلس شورای اسلامی نمایندگان که می‌بایست مدافع حقوق مردم باشند نیز به وسط صحن آمدند و در دفاع از علی خامنه‌ای و جمهوری اسلامی شعار سر دادند و از سرکوب مردم توسط نیروی انتظامی دفاع کردند.

حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نطقی بی‌سر و ته و مبهم خطاب به مردمی که به خیابان آمده‌اند گفت، «به جوانان عزیزمان عرض می‌کنیم وقتی به خیابان می‌آید پشت سرتان نگاه کنید که امتداد مسیری که در آن هستید به یک عده قلیل می‌رسد. ما شما را دوستان خودمان می‌دانیم و اجازه نمی‌دهیم دشمن به شما تعرض کند.» او افزود: «شما فرزندان این مملکت هستید. ما برای همه دفاع می‌کنیم، حتی برای آنهایی که به دلیل فریب و اغوای دشمن ما را دوست ندارند. وقتی از استقلال کشور دفاع می‌کنیم، شناسنامه کسی را نمی‌بینیم.»

ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» در نشست هیأت دولت مدعی شد «هدف دشمن از طراحی توطئه جدید بازداشت کشور از پیشرفت است... زمانی که جمهوری اسلامی در حال پشت سر گذاشتن مشکلات اقتصادی و فعال شدن برای حضور بیشتر در منطقه و جهان بود، دشمنان به قصد انزواي کشور وارد میدان شدند اما در این توطئه هم شکست خوردند.»

محمد رضا نقدی معاون هماهنگ کننده سپاه پاسداران پیش از این گفته بود «اعتراضات به مرگ یک خانم نیست، موضوع براندازی است.» این اظهارات و حرف‌های مشابه که توسط مقامات ارشد رژیم تکرار می‌شود از سوی بسیاری به عنوان به صدا درآمدن ناقوس براندازی ارزیابی می‌شود. ناقوسی که سرداران پرهیاهو و گرافه‌گوی سپاه پاسداران نیز

ناقوس براندازی به صدا در آمده است

مجله آتلانتیک:

مردم ایران فقط سرنگونی رژیم
ملاها را می‌خواهند

● قالیباف: خارج‌نشینان علیه امنیت مردم با هدف براندازی نظام، دست به تحریک و عملیات برای آشوب و اغتشاش زدند.

● حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران: به جوانان عزیزمان عرض می‌کنیم وقتی به خیابان می‌آید پشت سرتان نگاه کنید که امتداد مسیری که در آن هستید به یک عده قلیل می‌رسد.

● مجله «آتلانتیک» در مقاله‌ای با اشاره به تظاهرات گسترده در ایران می‌نویسد درحالی که خواست اصلی تظاهرکنندگان در سال ۸۸ اصلاحات بود، اینبار ایرانیان با سر دادن شعار «می‌جنگیم، می‌میریم، ایران رو پس می‌گیریم» خواستار سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی هستند.

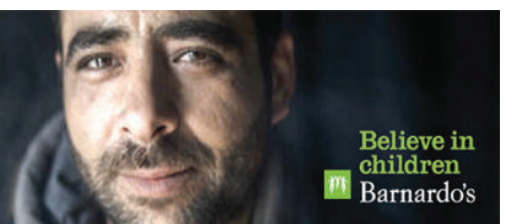
در هفدهمین روز از اعتراضات سراسری در ایران مقام‌های جمهوری اسلامی موضع «تطمیع» و «تهدید» همزمان پیش گرفتند اما تظاهرات با شدت بیشتری ادامه دارد و رسانه‌های بین‌المللی نیز تعارف را کنار گذاشته و به صراحت می‌نویسند که مردم ایران فقط به دنبال براندازی حکومت هستند.

سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی یکشنبه دهم مهرماه در نطق پیش از دستور با اشاره به پیگیری پرونده مهسا امینی که دو هفته پیش در مقر گشت ارشاد کشته شد گفت، «بسیاری از کسانی که در ابتدا انتقاد کردند، هدف براندازانه نداشتند اما دیدیم خارج‌نشینان، علیه امنیت مردم با هدف براندازی نظام، دست به تحریک و عملیات برای آشوب و اغتشاش زدند.»

او تأکید کرد: «مسئولان امنیتی کشور باید مقتدرانه با همه کسانی که مخل امنیت مردم هستند برخورد کنند.» قالیباف وعده داد، «تغییر شیوه اجرای گشت‌های امنیت اخلاقی را پیگیری می‌کنم.» وی همچنین گفت «خارج‌نشینان با

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's



یکشنبه سیاه در دانشگاه «شریف»؛ محاصره و سرکوب وحشیانه دانشجویان و حمایت گسترده مردم؛ دانشگاه تا اطلاع ثانوی تعطیل و مجازی شد!

و خیابان‌های منتهی به این دانشگاه را نیروهای لباس شخصی با ون‌های امنیتی قُرق کرده بودند تا دانشجویان را دستگیر و به بازداشتگاه منتقل کنند.

طبق این گزارش، مسئولان دانشگاه و حراست دانشجویان را به پارکینگ «شریف» هدایت می‌کنند تا وارد خیابان تیموری شوند و سپس از محل خارج شوند ولی درهای پارکینگ نیز بسته بود و نیروهای امنیتی در محل حاضر بوده و به سوی دانشجویان شلیک می‌کنند. در این گزارش در توضیح وضعیت آمده است که نیروهای سرکوبگر «با شلیک گلوله‌های پلاستیکی و ساچمه‌ای از فاصله نزدیک و مخصوصاً به سمت دخترها، آنها را از حرکت باز می‌دارند و با خشونت بربرگونه، دانشجویان را دستگیر می‌کنند و سوار ون می‌کنند».

گفته می‌شود، در پارکینگ دانشگاه حداقل ۳۰ تا ۴۰ دانشجو دستگیر شده‌اند و وضعیت و نهاد بازداشت‌کننده نیز مشخص نیست. فضای امنیتی بطور کامل بر دانشگاه حاکم بوده و پس از خروج دانشجویان از پارکینگ و وارد شدن به محوطه دانشگاه، نیروهای امنیتی «به صورت گزینشی»، دانشجویان را «از جمعیت بیرون می‌کشند و با خود می‌برند».

در این میان، محمدعلی زلفی‌گل وزیر علوم دولت «قاضی مرگ» برای «برقراری آرامش» به دانشگاه می‌رود ولی گزارش و ویدئوی منتشر شده حاکی از توهین و سخنان زننده‌ی او به دانشجویان است. او دانشجویان دانشگاه را «متهم به بی‌قانونی و هدر دادن بیت‌المال» می‌کند و با لحنی تند و ناشایست، به دانشجویان تأکید می‌کند که «به خاطر هدر دادن بیت‌المال باید در دنیا و آخرت جوابگو باشید و هرگز نیز گمان نکنید که می‌توانید هرچه دل‌تان خواست بگویید و ما با شما برخوردی نکنیم، بی‌شک برخورد جدی و قاطعانه صورت خواهد گرفت!»

او حتی به دانشجویانی که توسط مأموران مجروح شده‌اند، هشدار داده تا فیلم و عکس برای رسانه‌های خارج از ایران نفرستند، چرا که «در شأن دانشجوی شریف نیست!»

وزیر علوم دولت «قاضی مرگ» حتی با علی شریفی‌زارچی از اساتید مدافع دانشجویان نیز برخورد ناشایستی می‌کند و او را «بی‌وجدان، بی‌اخلاق، خیانت‌گر، بازی‌کننده با احساسات جوانان و منحرف‌کننده دانشجویان از صراط مستقیم» خطاب می‌کند.

منتشر شد، حمایت گسترده‌ای از سوی مردم شکل گرفت. فراخوان‌های کمک‌رسانی انتشار یافت و بسیاری بطور خودجوش در محل دانشگاه و خیابان‌های اطراف آن حاضر شدند. بر اساس گزارش‌ها، مردم تا بامداد امروز دوشنبه ۱۱ مهرماه نیز منطقه را ترک نکرده‌اند و با وجود مسدود بودن تمام خیابان‌های منتهی به دانشگاه «شریف» خود را به دانشگاه رسانده‌اند.

کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز با اشاره به دستگیری و حمله «گازانبری» علیه دانشجویانی که بطور مسالمت‌آمیز دست به تجمع اعتراضی زده بودند تأکید می‌کنند که حمله به دانشگاه «شریف»، تباهی و مرگ این رژیم را با روشنی و صراحت به جهانیان نشان می‌دهد. حبس کردن و شکار و ضرب و جرح نخبه‌های یک کشور در صحن دانشگاه تنها از یک حکومت قرون وسطایی و جنایتکار بر می‌آید. در این میان، هشتگ #دانشگاه_شریف با دو میلیون توییت در آلمان ترند شده است.

از دیروز در کلاب‌هاوس و اسپیس توئیتر نیز بسیاری با تشکیل اتاق‌هایی پیگیر وضعیت دانشجویان هستند و نسبت به وقایع اطلاع‌رسانی می‌کنند. شمار زیادی به عدم درک حاکمیت از اهمیت دانشجویان نخبه و همچنین وضعیت متزلزل رژیم اشاره کرده و می‌گویند حکومت سطل زباله و شیشه بانک را سرمایه کشور حساب می‌کند ولی دانشجویان را سرمایه‌ی مملکت نمی‌داند.

آنگونه که «انجمن اسلامی شریف» در گزارش مفصل خود درباره وقایع یکشنبه ۱۰ مهرماه توضیح داده، نیروهای امنیتی و گارد ویژه با استفاده از باتوم تعدادی از دانشجویان را زخمی و شمار زیادی را بازداشت کرده‌اند و با تفنگ‌های پینت‌بال به سوی دانشجویان گلوله‌های ساچمه‌ای و پلاستیکی نیز شلیک کرده‌اند.

در حمله به دانشجویان دانشگاه صنعتی، لباس‌شخصی‌ها و بسیجی‌ها با باتوم چنان یک دانشجو را مورد ضرب و جرح قرار داده و به سر او کوبیده‌اند که می‌بایست به بیمارستان منتقل شود.

بر اساس گزارش «انجمن اسلامی شریف»، دانشجویان که به سمت ورودی دانشگاه حرکت می‌کردند، متوجه بسته شدن درهای دانشگاه و قرار گرفتن در محاصره نیروهای امنیتی و لباس‌شخصی شدند. در این وضعیت تمامی کوچه‌ها

● بر اساس ویدئوها و گزارش‌هایی که شامگاه دیروز یکشنبه ۱۰ مهر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، اعتراض دانشجویان دانشگاه صنعتی «شریف» در مقابل دانشکده کامپیوتر که از ساعت ۱۵ آغاز شد، ابتدا با دخالت نیروهای لباس‌شخصی و بسیج و سپس با حضور گسترده نیروهای امنیتی و مسلح به خشونت کشیده شد و بسیاری از دانشجویان دستگیر شدند.

● طبق اعلام دانشگاه صنعتی «شریف»، «کلیه کلاس‌های درس دانشگاه صنعتی شریف از روز دوشنبه مورخ ۱۱ مهر ۱۴۰۱ تا اطلاع ثانوی به صورت مجازی برگزار می‌شود.» ● در گزارش دیشب «فارس» آمده است، «از عصر امروز حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شریف در تجمع اعتراضی شعارهای تندی را علیه مسئولین کشور» همراه با «شعارهای رکیک و استادیومی» سر دادند!

● پس از اینکه خبر محاصره و حمله به دانشجویان منتشر شد، حمایت گسترده‌ای از سوی مردم شکل گرفت. فراخوان‌های کمک‌رسانی انتشار یافت و بسیاری بطور خودجوش در محل دانشگاه و خیابان‌های اطراف آن حاضر شدند. بر اساس گزارش‌ها، مردم تا بامداد امروز دوشنبه ۱۱ مهرماه نیز منطقه را ترک نکرده‌اند و با وجود مسدود بودن تمام خیابان‌های منتهی به دانشگاه «شریف» خود را به دانشگاه رسانده‌اند.

روز گذشته دانشجویان دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر) که برای آزادی دانشجویان دربند تجمع اعتراضی کرده بودند، توسط نیروهای امنیتی و با حمایت وزارت علوم محاصره شدند. نیروهای سرکوبگر شامگاه با استفاده از باتوم، پرتاب گاز اشک‌آور، گلوله‌های ساچمه‌ای و پلاستیکی، دانشجویان را مورد ضرب و جرح قرار داده و بسیاری از آنها را دستگیر کرده و بردند!

بر اساس ویدئوها و گزارش‌هایی که شامگاه دیروز یکشنبه ۱۰ مهر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، اعتراض دانشجویان دانشگاه صنعتی «شریف» در مقابل دانشکده کامپیوتر که از ساعت ۱۵ آغاز شد، ابتدا با دخالت نیروهای لباس‌شخصی و بسیج و سپس با حضور گسترده نیروهای امنیتی و مسلح به خشونت کشیده شد و بسیاری از دانشجویان دستگیر شدند.

پس از اینکه خبر محاصره و حمله به دانشجویان

استفاده ایرانی‌ها از وی‌پی‌ان با شروع اعتراضات «سه هزار درصد» بیشتر شده!



تظاهرات ضدحکومتی در ایران مهرماه ۱۴۰۱

اینترنت را قطع و اینستاگرام و واتساپ را نیز فیلتر کرد. مهسا امینی دختر جوان ۲۲ ساله روز ۲۲ شهریورماه توسط گشت ارشاد اسلامی بازداشت و به دلیل ضرب و جرح به گها فرو رفت و سه روز بعد در ۲۵ شهریور جان باخت. اعتراضات در ایران بلافاصله از روز ۲۶ شهریور در زادگاه وی آغاز شد و بی‌درنگ به سراسر کشور گسترش یافت. یکی از نخستین واکنش‌های حکومت پس از گسیل کردن مأموران و مزدوران سرکوب به خیابان‌ها، اختلال و یا قطع اینترنت و همچنین گسترش فیلترینگ بوده است که تا کنون ادامه دارد.

بعضی وی‌پی‌ان‌ها این توانمندی را به کاربران می‌دهند که انسدادهای دولتی سرویس‌های خاص را دور بزنند، اما وقتی دولت دسترسی اولیه به اینترنت را قطع کرده، اینهم دیگر نمی‌تواند به کاربران کمک کند. برخی از شرکت‌های ارائه دهنده وی‌پی‌ان اعلام کردند به دنبال اقداماتی هستند تا دسترسی به اینترنت در داخل ایران را بیشتر کنند.

با شروع اعتراضات در ایران ایلان ماسک اعلام کرد که امکان ارائه سرویس‌دهی استارلینک را فراهم خواهد کرد. دولت آمریکا نیز تحریم‌های ایران در این حوزه را لغو کرد. با این حال برای استفاده از اینترنت ماهواره‌ای از طریق استارلینک به تجهیزاتی نیاز است که فعلاً در داخل ایران دست یافتن به آنها ممکن نیست.

با اینهمه پایگاه خبری «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی درباره پروژه فعال ساختن اینترنت ماهواره‌ای برای کاربران ایرانی تهدید کرده بود «ورود آمریکا به این سطح از مداخله در امور داخلی ایران، موضوعی نیست که قابل اغماض باشد و بطور قطع با پاسخ لازم همراه خواهد شد!»

● **سایمون میلیانو سرپرست تحقیقات گروه «Top۱۰VPN»** به «آکسیوس» می‌گوید: «تقاضای روزانه برای وی‌پی‌ان در ایران بیش از سه هزار درصد نسبت به قبل از اعتراضات افزایش یافته است.»

● **استفاده از وی‌پی‌ان‌های «Nthlink»** نیز از ۴۰ هزار کاربر در روز به تقریباً یک میلیون کاربر رسیده است.

در شرایطی جمهوری اسلامی اپراتورهای اینترنت را قطع کرده و اعتراضات را سرکوب می‌کند مردم ایران به دنبال راه‌هایی هستند که بتوانند به اینترنت آزاد دسترسی پیدا کنند و ابزارهایی را به دست آورند که با کمک آنها از سد فیلترینگ عبور کنند.

سایمون میلیانو سرپرست تحقیقات گروه «Top۱۰VPN» به «آکسیوس» می‌گوید: «تقاضای روزانه برای وی‌پی‌ان در ایران بیش از سه هزار درصد نسبت به قبل از اعتراضات افزایش یافته است.»

یکی از ابزارهایی که در ایران برای دسترسی به اینترنت استفاده می‌شود «Outline» است. طبق اعلام گوگل درخواست برای استفاده از این ابزار از سوی کاربران در ایران به شدت افزایش پیدا کرده است. این روش به افراد اجازه می‌دهد تا با استفاده از وی‌پی‌ان‌های امن مقاومت اینترنت را در برابر اختلالات و اقداماتی که برای سانسور انجام می‌شود بیشتر کنند.

استفاده از وی‌پی‌ان‌های «Nthlink» نیز از ۴۰ هزار کاربر در روز به تقریباً یک میلیون کاربر رسیده است. اعتراضات در ایران از اواخر شهریور پس از قتل حکومتی مهسا امینی توسط گشت ارشاد اسلامی آغاز شد و از همان مقطع حکومت برای قطع ارتباط میان مردم و جلوگیری از انتشار آزاد ویدئوهای مربوط به اعتراضات، اپراتورهای

در نهایت پس از ساعت‌ها محاصره و حبس دانشجویان، درهای دانشگاه را باز می‌کنند ولی نیروهای امنیتی بطور گسترده در خیابان‌های اطراف حضور داشتند. احتمال بازداشت دانشجویان در خارج از دانشگاه و همچنین دانشجویانی که در خوابگاه بسر می‌برند، وجود دارد. طبق اعلام شورای صنفی دانشجویان کشور، شامگاه دیروز شماری از دانشجویان در خوابگاه شماره ۲ «شریف» دستگیر و با ون به مکان نامعلومی منتقل شدند.

با صدور فراخوان گسترده برای حضور مردم در محل، روبروی ورودی دانشگاه و خیابان‌های اطراف پر از جمعیت شد. بسیاری از شهروندان برای حمایت از دانشجویان خود را به محل رسانده بودند. تصاویر و ویدئوها نشان می‌دهد، با وجود حضور گسترده نیروهای امنیتی، مردم در مترو، خیابان و پل‌های عابر پیاده، به مقابله و شعار دادن علیه حکومت اسلامی می‌پردازند.

طبق گزارش‌ها، با حضور گسترده مردم ترافیک بسیار سنگینی در خیابان «آزادی» شکل می‌گیرد. همزمان سرکوبگران مسلح به سوی مردم گاز اشک‌آور پرتاب و تیراندازی می‌کنند.

در آخرین واکنش‌ها، رسول جلیلی رئیس دانشگاه صنعتی «شریف» در گفتگو با خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه فضای این دانشگاه آرام است و دانشجویی در این دانشگاه حضور ندارد، گفت: «تمام دانشجویان خوابگاهی این دانشگاه در خوابگاه‌ها مستقر شده‌اند و جوّی آرام در دانشگاه برقرار است.»

وی با تأکید بر اینکه «دانشجویان فرزندان ما هستند»، به والدین آنها اطمینان داد که حال دانشجویان خوب است و نباید تحت تأثیر کارخانه دروغ‌پردازی رسانه‌های بیگانه قرار گیرند!

خبرگزاری‌های حکومتی «تسنیم»، «فارس» و «ایرنا» در گزارش‌های خود از حوادث ۱۰ مهرماه دانشگاه «شریف» با محتوای یکسان که به آنها «بخشنامه» شده، جوّ را «آرام» خوانده و نوشته‌اند که با حضور وزیر علوم در دانشگاه و مذاکره‌اش با نیروهای پلیس موضوع حل شده و دانشجویان از محل خارج شدند.

ایرنا در گزارشی نوشت: «اکنون تجمع تمام شده و دانشجویان از دانشگاه خارج شده‌اند و در حال حاضر دانشجویی در دانشگاه حضور ندارد. اکنون برخی افراد غیردانشجو در بیرون دانشگاه و در خیابان آزادی تجمع کرده‌اند که منجر به ترافیک در آن محدوده شده و این افراد هم نهایتاً با گاز اشک‌آور پلیس متفرق شدند.»

این خبرگزاری دولتی افزود: «عصر یکشنبه جمعی در داخل دانشگاه برگزار شد که با شعارهای تند و ساختارشکنانه همراه بود، در حاشیه تجمع محمدعلی زلفی گل وزیر علوم، تحقیقات و فناوری نیز در دانشگاه حاضر شد و با دانشجویان و نیروهای پلیس اطراف دانشگاه به گفتگو پرداخت.»

در گزارش دیشب «فارس» نیز آمده است، «از عصر امروز حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شریف در تجمع اعتراضی شعارهای تندی را علیه مسئولین کشور» همراه با «شعارهای رکیک و استادیومی» سر دادند!

طبق اعلام دانشگاه صنعتی «شریف»، «کلیه کلاس‌های درس دانشگاه صنعتی شریف از روز دوشنبه مورخ ۱۱ مهر ۱۴۰۱ تا اطلاع ثانوی به صورت مجازی برگزار می‌شود.»

در اطلاعیه این دانشگاه آمده است: «همچنین تردد دانشجویان دکتری به دانشگاه بلامانع و تردد دانشجویان کارشناسی‌ارشد منوط به تأیید درخواست ایشان از طریق سامانه آموزش است.»

ترس حکومت از همبستگی ملی؛ موج دستگیری هنرمندان هم صدا با مردم؛ بازداشت محمود شهریاری و مونا برزویی و حکم جلب کتایون ریاحی و حامد بهداد



خواهرش ساعت ۹ دیشب توسط مأموران امنیتی بازداشت شده است.

برزویی که به دلیل محتوای اعتراضی اشعارش سالهاست از فعالیت ممنوع شده، در اولین روزهای اعتراضات مردم بدون حجاب یک ویدئو در شبکه‌های اجتماعی منتشر و شعرخوانی کرد. او در فایبل تصویری خود گفته بود: «ما این وطن را پس می‌گیریم». این ویدئو بازتاب بسیار گسترده‌ای یافت و بارها بازنشر شد و مورد استقبال رسانه‌ها قرار گرفت. همچنین محمود شهریاری مجری سابق صداوسیما رژیم روز گذشته بازداشت شده و صفحه اینستاگرام او از دسترس خارج شده است. این خبر را خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی منتشر کرده با این توضیح که «در پی اعلام جرم علیه برخی از سلبریتی‌ها به جهت تشویق به اغتشاش و هم‌صدایی با دشمن، محمود شهریاری مجری سابق صداوسیما با صدور دستور قضائی ساعتی پیش بازداشت شد.»

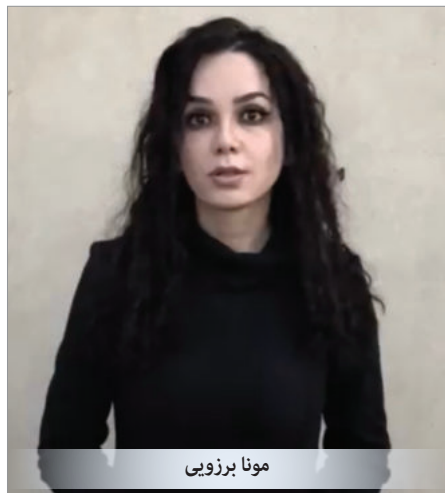
این خبرگزاری به ویدئوی چند روز پیش محمود شهریاری اشاره داشته که گفته، نیروهای امنیتی قصد دارند در روز درگذشت پیامبر مسلمانان اقدام به آتش‌زدن قرآن و برداشتن چادر از سر زنان محجبه کنند و آن را به معترضان نسبت دهند. شهریاری پیشتر در حالی که مقامات مسئول ورود ویروس کرونا به ایران را تکذیب می‌کردند، با انتشار ویدئویی مشابه گفته بود که ویروس به ایران وارد شده ولی به دلیل مراسم ۲۲ بهمن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی مسئولان نظام مسکوت گذاشته شده است.

وبسایت روزنامه «همشهری» که دیروز در صفحه نخست همراه با تصویری عجیب از علی کریمی، مهران مدیری، کتایون ریاحی، شبنم فرشادجو و زانیار خسروی، به این هنرمندان حمله کرده بود، در گزارش امروز خود از «اعلام جرم مدعی‌العموم علیه برخی از سلبریتی‌ها از جمله برخی بازیگران و مجری‌های سابق صداوسیما» خبر داد.

آنگونه که «رجانیوز» نیز گزارش داده، برای حامد بهداد بازیگر سینما که آرزوی مرگ برای وزیر ارشاد اسلامی کرده، نیز حکم جلب صادر شده ولی هنوز بازداشت نشده است. خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی در یک

بطور آشکار مخالفت خود را با حجاب اجباری نشان داده و حجاب از سر برداشته‌اند.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، کتایون ریاحی بازیگر سینما و تلویزیون که با پُست‌های متعدد در اینستاگرام و همچنین در مصاحبه‌ای با شبکه خبری «ایران اینترنشنال» با حجاب اجباری به صراحت اعلام مخالفت کرده و حجاب از سر برداشته، تحت پیگرد قانونی قرار گرفته است. این گزارش‌ها حاکیست، شامگاه دیروز نیروهای امنیتی به خانه



مونا برزویی

ریاحی در تهران حمله‌ور شده و خانه‌اش را تفتیش و وسایل شخصی از جمله لپ‌تاپ و موبایل‌اش را ضبط کرده‌اند.

بنا بر این اطلاعات، ریاحی توانسته از مهلکه بگریزد و اکنون محل اختفایش مشخص نیست. اهالی سینما و دوستداران این بازیگر، نسبت به سلامت و وضعیت او نگران هستند. ادمنین صفحه کتایون ریاحی نوشته است: «جان کتایون ریاحی در خطر است.»

صبح امروز نیز صبا برزویی خواهر مونا برزویی، از بازداشت این شاعر و ترانه‌سرا توسط مأموران امنیتی خبر داد. بنا بر آنچه برزویی در حساب اینستاگرامش نوشته،

در شبانه‌روز گذشته گزارش‌ها و اخبار متعددی از تشدید دستگیری، صدور حکم جلب و تعقیب برای فعالان عرصه هنر و سینما انتشار یافته است. موج دستگیری هنرمندان در پی اعلام حمایت این بخش از جامعه از مردم معترض در خیابان‌های سراسر ایران صورت گرفته است.

این درحالیست که ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم دیشب در تلویزیون جمهوری اسلامی در واکنش به همبستگی چهره‌ها و سلبریتی‌ها با اعتراضات مردمی گفت: «نباید از طرح نگاه‌های مخالف و موافق در مورد اجرای قانون ترسید!»

موسی غضنفر آبادی نماینده مجلس شورای اسلامی در سخنانی به همراهی چهره‌های شناخته‌شده با مردم تاخته و گفته است: «در «آشوب‌ها» برخی به طمع افتادند، هرآنچه که در دلشان بود بیان کردند؛ به ترویج بی‌غیرتی و بی‌حیایی پرداختند.»

موج دستگیری‌ها در پی اعتراضات سراسری مردم ایران به فعالان عرصه هنر و سینما گسترش یافته که با انتشار پیام‌هایی از مردم اعلام حمایت کرده‌اند. و هنرمندان زن نیز حجاب از سر برداشته‌اند. کتایون ریاحی، مونا برزویی، محمود شهریاری و حامد بهداد با بازداشت تهدید شده‌اند.

در شبانه‌روز گذشته گزارش‌ها و اخبار متعددی از تشدید دستگیری، صدور حکم جلب و تعقیب برای فعالان عرصه هنر و سینما انتشار یافته است. موج دستگیری هنرمندان در پی اعلام حمایت این بخش از جامعه از مردم معترض در خیابان‌های سراسر ایران صورت گرفته که پس از تهدید مقامات وزارت ارشاد اسلامی به ممنوعیت از کار و فعالیت از سوی نهادهای امنیتی صورت می‌گیرد.

این در حالیست که ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم دیشب در تلویزیون جمهوری اسلامی در واکنش به همبستگی چهره‌ها و سلبریتی‌ها با اعتراضات مردمی گفت: «نباید از طرح نگاه‌های مخالف و موافق در مورد اجرای قانون ترسید!»

برخلاف این ادعا، ترس و هراس رژیم جمهوری اسلامی از همین نزدیکی بخشی از جامعه هنری به مردم با وجود تمام انتقاداتی است که به این هنرمندان به دلیل سکوت و همراهی پیدا و پنهان آنها با حکومت اسلامی وارد است. بسیاری بر این اعتقادند، پولپاشی نهادهای حکومتی چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حوزه هنر و سینما باعث شکاف عمیق بین مردم و این گروه از جامعه شده و وابستگی اقتصادی هنرمندان به رژیم، منجر به سکوت این بخش مهم و اثرگذار جامعه، در قبال بحران‌های مردم و در نهایت نگاه منفی جامعه به عملکرد آنها شده است. با وجود این، در جریان اعتراضات اخیر، شاید بتوان گفت، برخی چهره‌های هنری از «وسط‌بازی» مرسوم در این قشر فراتر رفته و آنان را در کنار مردم قرار داده است. به همین دلیل تمام تلاش حکومت بر ایجاد شکاف و تفرقه متمرکز شده است. رویدادها در ایران به سرعت تعمیق یافته و در جهتی پیش رفته که اینبار این افراد نیازمند به پشتیبانی مردم شده‌اند. اکنون فضای امنیتی مستولی بر جامعه هنری را چیزی جز هراس حکومت و تلاش برای ساکت کردن هم‌صدایی‌ها نیست. شماری از هنرمندان زن ساکن ایران در اقداماتی کم‌سابقه

گزارش منجرکننده اعتراض فعالان فرهنگ و هنر به کشتار معترضان در خیابان‌ها توسط مأموران و نیروهای سرکوبگر را «ضد اراده ملی» خوانده است.

همچنین محسن منصوری استاندار تهران سلبریتی‌هایی را که در جریان اعتراضات سراسری از مردم معترض حمایت کرده‌اند تهدید کرده و گفت: «با سلبریتی‌هایی که در آتش اغتشاشات» دمیدند، برخورد می‌کنیم.

رسانه‌های حکومتی پس از رویکرد حمایتگرانه شماری از هنرمندان داخلی با مردم معترض، به این فعالان عرصه هنر با وارد کردن اتهامات سنگین، حمله کردند و با لحن و رویکردی زننده و فحاش این افراد را به انتشار «ادعاهای بی‌اساس و دروغین» در فضای مجازی و «هم‌صدایی با دشمن» متهم کرده‌اند. روزنامه کیهان تهران که در عمل تربیون علی خامنه‌ای و اطرافیان اوست، هنرمندان معترض را که حجاب از سر برداشته‌اند «از رده خارج» توصیف کرده است. در ادامه تهدید هنرمندان و فعالان امروز روزنامه کیهان تهران ضمن تأیید دستگیری‌ها خواستار برخورد «سخت‌تر و بیشتر» نیز شد و نوشت: «آنچه از متصدیان حوزه‌های امنیتی و قضایی کشور انتظار می‌رود این است که مستند



کاتیون ریاحی

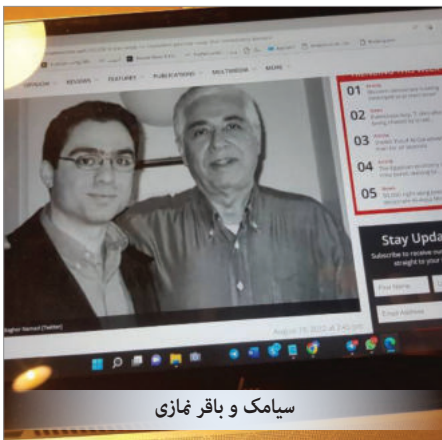
به قوانین جزایی کشور- که جرائمی مانند «تشویش اذهان عمومی»، «اقدام علیه امنیت ملی» و «بر هم زدن امنیت کشور» در آن جرم‌انگاری شده است- برخورد قاطع و قانونی با مباشرین (اغتشاشگران خیابانی) و معاونین (حامیان، تشویق‌کنندگان و تطمیع‌کنندگان اغتشاشگران) را در دستور کار خود قرار داده و آیینیه تمام‌مهای مطالبات قانونی ملت ایران باشند.»

موسی غضنفر آبادی نماینده مجلس شورای اسلامی نیز در سخنانی به همراهی چهره‌های شناخته‌شده با مردم تاخته و گفته است: «در «آشوب‌ها» برخی به طمع افتادند، هرآنچه که در دلشان بود بیان کردند؛ به ترویج بی‌غیرتی و بی‌حیایی پرداختند.»

او با بیان اینکه «نه مدیری و نه کریمی برای ملت ما ارزش نیستند»، اضافه کرد: «آن دورهمی که کسی به عنوان منافق و سردمدار فتنه در آن بخواهد نقش بازی کند، مردم تحریمش می‌کنند. اینها الگوهای ما نیستند؛ سلبریتی یا هنرمند، ما اینها را هنرمند نمی‌دانیم.»

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز امروز به مهران مدیری تاخته و به مناسبات اقتصادی او با دستگاه‌های مختلف پرداخته است. در پی تحریم صداسویمای رژیم از سوی این بازیگر و مجری تلویزیون، اخباری درباره خروج وی از ایران نیز پخش شده ولی به گفته منابع آگاه وی همچنان در ایران است.

آمریکا انتقال پول برای آزادی نمازی‌ها را تکذیب کرد؛ لن خودورکوفسکی در گفتگو با کیهان لندن: باج دادن برای تأمین مالی سرکوبگران!



سیامک و باقر نمازی

آزاد شوند. بازداشت آنها ظالمانه است. اما ما آنقدر تجربه داریم که بدانیم می‌توان آزادی آنها را بدون باج دادن تأمین کرد. دولت ترامپ این کار را کرد!

پرسش دوم کیهان لندن از خودورکوفسکی در مورد مواضع دولت ترامپ در جریان اعتراضات سال‌های گذشته در ایران بود. وی به این پرسش که «در زمان ترامپ هم مردم خواستار تغییر حکومت در ایران بودند اما ترامپ در چند نوبت گفت برنامه‌ای برای تغییر رژیم در ایران ندارد، چطور الان مقامات پیشین آمریکا که در قدرت نیستند موضوع سقوط نظام جمهوری اسلامی را به صراحت مطرح می‌کنند اما آن زمان این کار را نکردند» پاسخ داد: «موضع دولت ترامپ این بود که مردم ایران باید خودشان حکومت خود را انتخاب کنند. پزیدنت ترامپ در سخنانی خود با اعلام خروج از برجام گفت که آینده ایران متعلق به مردم آن است، آنها وارثان بحق فرهنگ غنی و سرزمین باستانی خودشان هستند و سزاوار حکومتی هستند که به رؤیایا و افتخارات آنها جامه‌ی عمل بپوشاند و با عدالت رفتار کند.» خودورکوفسکی افزود: «در دولت ترامپ آنهایی که مشغول خدمت بودند متوجه این موضوع شدند که رژیم جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست و این را به صراحت نیز اعلام کردند. سیاست‌ها و اقدامات ما گویای این مسئله است و زمانی که سرانجام مردم ایران گذشته‌ی باشکوه خود را پس بگیرند و آینده واقعی خود را به دست آورند، ما خوشحال خواهیم شد. آن روز نزدیک است. بدون شک بسیاری از مقامات نظامی و سیاسی رژیم این واقعیت را درک کرده‌اند و در ادامه این مسیر از به کار بردن زور و سرکوب علیه برادران و خواهران خود خودداری خواهند کرد.»

لن خودورکوفسکی با تأکید بر اینکه «رژیم ایران سقوط خواهد کرد» گفت: «برای هموار کردن راه رسیدن به یک حکومت دموکراتیک، می‌توان ساز و کاری مانند کمیسیون حقیقت و آشتی در آفریقای جنوبی داشت تا ناقضان حقوق بشر را مورد پیگرد قرار دهد و آنهایی را که سلاح‌های خود را بر زمین می‌گذارند و به حقیقت اعتراف می‌کنند، عفو کند.» آزادی باقر نمازی که چندین سال گروگان جمهوری اسلامی بود، درست در اوج اعتراضات ضدحکومتی در ایران انجام شده است. در همان روزی که در بیش از ۱۲۰ شهر جهان علیه جمهوری اسلامی تظاهرات برگزار شد. شماری معتقدند این اقدام برای جمهوری اسلامی ابزار «جنگ روانی» است تا حداقل اندکی از فشارهای بین‌المللی علیه رژیم را کم کند و یا به مخالفان حکومت چنین وانمود کند که دولت‌های غربی با وجود حمایت‌های لفظی از اعتراضات اما پشت پرده حاضر به معامله‌اند. حالا شورای امنیت ملی ایالات متحده اعلام کرده که هیچ معامله‌ای انجام نشده است.

● شورای امنیت ملی ایالات متحده اعلام کرد «گزارش‌های منابع ایرانی مبنی بر انتقال وجوه مربوط به آزادی باقر نمازی و مرخصی سیامک نمازی مطلقاً کذب است». ● لن خودورکوفسکی مشاور ارشد وزارت‌خارجہ آمریکا به کیهان لندن می‌گوید: «من به هر چیزی که رژیم ایران ادعا کند اعتماد نمی‌کنم. با این حال، اگر دولت بایدن با باج ۷ میلیارد دلاری موافقت کرده باشد، این یک اشتباه تأسف‌آور خواهد بود. مردم ایران جان خود را برای نفی مشروعیت رژیم گذاشته‌اند. تأمین مالی سرکوبگران این سخنان مقامات دولتی آمریکا را که ادعا می‌کنند در کنار مردم ایستاده‌اند، زیر سؤال می‌برد.»

در شرایطی که منابع جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند در مورد آزادی سیامک و باقر نمازی دو شهروند به گروگان گرفته شده توسط رژیم در ایران در ازای آزاد ساختن پول‌های بلوکه شده ایران «توافق» کردند، شورای امنیت ملی ایالات متحده اعلام کرد «گزارش‌های منابع ایرانی مبنی بر انتقال وجوه مربوط به آزادی باقر نمازی و مرخصی سیامک نمازی مطلقاً کذب است.»

پایگاه خبری «نور نیوز» وابسته به «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» نهم مهرماه ادعا کرد در هفته‌های اخیر مذاکرات فشرده‌ای با واسطه‌ی یکی از کشورهای منطقه درباره آزادسازی همزمان زندانیان ایران و آمریکا انجام شده و میلیارد‌ها دلار از منابع ارزی مسدود شده ایران نیز در این چارچوب در آستانه آزاد شدن است اما شورای امنیت ملی آمریکا ساعاتی بعد در توییته این ادعاها را رد کرد.

ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه آمریکا عزمی برای حل موضوعات باقی مانده در مذاکرات ندارد، ادعا کرد «تبادل زندانیان آمریکایی، انسانی است.»

شماری از اعضای کنگره و مقامات دولت پیشین آمریکا نسبت به هرگونه معامله با رژیم ایران به دولت آمریکا و شرکای آن هشدار داده‌اند. در همین ارتباط لن خودورکوفسکی مشاور ارشد وزارت‌خارجہ آمریکا در دولت دونالد ترامپ در مورد ادعای جمهوری اسلامی در مورد توافق با آمریکا در مورد آزادی گروگان‌ها در ازای انتقال پول‌های بلوکه شده به کیهان لندن می‌گوید: «من به هر چیزی که رژیم ایران ادعا کند اعتماد نمی‌کنم. با این حال، اگر دولت بایدن با باج ۷ میلیارد دلاری موافقت کرده باشد، یک اشتباه تأسف‌آور خواهد بود. مردم ایران جان خود را برای نفی مشروعیت رژیم گذاشته‌اند. تأمین مالی سرکوبگران این سخنان مقامات دولت آمریکا را که ادعا می‌کنند در کنار مردم ایستاده‌اند، زیر سؤال می‌برد.»

وی همچنین افزود: «همه ما می‌خواهیم آمریکایی‌ها و دیگر شهروندانی که بی‌گناه در ایران گروگان گرفته شده‌اند



اعتراضات سراسری در ایران مهرماه ۱۴۰۱

با وجود سرکوب همه جانبه، اعتراضات ادامه دارد؛ ابراز نگرانی و هشدار سازمان‌های بین‌المللی

مردم در سراسر ایران به اعتراضات ضد حکومتی پیوسته‌اند و نیروهای امنیتی در مواردی از گلوله‌های جنگی علیه معترضان استفاده کرده‌اند اما ه دلیل اعمال محدودیت شدید بر وسایل ارتباط جمعی، تعیین تعداد دقیق کشته‌ها، زخمی‌ها و دستگیرشدگان بسیار دشوار است.

راوینا شامداسانی تأکید کرده که کاربرد اسلحه برای متفرق کردن اجتماعات مسالمت‌آمیز، غیرقانونی است و فقط در مواردی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد که جان افراد بطور جدی در معرض خطر قرار گیرد.

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل همچنین از تداوم مصونیت ارگان‌های حکومتی و بویژه نهادهای امنیتی و انتظامی در نقض حقوق بشر ابراز نگرانی کرده و کشته شدن معترضان به دلیل استفاده از روش‌های سرکوب مرگبار در اعتراضات آبان ۹۸، تیرماه ۱۴۰۰ و اردیبهشت ۱۴۰۱ را به عنوان مصادیق بارز تکرار نقض حقوق بشر در ایران یادآوری می‌کند.

استفان دوجاریک سخنگوی دبیرکل سازمان ملل روز گذشته به خبرنگار تلویزیون «ایران اینترنشنال» گفته بود که «گوترش و دفتر حقوق بشر سازمان ملل در ژنو درباره استفاده بیش از حد زور توسط نیروهای امنیتی و محدودیت دسترسی به اینترنت، ارتباطات موبایل و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی در ایران عمیقاً نگران هستند.»

با وجود سرکوب گسترده مردم همچنان تظاهرات و تجمع خیابانی علیه جمهوری اسلامی را ادامه می‌دهند. شب گذشته در شهرهای قم و مشهد و شیراز اعتراضات بسیار گسترده و کم‌سابقه‌ای برگزار شد. مردم در قم که مرکز حوزه‌های علمیه و پایتخت تبلیغات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است مردم شعار «آخوند باید گم بشه» سر دادند.

اعتراضات امروز جمعه هشتم مهرماه نیز در شهر اهواز و از ظهر ادامه داشته است. مردم با رقص و موزیک و دست‌زدن تجمعات را از محله زیتون آغاز کردند. به عقیده کارشناس برگزاری تظاهرات در روزانه در کنار تجمعات شبانه، یکی از پاشنه‌آشیل‌های جمهوری اسلامی برای سرکوب معترضان است چون نیروهای سرکوبگر باید به صورت ۲۴ ساعته در حال مأموریت باشند که از توان‌شان خارج است. در حالی که خبرها حکایت از برگزاری اعتراضات سراسری مردم در درون کشور در روز شنبه نهم مهرماه دارد، ایرانیان ساکن خارج از کشور نیز قرار است در ده‌ها کشور تجمعاتی در حمایت از اعتراضات مردم درون ایران برگزار کنند.

۲ نفر، قزوین ۲ نفر، آذربایجان شرقی ۱ نفر، سمنان ۱ نفر، ایلام ۱ نفر و بوشهر ۱ نفر.

سازمان حقوق بشر ایران تأکید کرده که «استفاده از سلاح جنگی علیه معترضان یک جنایت بین‌المللی است و جامعه جهانی موظف است که از بروز و ادامه این جنایت جلوگیری کند.»

گفتنی است آمارهای ارائه شده درباره جانباختگان، مجروحان و بازداشت‌شدگان مربوط به مواردی است که خبررسانی شده است و به دلیل قطع اینترنت یا فشار امنیتی بر خانواده‌ها بخشی از آمارها هنوز اعلام نشده است.

سازمان عفو بین‌الملل با اعلام دستیابی به «سند رسمی» اعلام کرده ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دستور «سرکوب قاطع و جدی» معترضان را صادر کرده است.

سازمان عفو همچنین افزوده که تاکنون توانسته اسامی ۵۲ نفر از جانباختگان اعتراضات اخیر از زمان شروع اعتراضات سراسری در ایران از روز ۲۵ شهریور را ثبت کند.

این نهاد حقوق‌بشری می‌گوید شواهد به دست آمده نشان می‌دهد مقام‌های جمهوری اسلامی با استقرار سپاه پاسداران، بسیج، نیروی انتظامی، پلیس ضدشورش و نیروهای لباس‌شخصی به سرکوب وحشیانه اعتراضات پرداخته‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل باامداد جمعه ۸ مهر برابر با ۳۰ سپتامبر اعلام کرد رونوشت یک سند رسمی به دست این نهاد بین‌المللی رسیده که نشان می‌دهد ستاد کل نیروهای مسلح ۳۰ شهریور به فرماندهان نیروهای مسلح در تمام استان‌ها دستور داده است با معترضان شدیداً مقابله کنند. سازمان عفو بین‌الملل تأکید کرده که این سند نشان می‌دهد که مقام‌ها قصد دارند اعتراضات را به هر قیمتی سرکوب کنند.

اگنس کالامارد دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل نیز تأکید کرده که مقامات ایران آگاهانه تصمیم گرفتند معترضان را بکشند. او در توییتی گفته است کشتار معترضان ایرانی نیاز فوری به مکانیسم پاسخگویی بین‌المللی برای تحقیق دارد.

راوینا شامداسانی کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل نیز روز سه‌شنبه پنجم مهر از سرکوب خشونت‌بار و مسلحانه معترضان و اعمال محدودیت شدید بر ارتباطات که اینترنت تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد، شدیداً ابراز نگرانی کرد.

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل هزاران نفر از

● تا کنون «دست‌کم ۸۳ نفر» از معترضان به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شده‌اند و استان مازندران با ۲۶ نفر بیشترین شمار جانباختگان را داشته است.

● دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل نیز تأکید کرده که مقامات ایران آگاهانه تصمیم گرفتند معترضان را بکشند و کشتار معترضان ایرانی نیاز فوری به مکانیسم پاسخگویی بین‌المللی برای تحقیق دارد.

● مردم در قم که مرکز حوزه‌های علمیه و پایتخت تبلیغات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است شعار «آخوند باید گم بشه» سر می‌دهند.

با گذشت دو هفته از اعتراضات سراسری، سازمان حقوق بشر ایران شمار جانباختگان را «دست‌کم ۸۳ نفر» اعلام کرده است. سازمان عفو بین‌الملل با اعلام دستیابی به «سند رسمی» اعلام کرده ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دستور «سرکوب قاطع و جدی» معترضان را صادر کرده است. کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز از سرکوب مسلحانه معترضان و قطع اینترنت در ایران ابراز نگرانی کرده است.

اعتراضات مردم ایران در حالی وارد سومین هفته می‌شود که سرکوب گسترده و مسلحانه معترضان، بازداشت معترضان و فعالان مدنی، هنرمندان و ورزشکاران حامی مردم، و همچنین قطع اینترنت نتوانسته از اراده مردم برای ادامه اعتراضات و ماندن در خیابان بکاهد.

سازمان حقوق بشر ایران در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده و اعتراضات سراسری جاری که با اعتراض به جان باختن مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» آغاز شد، تاکنون «دست‌کم ۸۳ نفر» به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شده‌اند.

سازمان حقوق بشر ایران افزوده که «جانباختگان اعتراض‌های اخیر در ۱۶ استان ایران به دست مأموران جمهوری اسلامی کشته شدند. بر اساس این اطلاعیه؛ استان مازندران با ۲۶ نفر بیشترین شمار جانباختگان را داشته است.»

بر این اساس، شمار جانباختگان به تفکیک استان‌ها عبارتند از گیلان ۱۱ نفر، آذربایجان غربی ۱۱ نفر، کرمانشاه ۶ نفر، کردستان ۶ نفر، البرز ۵ نفر، تهران ۴ نفر، کهگیلویه و بویراحمد ۲ نفر، اصفهان ۲ نفر، خراسان رضوی ۲ نفر، زنجان

گفتگو درباره سال جدید تحصیلی و مدرسه رستم در لندن

می‌دهد. آموزگار سال بالاتر هم با استفاده از اطلاعاتی که آموزگار سال قبل به او داده برنامه آموزشی خود را تدارک می‌بیند. روش یادگیری برای آنها غریبه نیست. ما از نتیجه کارمان در به‌روز کردن شیوه‌های تدریس تا حد زیادی راضی هستیم زیرا می‌بینیم که بچه‌ها و اولیا از طرز کار ما استقبال کرده‌اند. این را هم اضافه کنم که ما در دوران کرونا و برگزاری کلاس‌های آنلاین خیلی چیزها از کاربرد تکنولوژی یاد گرفتیم که همیشه به درد ما می‌خورد و ما را بسیار قوی کرد. از سال گذشته کلاس‌های ما هم به صورت حضوری و هم مجازی برگزار می‌شود و دانش‌آموزانی از کشورها و شهرهای مختلف در کلاس‌های ما حضور دارند.

- برای سال تحصیلی جدید چه مناسبت‌ها و جشن‌هایی را در نظر گرفته‌اید؟

- ما ماهی یکبار یک جلسه عمومی با شرکت اولیا و بچه‌ها و آموزگاران‌شان داریم. همیشه در مدرسه ما به روی اولیا باز است. مثلاً در جلسه‌ای که در اواسط ماه سپتامبر داشتیم راجع به زبان و ادبیات فارسی در دنیا و در مورد لهجه‌ها و گویش‌های مختلف فارسی صحبت شد. یکی از شعرای افغانستان، آقای یگانه، با بچه‌ها صحبت کرد. ماه



شهلا طاهری

● شهلا طاهری مدیر مدرسه رستم: ما سعی می‌کنیم دوران فراگیری زبان فارسی به دوران تحصیل شاگردان در مدارس انگلیسی تا حد زیادی شباهت داشته باشد زیرا نمی‌خواهیم بچه‌ها احساس بکنند روز شنبه به جایی می‌آیند که برای آنها بسیار غریبه است. ما نهایت سعی خودمان را می‌کنیم که همزمان با حفظ زیبایی‌های فرهنگ ایرانی یک محیط مهربان و صمیمی نیز ایجاد کنیم که بچه‌ها با ورود به آن احساس غریبی نکنند. چیزی که به کمک ما می‌آید آنست که تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان ما فرزندان اولیایی هستند که قبلاً از دانش‌آموزان ما بوده‌اند. تعداد زیادی از این اولیا از نسل دوم و یا حتی نسل سوم مهاجران ایرانی هستند که با فرهنگ کاری مدارس انگلیسی آشنایی دست اول دارند.

سال تحصیلی جدید شروع شده است. در این رابطه با مدیر مدرسه رستم لندن گفتگویی داشتیم تا بیشتر با مسائل کنونی آموزش زبان فارسی در بریتانیا آشنا شویم.

- خانم طاهری، امسال وضعیت نام‌نویسی در مدرسه رستم چگونه است و آیا از میزان استقبال راضی هستید؟

- بعد از کووید و برگزاری کلاس‌های مجازی، امسال در رستم تعداد نام‌نویسی‌ها بیشتر شده. در حال حاضر ۲۸۵ دانش‌آموز نام نوشته‌اند و بیست کلاس مشغول کار هستند. البته به احتمال قوی تعداد دانش‌آموزان در هفته‌های آینده بیشتر هم خواهد شد زیرا نام‌نویسی همچنان ادامه دارد و ما از این نظر بسیار خوشحال هستیم. اما اگر از اول سال دانش‌آموزان می‌آمدند بهتر بود به ویژه برای کلاس‌های اول و نیز کلاس‌هایی که در مقطع امتحانات رسمی GCSE و A Level فارسی هستند. البته اگر کسانی حالا و یا در آینده بیایند، ما با مقداری کار و تلاش از جانب آموزگاران و خود خانواده‌ها می‌توانیم آنها را به سطح کلاس برسانیم و عقب‌ماندگی‌ها را تا حد زیادی جبران کنیم. ولی این در مورد شرکت مناسبت‌های فرهنگی که در تاریخ‌های معینی در مدرسه جشن می‌گیریم صادق نیست. ما در این جشن‌ها از نویسندگان، شعرها و چهره‌های بنام دعوت می‌کنیم و بالطبع دانش‌آموزانی که تا آن تاریخ‌ها نام‌نویسی نکرده باشند از حضور در این جشن‌ها محروم خواهند شد. توصیه می‌کنم اولیایی که می‌خواهند فرزندانشان زبان فارسی بیاموزند زودتر برای نام‌نویسی اقدام کنند.

احتمالاً اولیای علاقمند آگاه هستند که از سال گذشته مکان مدرسه ما عوض شده است.

- شما در مدرسه رستم چه گام‌هایی برای به‌روز و جذاب کردن شیوهی آموزش به دانش‌آموزان بر می‌دارید؟

- ما سعی می‌کنیم دوران فراگیری زبان فارسی به دوران تحصیل شاگردان در مدارس انگلیسی تا حد زیادی شباهت داشته باشد زیرا نمی‌خواهیم بچه‌ها احساس بکنند روز شنبه به جایی می‌آیند که برای آنها بسیار غریبه است. ما نهایت سعی خودمان را می‌کنیم که همزمان با حفظ زیبایی‌های فرهنگ ایرانی یک محیط مهربان و صمیمی نیز ایجاد کنیم که بچه‌ها با ورود به آن احساس غریبی نکنند. چیزی که به کمک ما می‌آید آنست که تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان ما فرزندان اولیایی هستند که قبلاً از دانش‌آموزان ما بوده‌اند. تعداد زیادی از این اولیا از نسل دوم و یا حتی نسل سوم مهاجران ایرانی هستند که با فرهنگ کاری مدارس انگلیسی



آینده جشن مهرگان را با کمک انجمن خانه و مدرسه برگزار خواهیم کرد. بچه‌های دوره‌های دبستان و دبیرستان با همکاری همدیگر در این جشن نمایش‌هایی را اجرا خواهند کرد. خانم دکتر کشاورز، روانشناس، جلسه‌ای خواهد داشت با اولیا در مورد انگیزه‌آفرینی. جشن‌های فارغ‌التحصیلی را هم داریم که همیشه از اشخاص بنام در ادبیات فارسی دعوت می‌کنیم تا حضور داشته باشند. حتی از اساتید زبان فارسی دانشگاه‌های انگلستان هم دعوت می‌کنیم که برای صحبت با بچه‌ها به مدرسه بیایند. آخرین برنامه ترم کنونی ما شب یلداست که آن را جشن می‌گیریم. مثل همیشه فعالیت‌های زیادی در طول سال داریم که طی آنها بچه‌ها با جشن‌ها و آیین‌های ایرانی شرکت فعال دارند و با استعدادهای خودشان نیز بیشتر آشنا می‌شوند.

- در مورد امتحانات «GCSE» و «A Level» وضعیت چگونه است؟

- این امتحانات برای ما اهمیت بسیار زیادی دارد

آشنایی دست اول دارند. روش تدریس ما با روش‌هایی که در مدارس انگلیسی در زمینه تدریس زبان‌های خارجی دیگر پیاده می‌شود ارتباط نزدیکی دارد تا دانش‌آموزان در سنین ۱۵-۱۶ و ۱۷ سالگی با آن احساس نزدیکی داشته باشند. فارسی از نظر ارزش در بریتانیا برابر زبان‌های دیگر، مانند فرانسه، آلمانی و اسپانیایی است. امتحانات رسمی این زبان‌ها به دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه کمک می‌کند علاوه بر اینکه سوادآموزی را در سطح عالی‌تری انجام می‌دهند. وقتی فارسی را تا سطح «A Level» می‌رسانند دیگر امکان فراموش کردن زبان فارسی در آنها بسیار کم می‌شود. بنابراین روش تدریس ما در مدرسه با استفاده زیاد از تکنولوژی انجام می‌گیرد. ما با شیوه‌های آموزشی کار می‌کنیم که ابتکاری هستند و از جمله با قصه و داستان و نمایش و فعالیت‌های دیگر که بچه‌ها می‌توانند حین یادگیری هم فعال باشند و هم آموزش ببینند و لذت هم ببرند. شیوه‌ها از قبل تعیین شده هستند و بچه‌ها را که می‌شناسیم و معلم دانش‌آموزان را تحویل آموزگار سال بالا



صادق باشد.»

او افزود میان حمایت از معترضان و تلاش برای احیای
برجام تناقضی وجود ندارد!

رابرت مالی همچنین در در تویییتی نوشت: «۵۴ کشور در
سراسر جهان بیانیه‌ای را که توسط شیلی و اسپانیا پیشنهاد
شده و بطور جدی خواستار توقف خشونت علیه معترضان
مسالم‌ت‌جو از ایران است، امضا کردند. وقت آن فرا رسیده
که رهبران ایران به این فراخوان جهانی گوش دهند و به
خشونت علیه مردم خود پایان دهند.»

جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید یک هفته
پیش از این گفته بود دولت جو بایدن در قبال اعتراضات
مردم ایران، از اشتباه دولت باراک اوباما در «سال ۸۸» درس
گرفته است. او در مصاحبه با شبکه «ان‌بی‌سی نیوز» تأکید
کرد مهم‌ترین کاری که دولت بایدن باید در برابر خیزش
کنونی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی انجام دهد «این
است که قاطع، روشن و اصول‌مند باشد.» با اینهمه شواهد
نشان می‌دهد که دولت بایدن برنامه‌ای برای حمایت از صدا
و حقوق مردم ایران که به خیابان‌ها آمده‌اند ندارد. آنهم
در حالی که سالیوان به مقامات تهران هشدار داده «ادامه
خشونت با معترضان برایتان گران تمام می‌شود!»

در این میان، نشریه «اکونومیست» در گزارشی می‌نویسد
رژیم فرسوده‌ی ایران در وقت اضافی بازی می‌کند و
همانطور که جرقه انقلاب در تونس با خودسوزی یک
سبزی‌فروش زده شد و موجی از اعتراضات سراسر جهان
عرب را در سال ۲۰۱۱ فراگرفت و «بهار عربی» را رقم زد در
ایران نیز قتل مهسا امینی توسط گشت ارشاد مشابه چنان
وضعیتی شده است.

در بخشی از این گزارش آمده اعتراضات ضدحکومتی در
ایران در شرایطی صورت می‌گیرد که «رژیم فاسدتر از همیشه
است و مقامات حکومتی بحران‌ها را به گردن عوامل بیگانه
می‌اندازند. یقیناً تحریم‌های آمریکا بحران اقتصادی در ایران
را عمیق‌تر کرد، اما عامل اصلی فقر مردم، خود رژیم مذهبی
است. بخش عظیمی از اقتصاد در ایران در کنترل نظامی‌ها و
آیت‌الله‌هاست که حتا سرمایه‌گذاران خارجی را از اینکه در
این کشور سرمایه‌گذاری کنند می‌ترساند.»

اکونومیست در ادامه می‌نویسد: «پس از دهه‌ها سیاست
خارجی تهاجمی، رژیم ایران منزوی شده است. این کشور از
شبه‌نظامیان در عراق و لبنان و رهبران بی‌رحم در سوریه و
یمن حمایت می‌کند. کشورهای حاشیه خلیج فارس را تهدید
می‌کند و به توسعه برنامه‌های اتمی که اسرائیل را به وحشت
می‌اندازد و منطقه را ملتهب می‌کند ادامه می‌دهد. تلاش‌ها
برای احیای برجام نیز شکست خورده است. در حالی که
اعتراضات ادامه دارد برای جو بایدن عاقلانه نیست دوباره
بر رژیم درگیر شود یا راه‌نجات به آیت‌الله‌ها نشان بدهد.»

تداوم اعتراضات در ایران و مواضع متناقض دولت بایدن درباره مذاکرات اتمی؛ اکونومیست:

عاقلانه نیست بایدن به ملاها راه نجات نشان دهد!

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا با تأکید بر تلاش
واشنگتن برای پیدا کردن گزینه‌هایی جهت حمایت از مردم
ایران گفته «ما فقط نظاره‌گر نیستیم بلکه اقدام می‌کنیم».
● رابرت مالی نماینده آمریکادر امور ایران درباره وضعیت
مذاکرات اتمی گفته «مذاکره با کشوری که از گفتگو با ما
امتناع می‌کند همه چیز را دشوارتر کرده است... ما آماده
مذاکره مستقیم هستیم اما جمهوری اسلامی نمی‌پذیرد».
● جیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا به مقامات
تهران هشدار داده «ادامه خشونت با معترضان برایتان گران
تمام می‌شود!»

- رژیم فرسوده‌ی ایران در وقت اضافی بازی می‌کند
و همانطور که جرقه انقلاب در تونس با خودسوزی یک
سبزی‌فروش زده شد و موجی از اعتراضات سراسر جهان
عرب را در سال ۲۰۱۱ فراگرفت و «بهار عربی» را رقم زد در
ایران نیز قتل مهسا امینی توسط گشت ارشاد مشابه چنان
وضعیتی شده است.

مقامات آمریکایی می‌گویند در حمایت از خیزش مردم
ایران و برای مجازات جمهوری اسلامی به خاطر سرکوب
معترضان تحریم‌های بیشتری علیه حکومت اعمال خواهد
شد. آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا با تأکید بر تلاش
واشنگتن برای پیدا کردن گزینه‌هایی جهت حمایت از مردم
ایران گفته «ما فقط نظاره‌گر نیستیم بلکه اقدام می‌کنیم».
با وجود این مواضع و همچنین هرچند که گزارش شده
دولت جو بایدن به کنگره اعلام کرده است که مذاکرات
اتمى به بن‌بست رسیده اما برخی مقامات آمریکا با وجود
ناامیدی از امکان توافق، همچنان در مورد ضرورت ادامه
مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی تأکید می‌کنند.

شماری از سناتورهای آمریکایی که اغلب از حزب
جمهوریخواه هستند از دولت بایدن خواسته‌اند مذاکره با
رژیم جنایتکار را که مردم را در خیابان به خاک و خون
می‌گشود متوقف کنند.

رابرت مالی نماینده آمریکا در امور ایران در مصاحبه با
برنامه رادیویی «د ورلڈ» درباره وضعیت مذاکرات اتمی
تأکید کرد که «مذاکره با کشوری که از گفتگو با ما امتناع
می‌کند همه چیز را دشوارتر کرده است... ما آماده مذاکره
مستقیم هستیم اما جمهوری اسلامی نمی‌پذیرد... اکنون
سرنوشت مذاکرات به تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی
وابسته است که ربطی به توافق هسته‌ای ندارد.»

رابرت مالی در پاسخ به این پرسش که آیا دولت آمریکا
سعی در استفاده از اعتراضات ضدحکومتی در ایران برای
فشار به جمهوری اسلامی دارد، گفت: «سیاست دولت بایدن
تلاش برای دامن زدن به بی‌ثباتی در ایران یا تغییر رژیم
نیست، بلکه فقط تلاش می‌کند به اصول ایالات متحده مبنی
بر اینکه مردم حق دارند از آزادی‌های اولیه استفاده کنند،

زیرا برای شاگردان مدارس فارسی کمک زیادی
است جهت ورود به دانشگاه. موفقیت در این امتحانات
هم از نظر اجتماعی و روانی به افزایش اعتماد به نفس
بچه‌ها بسیار کمک می‌کند. در اوایل که دانش آموزان کم
سن وسال هستند- می‌دانید که ما از سه سالگی بچه‌ها را
می‌پذیریم- تا شش و هفت سالگی اولیا می‌گویند که تنها
می‌خواهند که بچه‌هایشان در محیط باشند و یک فارسی
مقدماتی یاد بگیرند. همینقدر برای آنها کافیست. ولی این
هم حیف است و هم گذرا. زبان اگر از این سطح فراتر
نرود فراموش می‌شود. ولی چنانکه اشاره کردم زبان فارسی
مانند دیگر زبان‌های خارجی در بریتانیا ارزشیابی می‌شود
که این برای ما بسیار اهمیت دارد. حدود چهار سال پیش
سازمان برگزار کننده امتحانات «GCSE و A Level» به ما
اطلاع داد که تعداد متقاضیان امتحان فارسی کم شده و از
نظر اقتصادی برای آنها مقرون به صرفه نیست که برگزاری
امتحانات زبان فارسی را ادامه بدهیم. ما با همکاری جامعه
فارسی‌زبان بریتانیا و مدارس دیگر فارسی متحداً موسسه‌ای
دیگر به اسم پیروسون را پیدا کردیم که مسئولیت برگزاری
امتحانات رسمی فارسی را پذیرفت. ولی اخیراً متأسفانه
متوجه شدیم که تعداد دانش‌آموزانی که تا مقطع GCSE و
A Level ادامه می‌دهند از تمام زبان‌های اقلیت‌های قومی
دیگر که اصطلاحاً «زبان میراثی» نامیده می‌شود کمتر شده.
تا حدی در نگرانی و تشویش بسر می‌بریم که پیروسون هم
برگزاری امتحانات فارسی را ادامه ندهد. بنابراین با توجه
به ارزش این امتحانات رسمی که هدف و انگیزه‌ای برای
دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند، من همیشه آرزو دارم بچه‌هایی
که از کلاس اول با ما شروع می‌کنند و فارسی را می‌خواهند
یاد بگیرند حداقل تا سطح A Level ادامه بدهند که هم
باعث بقای امتحانات رسمی این زبان در بریتانیا شود و هم
برای خودشان یک امتیاز بسیار عملی و مهمی است برای
ورود به دانشگاه.

- گویا در نظر دارید دست به یک اقدام آکادمیک نیز
بزنید....

-بله، ما در ارتباط با کاهش تعداد دانش‌آموزان فارسی
که در امتحانات رسمی بریتانیا شرکت می‌کنند با برخی
دیگر از مدارس فارسی در ارتباط و شور و مشورت هستیم
و انجمنی تشکیل دادیم. در این انجمن به این نتیجه
رسیدیم که علاوه بر آنکه بدانیم خود جامعه ایرانی از ما
چه می‌خواهد، خود ما بر اساس تجاربی که داریم ببینیم
چه احتیاجاتی وجود دارد که باید برطرف سازیم. یکی از
اینها آنست که آموزگاران ما که بسیاری از آنها هم مجرب
و فرهیخته هستند، بتوانند با روش‌های نوین و به‌روز
تدریس در این کشور بیشتر آشنا شوند. به این دلیل با یکی
از دانشگاه‌های لندن در حال مشورت و مذاکره هستیم که
یک دوره فوق لیسانس برای تربیت معلم زبان فارسی و
زبان‌های دیگر راه‌اندازی کنیم تا روش‌های جدید انگلیسی
را بیشتر فرا گیرند و در کلاس‌های خودشان به کار ببرند.
اگر این پروژه با کمک دانشگاه و یک سازمان دیگر- که
مشغول مذاکره با آنهم هستیم- به نتیجه برسد و امکانات
مالی را نیز فراهم کنیم، یک دوره آکادمیک بسیار مفید
راه‌اندازی خواهیم کرد که باعث لذت و برخورداری بیشتر
دانش‌آموزان سر کلاس خواهد بود. ما می‌خواهیم بچه‌ها
احساس نکنند که شبهه‌هایشان را از دست می‌دهند.
در آخر اضافه کنم که این دوره فقط برای معلمان زبان
فارسی نیست و شامل معلمان زبان‌های اقلیت‌های قومی
دیگر هم خواهد بود با این دید که بچه‌ها زبان میراثی
خودشان را بیشتر و عمیق‌تر یاد بگیرند.



احمد جلالی فراهانی

احمد جلالی فراهانی خواننده و روزنامه‌نگار: مردم بدانند که ما ایرانیان تبعیدی همیشه به فکرشان و صداشان هستیم

زیر نظر استاد محمدرضا شفیعیان مشغول شد. او بعدها به سراغ سه تار رفت و نزد اساتیدی چون دکتر علی طریقت، جلال ذوالفنون، مسعود شعاری و کیوان ساکت به فراگیری ردیف نوازی در موسیقی کلاسیک ایرانی پرداخت. همزمان با آغاز موج اعتراضات شهریور ۴۰۱ ترانه‌ای با

زیر نظر استاد محمدرضا شفیعیان مشغول شد. او بعدها به سراغ سه تار رفت و نزد اساتیدی چون دکتر علی طریقت، جلال ذوالفنون، مسعود شعاری و کیوان ساکت به فراگیری ردیف نوازی در موسیقی کلاسیک ایرانی پرداخت. همزمان با آغاز موج اعتراضات شهریور ۴۰۱ ترانه‌ای با



سازمانی روزنامه ایران و روزنامه‌نگاران این رسانه بودم که به دعوت اسدالله مشایخی، خبرنگار و دبیر صفحه موسیقی ایران جمعه شدم این بود تا اینکه یک روز گزارشی از کنسرت محمد اصفهانی نوشتم که در روزنامه منتشر شد و به پیشنهاد مرحوم مشایخی از آن به بعد گزارش نویسی را شروع کردم.

– پس تحصیلات کلاسیک روزنامه‌نگاری نداشتید؟
– نه در ابتدا. اما در سال ۸۲ به توصیه اسدالله مشایخی در دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری مرکز رسانه شرکت کردم و افتخار شاگردی اساتیدی همچون بهمن جلالی، دکتر علی اکبر قاضی زاده، استاد حسین قندی و دیگران را دارم. ضمن اینکه همکاری و شاگردی اسدالله مشایخی خود یک دانشگاه علمی کاربردی برای هر روزنامه‌نگاری بود. در روزنامه‌های زیادی نظیر ایران، همشهری، جام جم،

عنوان «دخترای ننه دریا» از این هنرمند مقیم داهمارک منتشر شد. او این اثر را به مهسا (ژینا) امینی که بر اثر جراحات ناشی از ضرب و جرح ماموران گشت ارشاد اسلامی کشته شد تقدیم کرد.

کپهان لندن به بهانه انتشار این اثر در مورد فعالیت‌های مطبوعاتی و هنری احمد جلالی فراهانی در ایران و داهمارک با این هنرمند تبعیدی گفتگو کرده است.

– آقای فراهانی از شروع کار مطبوعاتی‌تان بگویید.
– پیش از ورود به مطبوعات به کارگردانی تئاتر مشغول بودم. نخستین تئاترم را در تالار سنگلج به اسم «طبابت اجباری» اثر مولیر روی صحنه بردم. یک سال بعد هم یکی از اشعار احمد شاملو به اسم «مردی که لب نداشت» را روی صحنه بردم که البته اجرای آن بعد از ۲۸ روز متوقف شد. – چرا؟

● احمد جلالی فراهانی: «چند روز مانده به ۲۲ بهمن سال ۱۳۸۶ از همه سردبیران ویژه‌نامه‌ها خواسته شد تا عکس و خبری از برگزاری باشکوه ۲۲ بهمن در سراسر ایران تهیه کنند و گفتند از عکس‌های سال‌های قبل استفاده کنید. من گفتم عکس و خبری که هنوز اتفاق نیفتاده منتشر نمی‌کنم و نکردم و فردای ۲۲ بهمن اخراج شدم. چون تنها ویژه‌نامه استانی را منتشر کردم که درباره ۲۲ بهمن نبود. یعنی فردای ۲۲ بهمن مطلقاً خبری از ۲۲ بهمن منتشر نکردم و اخراج شدم. بعد از اخراج تصمیم گرفتم فیلمی از فضای اختناق و سرکوب روزنامه‌های ایرانی بسازم. از اینجا با نیروهای امنیتی روبرو شدم و دستگیری‌ها و زندان و...»
● «بعد از زندان دیگر قصد کار روزنامه‌نگاری نداشتم و در یک شرکت تبلیغاتی مشغول به کار شدم و شروع به ساختن مستندی درباره خاویار ایرانی کردم. اما وزارت اطلاعات اصرار داشت که با آنها همکاری کنم و زیر بار نمی‌رفتم. آنها به من می‌گفتند کمکت می‌کنیم به یکی از رسانه‌های خارج از کشور بروی و آنجا جریان خبری را طوری هدایت کنی که مطلوب ماست. اما قبول نکردم و درست شب تولد ۸ سالگی دخترم بازجوی پرونده زنگ زد که خودم را به دادسرای اوین معرفی کنم.»

● «اینکه مردم عزیز وطنم بدانند تنها نیستند و ما ایرانی‌های تبعیدی همیشه به فکرشان هستیم. همیشه دم می‌خواست و می‌خواهد و خواهد خواست که صدای مردم وطنم باشم و برای آنها بخوانم. البته خواننده‌های بسیار بهتر و خوش صداتر از من هم هستند اما کمتر خواننده‌ای برای مشکلات اجتماعی و سیاسی مردم می‌خواند. من دوست دارم بجای خواندن ترانه‌های عاشقانه از درد مردم بخوانم همانطور که وقتی روزنامه‌نگار بودم همیشه از درد مردم وطنم نوشتم و وقتی فیلمی می‌سازم از زخم‌های مردم کشورم است.»

فیروزه نوردستروم- احمد جلالی فراهانی، روزنامه‌نگار، فیلمساز، نویسنده، خواننده، ترانه‌سرا، نوازنده تار و سه تار متولد ۱۳۵۴ شمیرانات تهران است. این هنرمند که دارای مدرک فوق لیسانس مدیریت دولتی با گرایش رسانه از دانشگاه تهران و مدرک بازیگری و کارگردانی تئاتر است، از کودکی آموزش موسیقی به ویژه خوانندگی را آغاز کرد و در گروه سرود رادیو و تلویزیون تکخوانی می‌کرده. فراهانی در نوجوانی همزمان با بازیگری در تئاتر به فراگیری موسیقی ادامه داد و در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی به تحصیل در کلاس‌های سلفژ (نت‌خوانی) و فراگیری سنتور

از ایران به سمت آنکارا. مسافران اتوبوسی که ما را با خود می برد دیده بودند که با خودم ساز همراه دارم. درست پس از اینکه از مرز رد شدیم آنها از من خواستند برایشان ساز بزنم و بخوانم!

اما اینکه حرفه‌ای بخوانید از کجا شروع شد؟

رفیق ناباب! (می خندد) آشنایی من با میلاد آزادفر جرقه اصلی ماجرا بود. میلاد هم ترانه سراسر و هم خواننده و شاعر. او خیلی در انتشار آهنگ «بارونه» نقش داشت. همه جوره کمک کرد تا این ترانه را بخوانم. من این ترانه را با سه تار می زدم و می خواندم اما پس از زندان فکر اینکه این را بسازم و بخوانم از سرم افتاده بود اما با اصرار میلاد آزادفر و کمک شایان کریمی عزیز «بارونه» متولد شد. بعد از «بارونه» آهنگ «دیوار» را منتشر کردم. در سال ۲۰۱۹ تصمیم گرفتم نخستین آلبوم موسیقی‌ام را منتشر کنم که همزمان ماجرای آبان ۹۸ و هواپیمای اوکراینی اتفاق افتاد. رژیم جنایت کثیفی کرده بود. می دانید ما ایرانیان خارج کشور چقدر به وطنمان حساسیم. وطن برای ما یک نوستالژی عزیز و مقدس است. با تمام بدبختی‌هایی که در آنجا داشتیم هر روز دور بودن از وطن مثل یک زخم و خوره روح و روان ما را بی صدا می جود. وقتی جنایت آبان ۹۸ رخ داد و بعد از آن جنایت هواپیمای اوکراینی مثل یک نیش افعی خورده از درد دور خودم می پیچیدم. انگار داشتم کشته شدن مادرم را از پشت شیشه‌ای می دیدم بدون آنکه بتوانم کاری برایش بکنم. یک روز که خیلی پریشان احوال بودم به میلاد آزادفر زنگ زدم. تا گفتم حالت چگونه میلاد؟ گفت: «حالم بد نیست غم کم می خوریم، کم که نه هر روز کم کم می خوریم!» همان پشت تلفن داد زدم «میلاد این ترانه مال کیه من این را باید بخوانم.» که خوشبختانه میلاد مرا با شاعر اثر حمیدرضا رجایی معرفی کرد و ایشان هم با طیب خاطر اجازه دادند این شعر را بخوانم.

«مرتد می شو» پارسال منتشر شد؟

-بله و استقبال خوبی هم از آن شد.

و «دخترای ننه دریا» چطور؟

همه اینها از آلبوم نخست من هستند. من در این آلبوم هشت نُه تا ترانه دارم. قرار بود کل آلبوم را تا پیش از پایان سال ۲۰۲۲ منتشر کنم. در فرایند انتشار آلبوم بودیم که ماجرای مهسا امینی پیش آمد و من کار را بطور رایگان و با هزینه شخصی منتشر کردم. برای مهسا و تمام دختران و زنان شجاع ایرانی.

جایی دیدم نوشتید برای ساختن این دو آهنگ خیلی سختی کشیدید...

-بله، متأسفانه فرایند تولید این دو تا آهنگ و بقیه آهنگ‌های آلبوم همزمان شد با بحران جهانی کرونا و من عملاً بیکار شده بودم. برای تامین هزینه ساخت آلبوم در آن روزهای سیاه مجبور شدم شب‌ها تا صبح کار کنم تا بتوانم پول دستمزد نوازنده‌ها و دست اندرکاران را فراهم کنم. تمام سازهای استفاده شده در این دو ترانه آکوستیک و زنده هستند. هزینه‌های استودیو و غیره هم خیلی بالاست اما هدف من مقدس‌تر از این گرفتاری‌هاست. اینکه مردم عزیز وطنم بدانند تنها نیستند و ما ایرانی‌های تبعیدی همیشه به فکرشان هستیم. همیشه دلم می‌خواست و می‌خواهد و خواهد خواست که صدای مردم وطنم باشم و برای آنها بخوانم. البته خواننده‌های بسیار بهتر و خوش صداتر از من هم هستند اما کمتر خواننده‌ای برای مشکلات اجتماعی و سیاسی مردم می‌خواند. من دوست دارم بجای خواندن ترانه‌های عاشقانه از درد مردم بخوانم همانطور که وقتی روزنامه‌نگار بودم همیشه از درد مردم وطنم نوشتم و وقتی فیلمی می‌سازم از زخم‌های مردم کشورم است.

درباره‌اش حرف بزنم. می‌گفتند باید اعتراف کنی که در دویی از آرمان مستوفی پول گرفتی تا بین مردم پخش کنی تا تظاهرات کنند و تو از آنها فیلم بگیری و بفروستی برای رسانه‌های خارج کشور و آنها این فیلم‌ها را منتشر کنند. اما زیر بار نمی‌رفتم و آنها خیلی اذیت می‌کردند. در نهایت تسلیم شدم، حتی از من اعتراف اجباری گرفتند و فیلمبرداری هم کردند اما هرگز پخش نشد. بعد از زندان دیگر قصد کار روزنامه‌نگاری نداشتم و در یک شرکت تبلیغاتی مشغول به کار شدم و شروع به ساختن مستندی درباره خاویار ایرانی کردم. اما وزارت اطلاعات اصرار داشت که با آنها همکاری کنم و زیر بار نمی‌رفتم. آنها به من می‌گفتند کمکت می‌کنیم به یکی از رسانه‌های خارج از کشور بروی و آنجا جریان خبری را طوری هدایت کنی که مطلوب ماست. اما قبول نکردم و درست شب تولد ۸ سالگی دخترم بازجوی پرونده زنگ زد که خودم را به دادسرای اوین معرفی کنم. من اما در زندان قسم خورده بودم هرگز به آنجا برنگردم. این شد که پس از جشن تولد دخترم و رفتن مهمان‌ها غزل خداحافظی را خواندم. فردا صبح‌اش همسرم طلاهایش را فروخت و با سه چمدان راهی ترکیه شدیم.

و بعد چطور به داهمارک رفتید؟

-در ترکیه بیکار ننشستم و شروع کردم به ساختن یک مستند کوتاه ۲۰ دقیقه‌ای به نام «سوفار» که امید حبیبی نیا آن را به جشنواره فیلم‌های مستند کپنهاگ معرفی کرد و فیلم در جشنواره پذیرفته شد. دفتر جشنواره من و



تا چشم کار میکنه مرده اسلحه گور....

خانواده‌ام را به داهمارک دعوت کرد و پس از اکران فیلم ما در همین داهمارک ماندگار شدیم.

در آنجا هم کار مستندسازی را ادامه دادید؟

-همان سال نخست ورودم به داهمارک مستند «ما روزنامه‌نگاریم» را کامل کردم که در جشنواره‌های مختلفی اکران شد. در داهمارک کاندیدای بهترین کارگردانی مستند سال ۲۰۱۵ شدم. فیلم سر و صدای زیادی بپا کرد و در سراسر اروپا و حتی چند جشنواره در ایالات متحده اکران شد و چند جایزه به دست آورد از جمله جایزه «صدای آزادی» جشنواره فیلم بارسولونا.

کی وقت کردید به موسیقی بپردازید؟

-موسیقی همیشه جزئی از زندگی من بوده و هست و خواهد بود. من همیشه سه تار می‌زنم و می‌خوانم. هر جا که باشم. بگذارید یک خاطره جالب تعریف کنم. در راه فرار

اعتماد ملی، خبرگزاری امید و مهر و... فعالیت داشتم. در صداسویمای جمهوری اسلامی هم مجری و کارشناس رادیو گفتگو بودم و بعدها سردبیر روزهای سه‌شنبه رادیو گفتگو شدم. مدتی هم در تلویزیون کارشناس اجتماعی برنامه صبح بخیر ایران بودم تا اینکه دستگیری آخر پیش آمد...

هنگام دستگیری در کدام رسانه مشغول بودید؟

-پیش از دستگیری دبیر اجتماعی خبرگزاری مهر بودم ولی به محض اینکه از خبرگزاری مهر استعفا دادم دستگیر شدم. البته این آخرین دستگیری بود. بار اول سال ۱۳۸۷ و هنگام فیلمبرداری از رای گیری انجمن صنفی دستگیر شدم و بعد از آن وقتی از امتحان ورودی رادیو فردا از دبی به تهران بر می‌گشتم در فرودگاه دستگیر شدم و بار آخر هم پیش از ۲۲ بهمن ۱۳۸۸.

در مورد آن دستگیری‌ها بیشتر توضیح دهید؟

-در سال ۱۳۸۴ وقتی احمدی نژاد رئیس جمهور شد یک وبلاگ به اسم «تحریریه خاموش» درست کردم که در آنجا از فضای امنیتی حاکم بر روزنامه ایران و سایر اخباری که انتشارشان ممنوع بود می‌نوشتیم. همزمان به عنوان دبیر سرویس اجتماعی روزنامه تهران امروز هم مشغول به کار بودم که کاوه اشتهاوردی مدیرمسئول روزنامه مرا به ویژه‌نامه مازندران روزنامه ایران تبعید کرد. چند روز مانده به ۲۲ بهمن سال ۱۳۸۶ از همه سردبیران ویژه‌نامه‌ها خواسته شد تا عکس و خبری از برگزاری باشکوه ۲۲ بهمن در سراسر ایران تهیه کنند و گفتند از عکس‌های سال‌های قبل استفاده

کنید. من گفتم عکس و خبری که هنوز اتفاق نیفتاده منتشر نمی‌کنم و نکردم و فردای ۲۲ بهمن اخراج شدم. چون تنها ویژه‌نامه استانی را منتشر کردم که درباره ۲۲ بهمن نبود. یعنی فردای ۲۲ بهمن مطلقاً خبری از ۲۲ بهمن منتشر نکردم و اخراج شدم. بعد از اخراج تصمیم گرفتم فیلمی از فضای اختناق و سرکوب روزنامه‌های ایرانی بسازم. از اینجا با نیروهای امنیتی روبرو شدم و دستگیری‌ها و زندان و...

و مهاجرت اجباری؟

-در سال ۸۸ چند روز قبل از ۲۲ بهمن ۸ مامور قلچماق ساعت دو سه نیمه شب ریختند خانه‌ام و در برابر دختر ۷ ساله‌ام که بهت زده از خواب بیدار شده بود کتک زدند. حتی اجازه ندادند به همسرم که به بالکن رفته بود چادر بدهم سرش کند. در ۱۷ بهمن ۱۳۸۸ مرا دستگیر کردند. در اوین بدترین تجربه‌ها را داشتم که اصلاً دلم نمی‌خواهد

ویدئو

نمازهایی با «قد قامتِ خون»! حکومت و تبلیغاتچی‌هایش با دروغ و توهین علیه زنان احساسات مذهبی آخرین حلقه‌ی سرکوب را تحریک می‌کنند!



سرکوبگران برای اقامه نماز مغرب و عشا در خیابان به صف شدند

دنبال چه هستند؟ خیلی از آنها خودشان هم نمی‌دانند اما آن طرف آب در یکی از تجمعات، واقعیت این جریان خودش را نشان داده... یکی لخت شده رفته روی بلندی و سخنرانی می‌کند. تمام حرفش این است که چرا در ایران نمی‌گذارند ما لخت بگردیم... تمام خواسته اینها از آزادی همین است، هر شب با یکی بخوابند و مثل حیوان بچرخند!

کارشناسان و مبلغان صدا و سیمای رژیم اسلامی در این چند شب با زشت‌ترین و رکیک‌ترین الفاظ در مورد زنان ایران صحبت می‌کنند و در صدد تحریک احساسات حامیان آتش به اختیار رژیم هستند.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی که از متهمان پرونده تروریستی انفجار ساختمان مرکز یهودیان (آمیا) در آرژانتین است نیز می‌گوید «جنگ امروز دشمن، جنگ ارزش‌ها است!» و «کسانی که شعارهایی همچون زن، زندگی، آزادی را درست کردند، شنیع‌ترین صحنه‌ها را برای دفاع از زنان به وجود آوردند و آزادی را در بی‌حجابی و بی‌حیایی زنان می‌بینند.»

با وجود همه این تبلیغات که کسی جز حلقه‌ی ناچیز دور جمهوری اسلامی به آنها گوش نمی‌دهد، علاوه بر ایستادگی مردم در مقابل نیروهای سرکوب و ابتکارات و شعارهای بی‌همتای آنها در مبارزه همراه با هک و حملات سایبری به وبسایت‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی و زیرساخت‌های رژیم، فشارهای بین‌المللی نیز برای تقویت مقاومت مردم ایران در برابر رژیم اسلامی بسیار تعیین کننده است. بعد از اعلام فهرستی طولانی از تحریم‌های کانادا علیه مقامات و نهادهای سرگوبگر رژیم جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا سه‌شنبه ۱۱ مهرماه در نشست این اتحادیه از بررسی تحریم‌های جدید سختگیرانه علیه حکومت ایران به دلیل قتل مهسا امینی و سرکوب اعتراضات سراسری خبر داد.

همزمان گذشته از حمایت سیاستمداران و پارلمان‌ها و شخصیت‌های شاخص اجتماعی و فرهنگی، پشتیبانی افکار عمومی و مردم عادی از سراسر جهان در حمایت از انقلاب آزادیخواهانه‌ی مردم ایران چنان گسترده است که به جرأت می‌توان گفت در کمتر انقلاب و جنبش مدنی دیگری نظیر داشته است.

مقابل مردم ایستاده‌اند باید گفت علاوه بر انگیزه‌های مالی، مسائل اعتقادی و مذهبی نیز انگیزه‌های آنها را اقدامات خشونت‌بار از جمله شلیک با ضرب و جرح مردم تقویت می‌کند. به همین دلیل طرفداران و عوامل جمهوری اسلامی و دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت برای تحریک احساسات مذهبی و باورهای خرافی آنها سنگ تمام گذاشته‌اند زیرا شکست این آخرین حلقه‌ی سرکوب که به دور رژیم کشیده شده، خاکریز پایانی دفاع از رژیم را در خیابان‌ها از میان برخواهد داشت.

یکی از تصاویری که در روزهای اخیر واکنش‌های زیادی در پی داشت نماز جماعت سرگوبگران در خیابان است. شماری از کاربران در توئیتر نوشتند که آنها با خون مردم وضو گرفتند! شماری دیگر مطرح کردند که نیروی انتظامی با توکل به خدا مردم را قتل عام می‌کنند.

اینهمه در حالیکه حکومت در مرحله نخست اعتراضات، برای تحریک عواطف و احساسات سرگوبگران و حامیان‌شان با دروغ‌پردازی علیه مردم با هدف زمینه‌سازی جهت سرکوب آنها حتا دروغ آشکار قرآن‌سوزی و آتش زدن مساجد و کشیدن حجاب از سر زنان محجبه را مطرح کرد. دروغی که به آسانی خلافت‌قایل اثبات است و به همین نتیجه دلخواه به دنبال نداشت. از همین رو حکومت اکنون مرحله جدیدی را برای به میدان کشاندن حامیان‌شان آغاز کرده است و آن توهین به زنان و این دروغ آشکار است که آنها برای «برهنگی» و «فساد» اعتراض می‌کنند! حال آنکه در همان روزهای اول جنبش آزادی در ایران مشخص شد که موضوع بسیار فراتر از حجاب اجباری و گشت ارشاد و مسئله پوشش زنان است! مردم معترض کلیت نظام جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند زیرا می‌دانند حتا با رفع حجاب اجباری و جمع کردن گشت ارشاد هم باز حقوق انسانی آنان زیر پا گذاشته خواهد شد و کار مملکت سر و سامان نخواهد گرفت.

حجت‌الاسلام حمید رسایی نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی در واکنش به اعتراضات، احتمالاً با اشاره به آنچه توسط یکی از گروه‌های چپ افراطی در تظاهرات اول اکتبر در برلین روی داده، به دروغ مدعی شده «فکر می‌کنید جماعت اقلیتی که در برخی خیابان‌ها روسری را روی دست می‌چرخانند

● حجت‌الاسلام حمید رسایی نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی در واکنش به اعتراضات، احتمالاً با اشاره به آنچه توسط یکی از گروه‌های چپ افراطی در تظاهرات اول اکتبر در برلین روی داده، به دروغ مدعی شده «فکر می‌کنید جماعت اقلیتی که در برخی خیابان‌ها روسری را روی دست می‌چرخانند دنبال چه هستند؟ خیلی از آنها خودشان هم نمی‌دانند اما آن طرف آب در یکی از تجمعات، واقعیت این جریان خودش را نشان داده... یکی لخت شده رفته روی بلندی و سخنرانی می‌کند. تمام حرفش این است که چرا در ایران نمی‌گذارند ما لخت بگردیم...»

● سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی که از متهمان پرونده تروریستی انفجار ساختمان مرکز یهودیان (آمیا) در آرژانتین است نیز می‌گوید «جنگ امروز دشمن، جنگ ارزش‌ها است!» و «کسانی که شعارهایی همچون زن، زندگی، آزادی را درست کردند، شنیع‌ترین صحنه‌ها را برای دفاع از زنان به وجود آوردند و آزادی را در بی‌حجابی و بی‌حیایی زنان می‌بینند.»

● ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در دروغی آشکار می‌گوید: سپاه پاسداران و نیروهای بسیج بدون سلاح در میدان حضور پیدا کردند! ● در ارتباط با آندسته از نیروهایی که همچنان در مقابل مردم ایستاده‌اند باید گفت علاوه بر انگیزه‌های مالی، مسائل اعتقادی و مذهبی نیز انگیزه‌های آنها را اقدامات خشونت‌بار از جمله شلیک با ضرب و جرح مردم تقویت می‌کند. به همین دلیل طرفداران و عوامل جمهوری اسلامی و دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت برای تحریک احساسات مذهبی و باورهای خرافی آنها سنگ تمام گذاشته‌اند زیرا شکست این آخرین حلقه‌ی سرکوب که به دور رژیم کشیده شده، خاکریز پایانی دفاع از رژیم را در خیابان‌ها از میان برخواهد داشت.

● ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در دروغی آشکار می‌گوید در جریان اعتراضات «سپاه پاسداران و نیروهای بسیج بدون سلاح در میدان حضور پیدا کردند و طبق دستورالعملی که داشتند برای حفاظت از مراکز حساس بدون سلاح کار دفاع را انجام دادند.»

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که شمار زیادی از جانباختگان اعتراضات طی ۱۸ روز که از آغاز آن می‌گذرد با گلوله‌های جنگی هدف قرار گرفتند. آخرین مورد آن قتل عام شهروندان در زاهدان است که شمار تلفات آن به بیش از ۵۰ نفر رسیده است.

در همین ارتباط روزنامه «واشنگتن پست» در گزارشی تحقیقی که پنجم اکتبر (۱۳ مهرماه) منتشر شده می‌نویسد نیروهای سرگوبگر جمهوری اسلامی بر سه تاکتیک کلیدی متمرکز شده‌اند: استفاده آشکار از گلوله جنگی، دستگیری‌های هدفمند و قطع اینترنت.

علاوه بر این بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد عوامل سرکوب با اسلحه ساچمه‌ای یا «شات‌گان» به معترضان شلیک کرده‌اند. این اسلحه (شکاری- رزمی) ساچمه‌زن است و در صورت اصابت ساچمه‌های آن به نواحی حساس بدن مرگبار خواهد بود.

در این میان، گزارش از ریزش نیروهای پلیس و بسیج کم نیست اما در ارتباط با آندسته از نیروهایی که همچنان در

بازداشت گسترده معترضان و فشار به زندانیان برای اعترافات اجباری همزمان با تداوم اعتراضات



● موج گسترده بازداشت معترضان در خیابان، در کنار دستگیری سازمانیافته‌ی دانشجویان، روزنامه‌نگاران، وکلا، فعالان مدنی، ورزشکاران و هنرمندان یکی از محورهای سرکوب اعتراضات است.

● سخنگوی قوه قضاییه گفته «چنانچه مشخص شود که بازداشت‌شدگان به لحاظ التهابات پدید آمده و جوسازی برخی رسانه‌ها، وارد صحنه شده و اکنون از افعال خویش اظهار ندامت کرده و پشیمان شده‌اند» از «رافت اسلامی» برخوردار خواهند شد.

● روزنامه «جوان» نزدیک به نهادهای امنیتی در ایران نیز در گزارشی مدعی شده که ۹۳ درصد حاضران در تجمعات اخیر در بازه سنی تا ۲۵ سال بودند و این موضوع را «نشانه‌گر به وجود آمدن نسل نو اغتشاشگران در کشور» ارزیابی کرده است.

شمار بازداشت‌شدگان در جنبش آزادیخواهی و انقلاب ملی شهریور که تا امروز در مهرماه ادامه یافته نشان از برنامه‌ریزی نهادهای امنیتی برای بازداشت گسترده معترضان و تکمیل سناریوسازی حکومت از این اعتراضات دارد. در کنار معترضانی که در خیابان بازداشت شده‌اند، دستگیری سازمانیافته‌ی دانشجویان، روزنامه‌نگاران، وکلا، فعالان مدنی، ورزشکاران و هنرمندان نیز از روزهای نخست اعتراضات در دستور کار حکومت و نهادهای سرکوب قرار گرفت. چند تبعه خارجی نیز در ۱۸ روز گذشته بازداشت شده‌اند. تازه‌ترین اظهارات مقامات حکومتی نشان از تلاش حکومت برای اخذ اعترافات اجباری از زندانیان دارد.

اعتراضات اخیر در ایران که از ۲۶ شهریور آغاز و اکنون سومین هفته خود را پشت سر می‌گذارد مثل همیشه با سرکوب شدید معترضان از سوی جمهوری اسلامی همراه شد. موج گسترده بازداشت معترضان در خیابان، در کنار دستگیری سازمانیافته‌ی دانشجویان، روزنامه‌نگاران، وکلا، فعالان مدنی، ورزشکاران و هنرمندان یکی از محورهای سرکوب اعتراضات اخیر نیز هست. هنوز آمار دقیقی از بازداشت‌شدگان این اعتراضات در دست نیست اما بر اساس گزارش‌های پراکنده حقوق بشری و اظهارات مقامات جمهوری اسلامی به نظر می‌رسد تعداد بازداشت‌شدگان به هزاران نفر برسد.

برای نمونه سردار عزیزالله ملکی فرمانده انتظامی گیلان تعداد بازداشت‌شدگان در این استان را ۷۳۹ نفر عنوان کرد. سردار محمد عبدالله‌پور فرمانده سپاه قدس گیلان نیز از بازداشت صدها نفر در گیلان خبر داده و مدعی شده لیدرهای اصلی این اعتراضات همگی شناسایی و بازداشت شدند.

فرمانده سپاه قدس گیلان مدعی شده که «بر اساس آمار ۳۹ درصد افراد بازداشت شده تحت تاثیر رسانه بوده و ۶۰ درصد گفتند در خیابان دچار هیجان شدند به این منظور متولیان امر باید در عرصه فضای مجازی و رسانه حضوری موثر داشته باشند.» او در ادامه به توجه رسانه‌ها به «جهاد تبیین در عصر جنگ شناختی» تأکید کرده بود. خبرگزاری تسنیم سوم مهرماه در نخستین هفته اعتراضات به نقل از یک مقام امنیتی آگاه نوشته بود

روزنامه‌نگاران گفته بود که «مستندات وجود دارد که اگر نشان دهد تحریک کننده بوده‌اند، مسائل را ضبط می‌کردند و برای خارج می‌فرستادند حتماً با آنها برخورد می‌شود. اگر هم موضوعات دیگری بوده آن هم جای خود دارد!»

به گزارش فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران طی این مدت دست‌کم ۲۱ روزنامه‌نگار ایران در جریان اعتراضات سراسری جاری بازداشت شده‌اند. این فدراسیون از دستگاه‌های جمهوری اسلامی خواسته «پوشش اعتراضات ملی» را بهانه سرکوب خبرنگاران نکنند.

همچنین تعداد زیادی از دانشجویان در سه هفته گذشته بازداشت شدند. کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ در آخرین گزارش خود در روز هفتم مهر بازداشت ۶۳ دانشجو از دانشگاه‌های مختلف کشور را تأیید کرده است. ده‌ها دانشجو اما در هفته جاری بازداشت شدند و تنها در شامگاه یکشنبه دهم مهرماه ۳۵ دانشجوی در دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) بازداشت شدند.

از آغاز اعتراضات تا کنون سعید جلیلیان، میلاد پناهی‌پور، مهسا غلامعلی‌زاده و بابک پاک‌نیا چهار وکیل پایه یک دادگستری نیز بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند.

همچنین در روزهای گذشته شماری از دانشجویان و شهروندان معترض که در خیابان بازداشت شده بودند آزاد شدند اما این آزادی با سپردن کفالت و وثیقه صورت گرفته و پرونده آنها مختومه نشده است.

مونا برزویی شاعر و ترانه‌سرا، مژگان کاووسی نویسنده، آتفه چهارمحالیان نویسنده، امیر حسین بریمانی نویسنده، دنیا راد فعال حوزه سینما، کرم‌الله سلیمانی نویسنده، آریا جعفری عکاس، حسین ماهینی بازیکن سابق پرسپولیس، سارینا قربات ملی پوش پیشین تیراندازی ایران، سروش رفیعی و وریا غفوری فوتبالیست از جمله نویسندگان و هنرمندان و ورزشکاران بازداشت شده در روزهای اخیر هستند. همچنین گفته شده که عارف غلامی و زبیر نیک‌نفس بازیکنان استقلال هم تحت پیگرد قرار گرفته‌اند.

۱۲۰۰ نفر در نخستین روزهای اعتراضات بازداشت شدند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد برخی از بازداشت‌شدگان برای اعتراف اجباری زیر فشار قرار دارند. سخنگوی قوه قضاییه از طبقه‌بندی بازداشت‌شدگان «برحسب نوع جرایم ارتكابی و انگیزه‌های مرتکبین» خبر داده و گفته که «چنانچه مشخص شود که بازداشت‌شدگان به لحاظ التهابات پدید آمده و جوسازی برخی رسانه‌ها، وارد صحنه شده و اکنون از افعال خویش اظهار ندامت کرده و پشیمان شده‌اند» از «رافت اسلامی» برخوردار خواهند شد. این اظهارات نشان می‌دهد که بازداشتی‌ها برای حضور در فیلم اعترافات اجباری تحت فشار خواهند بود.

روزنامه «جوان» نزدیک به نهادهای امنیتی در ایران نیز در گزارشی مدعی شده که ۹۳ درصد حاضران در تجمعات اخیر در بازه سنی تا ۲۵ سال بودند و این موضوع را «نشانه‌گر به وجود آمدن نسل نو اغتشاشگران در کشور» ارزیابی کرده است.

گزارش روزنامه «جوان» در ادامه مدعی شده «به‌رغم اینکه گفته شد جنس تجمعات زنانه است، اما حضور جداگانه دختران و زنان در تجمع اخیر بسیار کم بوده است، اما در مقابل بیش از ۹۰ درصد بازداشت‌شدگان در سن پایین دوست دختر-دوست پسر بودند که برای هیجان آشوب و... وارد صحنه شده و حتی در بازجویی‌های اولیه نیز اعلام کرده بودند برای نمایش قدرت و شجاعت و... در مقابل دوستانمان اقدام به آتش زدن سط‌لهای زباله و... کرده بودیم که به تعبیری مسائل جنسی در به صحنه آوردن نسل جدید برای تجمع عنصر تعیین‌کننده‌ای بوده است.»

حسن نوروزی عضو کمیسیون یادشده نیز در باره حجم بالای دستگیرشدگان و کمبود فضای زندان‌ها گفته است: «خیلی از بازداشت‌شدگان چند ساعت بعد آزاد می‌شوند... اگر آزاد نشده‌اند مشکوک هستند که جزو افراد مسلح و سرگروه‌ها و تحریک‌کنندگان هستند یا خیر.»

حسن نوروزی همچنین درباره بازداشت گسترده

آزادی سیامک نمازی در اوج اعتراضات ضد حکومتی؛ جمهوری اسلامی چرا وادار به این اقدام شد؟



باقر و سیامک نمازی

● با میانجیگری قطر باقر نمازی از ایران خارج شد و پسرش سیامک نمازی به مرخصی رفت.

● خبرگزاری‌های حکومتی در ایران مدعی‌اند به زودی ۷ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی از طریق کانال مالی سوئیس آزاد خواهد شد.

● خبرگزاری تسنیم می‌نویسد مذاکره برای رفع تحریم‌ها به خاطر عدم تصمیم‌گیری سیاسی آمریکا بدون نتیجه باقی مانده است اما ایالات متحده «مستقل از روند مذاکرات هسته‌ای» پیگیر موضوع آزادی زندانیان خود در ایران و همزمان آزاد ساختن منابع مسدود شده ارزی ایران در کره جنوبی بود.

● ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای از آزادی نمازی استقبال کرد اما اشاره‌ای نکرد که آیا این تحول مربوط به معامله با رژیم ایران بوده یا نه! او همچنین هیچ اشاره‌ای به آزاد ساختن پول‌های بلوکه شده نکرد.

پایگاه خبری «نور نیوز» وابسته به «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» اول اکتبر (نهم مهرماه) ادعا کرده است در هفته‌های اخیر مذاکرات فشرده‌ای با وساطت یکی از کشورهای منطقه درباره آزادسازی همزمان زندانیان ایران و آمریکا انجام شده و میلیاردها دلار از منابع ارزی مسدود شده ایران نیز در این چارچوب در آستانه آزاد شدن است.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران یک روز بعد دهم مهرماه به نقل از یک «مقام مطلع» گزارش داد قرار است ۷ میلیارد دلار از منابع ارزی مسدود شده در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد.

گفته می‌شود «ایران هنوز حساب‌های اعلامی برای انتقال منابع مذکور را بنا بر ملاحظات بانکی نپذیرفته و حساب‌های جدیدی را معرفی کرده است.»

طبق گزارش منابع داخلی واسطه این معامله قطری‌ها بودند. انتظار که ادعا می‌شود قرار است ۷ میلیارد دلار از منابع بلوکه شده ایران آزاد شود. تسنیم می‌نویسد «سوئیس و سازمان ملل به‌عنوان کانال ارتباطی در این امر درگیر هستند.»

استفان دوجاریک سخنگوی سازمان ملل گفت باقر نمازی زندانی دوتابعیتی آزاد شده و ایران را ترک کرده، سیامک نمازی نیز آزاد شده است. در این بیانیه آمده «دبیرکل [سازمان ملل] بسیار از اینکه ایران بعد از درخواست او از ابراهیم رئیسی، اجازه خروج همکار سابق ما باقر نمازی را صادر کرد، سپاسگزار است.»

رویتز می‌نویسد مشخص نیست که آیا این اقدامات می‌تواند گامی به سوی آزادی کامل سیامک باشد یا نه!

اعتراضات دانشجویی: «حیدر حیدر شعارتون»، جنایت افتخارتون؛ حمله به دانشجویان تبریز؛ دیشب ۳۵ دانشجوی «شریف» بازداشت شدند

-در پی حمله وحشیانه نیروهای امنیتی به دانشجویان دانشگاه «شریف» با هدف ارعاب و به سکوت وادار کردن دانشجویان و مردم معترض، امروز دوشنبه ۱۱ مهرماه نیز دانشگاه‌های ایران صحنه اعتراض دانشجویان و شعار علیه نظام جمهوری اسلامی است.

-دانشجویان در شیراز، دامغان، اصفهان، تهران، سمنان، تبریز، گرگان، مشهد، جهرم در دفاع از دانشجویان بازداشتی و همصدا با معترضان در خیابان‌ها در پانزدهمین روز اعتراضات، دست به تحصن و اعتراض زده‌اند.

-انجمن اسلامی دانشگاه شریف» امروز بیانیه‌ای در محکومیت یورش به دانشجویان منتشر کرد و آن را «لکه ننگین دیگری بر کارنامه حاکمیت» خواند و نوشت: «ما فاتحه این دانشگاه را خواندیم، ما فاتحه این وزارت علوم را خواندیم، ما فاتحه این دولت را خواندیم.»

با وجود ضرب و جرح و بازداشت دانشجویان دانشگاه «شریف» (آریامهر) دانشجویان بار دیگر امروز دوشنبه ۱۱ مهرماه در دانشگاه‌های سراسر کشور به تحصن و اعتراض ادامه دادند. «انجمن اسلامی دانشگاه شریف» نیز خواهان اعتصاب سراسری دانشگاهیان شده و در بیانیه‌ای نوشته که دانشجویان فاتحه وزارت علوم را خوانده‌اند.

در پی حمله وحشیانه نیروهای امنیتی به دانشجویان دانشگاه «شریف» با هدف ارعاب‌افکنی و به سکوت وادار کردن دانشجویان و مردم معترض، امروز دوشنبه ۱۱ مهرماه نیز دانشگاه‌های ایران صحنه اعتراض دانشجویان و شعار علیه نظام جمهوری اسلامی است.

روزنامه دانشجویی «شریف» درباره آخرین آمار بازداشتی‌های روز گذشته این دانشگاه نوشت: «بازداشت ۳۵ نفر توسط دانشگاه تأیید شده است. ۲۹ نفر همان دیشب آزاد شدند و ۶ نفر به بازداشتگاه اوین منتقل شدند.»

بر اساس آخرین گزارش‌ها، به دانشجویان دانشگاه تبریز نیز تیراندازی شده و یک ویدئو حاکی از زخمی شدن یکی از دانشجویان است.

دانشجویان در شیراز، دامغان، اصفهان، تهران، سمنان، تبریز، گرگان، مشهد، جهرم نیز در دفاع از دانشجویان بازداشتی و همصدا با معترضان در خیابان‌ها در پانزدهمین روز اعتراضات، دست به تحصن و اعتراض زده‌اند.

طبق اعلام شوراهای صنفی دانشجویان کشور، دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، دانشگاه یزد، دانشگاه بیرجند، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی آزاد تهران، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، دانشگاه خواجه نصیر، دانشکده پرستاری یزد، دانشگاه «شهید اشرفی» اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، دانشگاه تهران مرکز سوهانک، دانشگاه خیام مشهد، دانشگاه سمنان، دانشگاه تربیت مدرس تا این لحظه در سومین روز اعتصاب

همچنین مشخص نیست آیا این اقدامات به مرخصی یا آزادی احتمالی سایر شهروندان آمریکایی منجر می‌شود یا نه؟ کاظم غریب آبادی معاون قوه قضائیه جمهوری اسلامی می‌گوید «ممنوعیت سفر باقر نمازی روز چهارشنبه به دلایل بشردوستانه و به دلیل درخواست‌های انجام شده برای معالجه وی در خارج از کشور لغو شد.»

تسنیم می‌نویسد مذاکره برای رفع تحریم‌ها به خاطر عدم تصمیم‌گیری سیاسی آمریکا بدون نتیجه باقی مانده است اما ایالات متحده «مستقل از روند مذاکرات هسته‌ای» پیگیری موضوع آزادی زندانیان خود در ایران و همزمان آزادسازی منابع مسدود شده ارزی ایران در کره جنوبی بود. ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد «ما مراتب قدردانی خود را نسبت به تلاش خستگی‌ناپذیر متحدان و شرکای آمریکا برای کمک به نمازی‌ها، از جمله دبیرکل سازمان ملل، سوئیس، قطر، امارات متحده عربی، عمان و بریتانیا ابراز می‌کنیم.» در این بیانیه اشاره نشده که آیا این تحول مربوط به معامله‌ای با رژیم ایران بوده یا نه؟! او همچنین هیچ اشاره‌ای به آزاد شدن پول‌های بلوکه شدن ایران که جمهوری اسلامی سخت به آن نیاز دارد نکرد.

آزادی نمازی درست در اوج اعتراضات ضدحکومتی در ایران انجام شده است. در همان روزی که در بیش از ۱۲۰ شهر جهان علیه جمهوری اسلامی تظاهرات برگزار شد. شماری معتقدند این اقدام برای جمهوری اسلامی ابزار «جنگ روانی» است تا حداقل اندکی از فشارهای بین‌المللی علیه رژیم را کم کند و یا به مخالفان حکومت چنین واهمود کند که دولت‌های غربی با وجود حمایت‌های لفظی از اعتراضات اما پشت پرده حاضر به معامله‌اند. شماری دیگر نگران‌اند این پول اگر به دست جمهوری اسلامی برسد خرج ادامه سرکوب‌ها می‌شود اما هنوز مشخص نیست آیا این ۷ میلیارد دلار صرفاً اعتبار برای واردات کالاهای ضروری و خدماتی و داروست یا نه و اساساً آیا آزاد شده یا می‌شود!

در دو هفته گذشته بعد از آغاز اعتراضات داخلی در ایران دولت آمریکا نیز به کنگره اعلام کرد که مذاکرات اتمی به بن‌بست رسیده است. همزمان رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر تأکید کرد پرونده تحقیقات در مورد علت وجود آتار اورانیوم در سایت‌های اعلام نشده ایران را نخواهد بست. از همین رو بعید نیست آزادی نمازی و اعلام خبر «توافق آمریکا و ایران» تصمیم اتاق‌های فکر نظام برای فضا سازی با هدف گریز از مجموعه فشارهای داخلی و بین‌المللی باشد. مقامات جمهوری اسلامی در عمل به خاطر آزاد شدن پول‌های بلوکه شده وادار به دادن امتیاز به آمریکا شدند تا شاید فشارهای واشنگتن اندکی کاهش پیدا کند.



تصاویر تعدادی از دانشجویان بازداشت شده

ادامه اعتراضات و تحصن دانشجویان در دانشگاه‌های ایران؛ وزارت علوم: با وساطت دفتر نمایندگی خامنه‌ای چند دانشجو آزاد شدند!

● بر اساس گزارش وبسایت حقوق بشری «هرانا»، هلیا کریم‌نژاد، فاطمه رشیدی ابرغانی و محمدرضا مسعودی دانشجویان دانشگاه‌های خوارزمی، «الزهر» و دانشکده «انقلاب اسلامی»، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

امروز یکشنبه دهم مهرماه ۱۴۰۱، دانشجویان معترض در ده‌ها دانشگاه در سراسر ایران همچنان به اعتراض و تحصن خود ادامه داده‌اند.

همزمان با پانزدهمین روز اعتراضات سراسری در ایران، امروز یکشنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۱، اعتراض و تحصن دانشجویان در دانشگاه‌های شهرهای مختلف نیز همچنان ادامه دارد. طبق گزارش‌های ویدئویی و تصاویر منتشر شده، دانشگاه‌های کرمانشاه، دانشگاه فردوسی مشهد، بابل، شیراز، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، علوم پزشکی کاشان، دانشگاه علم و فرهنگ تهران، دانشکده برق و کامپیوتر دانشگاه خواجه نصیر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه آزاد نجف‌آباد، دانشکده فنی دانشگاه تهران، دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و دانشجویان دانشگاه اصفهان صحنه اعتراض دانشجویان شده‌اند.

آنگونه که کانال خبری شورای صنفی دانشجویان ایران، گزارش می‌کند، معترضان در دانشگاه‌ها، خواهان آزادی دانشجویان بازداشت شده هستند و نسبت به سرکوب گسترده و فراگیر در ایران اعتراض دارند.

دانشجویان دختر و پسر تابلوهای «زن، زندگی، آزادی» در دست دارند و شعار می‌دهند: «ملت چرانشتی، منجی ما تو هستی»، «توپ، تانک، فشفشه، آخوند باید گم بشه»، «آزادی، آزادی، آزادی»، «از مشهد، زاهدان، جانم فدای ایران»، «مرد، میهن، آبادی، زن زندگی، آزادی»، «فکر نکنی امروزه، قرار ما هر روزه»، «می‌کشم می‌کشم، هرآنکه خواهرم کشت».

علاوه بر این، دانشجویان دانشکده مهندسی شیمی و نفت از ساعت ۱۱:۳۰ امروز در محل ورودی دانشکده برای آزادی دانشجویان زندانی تحصن سکوت برگزار کرده‌اند و گفته می‌شود بعضی از اساتید نیز به آنها پیوسته‌اند.

در دانشگاه شیراز نیروهای حراست به سوی دانشجویان حمله‌ور شده‌اند و لباس یک دانشجو را پاره کردند. گزارش‌ها بر این تأکید دارند که حراست از تهیه فیلم و عکس توسط دانشجویان جلوگیری می‌کند.

علی شمسی‌پور سخنگوی وزارت علوم در صفحه توئیتر خود نوشت: «با تلاش وزیر علوم و همکاری دستگاه‌های امنیتی و قضایی اکثر دانشجویان دستگیر شده در ناآرامی‌های اخیر آزاد شدند. راینی‌ها برای آزادی مابقی آنها ادامه دارد».

او همچنین به خبرگزاری ایسنا از تداوم برگزاری حضوری کلاس‌های درس در دانشگاه که از دیروز دوباره برقرار شد، خبر داده و مدعی شده است، «به همین شکل ادامه خواهد یافت». شوراها صنفی دانشجویان کشور از دستگیری دست‌کم

سراسری دانشجویان، اقدام به اعتراض و تحصن کرده‌اند. ویدئوهایی نیز از اعتراض دانشجویان در دانشگاه پارس‌آباد، دانشگاه بیرجند، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه آزاد خوراسگان، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه بابل، دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه آزاد اصفهان، دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه کردستان در فضای مجازی دست به دست می‌شود. دانشگاهیان در اعتراضات امروز شعار می‌دهند: «حیدر حیدر شعارتون، جنایت افتخارتون»، «می‌جنگیم می‌میریم ایران رو پس می‌گیریم»، «خس و خاشاک تویی، لایق این فاک تویی»، «بسیج باید گم بشه، دانشجو آزاد بشه»، «حسین حسین کجایی؟ یزید شده سپاهی»، «شریف شده محاصره اینا میگن مذاکره»، «شریفی با شرافت، پشتتیم تا قیامت»، «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد»، «نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران»، «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «زن، زندگی، آزادی»، «آزادی، آزادی، آزادی»، «اینهمه ظلم و بیداد، مرگ بر این استبداد»، «استادای با غیرت، حمایت حمایت»، «اینهمه لشکر آمده به عشق میهن آمده»، «تا حقمو نگیرم سر کلاس نمیرم» و «دانشجو بیدار است، از ولایت بیزار است».

از سوی دیگر، «انجمن اسلامی دانشگاه شریف» هم امروز بیانیه‌ای در محکومیت یورش به دانشجویان منتشر کرده و آن را «لکه ننگین دیگری بر کارنامه حاکمیت» خواند و نوشت: «ما فاتحه این دانشگاه را خواندیم، ما فاتحه این وزارت علوم را خواندیم، ما فاتحه این دولت را خواندیم».

این انجمن از دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های سراسر ایران خواسته تا به نشانه همبستگی «کلاس‌های خود را تعطیل کنند». در این بیانیه تأکید شده که دانشجویان در هیچ کلاس درسی حاضر نمی‌شوند تا زمانی که پرونده‌های دانشجویان بسته شود و دستگیرشدگان آزاد شوند و خسارت‌ها به آنها جبران و عذرخواهی از آنها صورت بگیرد. «بسیج دانشجویی دانشگاه شریف» نیز بیانیه‌ای علیه وزیر علوم دولت ریسی صادر کرده است. در بخشی از بیانیه آمده است: «جناب آقای وزیر، حضور بی‌ضابطه و رعب‌آور جمعی از نیروهای امنیتی در اطراف دانشگاه صنعتی شریف، صحنه‌هایی تاسف‌آور و نگران‌کننده را رقم زد و بی‌تردید این حضور بی‌مبالات، در دمیده شدن بر آتش تنش در دانشگاه صنعتی شریف نقش داشت».

بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی «شریف» برخوردهای خشن و قهرآمیز با دانشجویان را عمیقاً و قویاً محکوم کرده و خواهان «جلوگیری از تکرار چنین اتفاقات تلخی در فضای دانشگاه شریف و سایر دانشگاه‌های کشور» شده است.

این در حالیست که موج اخراج اساتید «شرکتی» دانشگاهیان از سیستم و بلوچستان با تظاهرات و اعتصابات دانشگاه‌ها شروع شده. وبسایت «رصد» بلوچستان گزارش داده که دانشگاه علوم پزشکی «پهره» با سرپرستی کامران کردی دستور اخراج ۱۰۰ تن از نیروهای شرکتی را داده است.

از تعداد دانشجویان بازداشت شده اطلاع دقیقی وجود ندارد ولی اسامی از سوی کانون‌های مختلف دانشجویی منتشر شده که شامل دانشجویان مفقودشده و همچنین کسانی است که بازداشت‌شان توسط دیگر دانشجویان مشاهده شده است.

فردین نظری دانش‌آموخته کارشناسی گیاهپزشکی دانشگاه گیلان و ساکن اشنویه، آرمین جلالی‌روشن دانشجوی مهندسی کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر، مسعود نیازی دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه خوارزمی، کیان صدراپی دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه خوارزمی، کیان سیروان سلیمانی دانشجوی حقوق دانشگاه خوارزمی، کیان صدراپی دانشجوی حقوق دانشگاه خوارزمی، وحید موسوی، فعال صنفی و دانشجویی سابق دانشگاه شیراز از روز شنبه تا کنون در فهرست بازداشت‌شدگان و گمشدگان قرار دارند.

۱۲ دانشجوی اعتراضات سراسری شنبه نهم مهر خبر داده که ۷ نفر در دانشگاه‌های تهران و ۵ نفر در یزد، ارومیه و گلستان مشغول تحصیل بوده‌اند. بر اساس گزارش وبسایت حقوق بشری «هرانا»، هلیا کریم‌نژاد، فاطمه رشیدی ابرغانی و محمدرضا مسعودی دانشجویان دانشگاه‌های خوارزمی، «الزهر» و دانشکده «انقلاب اسلامی»، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

ایرنا خبرگزاری دولتی، از آزادی ۴ دانشجوی دانشگاه «شریف» (آریامهر) که دوشنبه هفته پیش بازداشت شده بودند خبر داده و نوشته که با پیگیری رئیس دانشگاه و مسئول نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه «ساعاتی پیش» صورت گرفته است. این در حالیست که بازداشت دانشجویان و عدم اطلاع از سرنوشت و محل نگهداری‌شان همچنان ادامه دارد. منابع دانشجویی می‌گویند، پرویز جنگال دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌های خارجه دانشگاه تهران ورودی ۱۴۰۱، اهل سیستان و بلوچستان، روز گذشته در حالی که عازم دانشگاه برای تحویل کارت دانشجویی جدید خود بود، توسط نیروهای امنیتی به اجبار او را سوار ماشین سمند پلیس آگاهی کرده و به مکانی نامعلوم منتقل کرده‌اند.

بر مبنای همین گزارش‌ها، شامگاه دیشب نیروهای امنیتی در منزل محمدحسین شهابی مجد دانشجوی رشته تخصصی بیماری‌های داخلی دانشگاه علوم پزشکی ایران و رزیدنت ارشد بیمارستان «رسول» تهران، حاضر شدند تا او را بازداشت کنند. این اقدام منجر به وخامت حال جسمی وی شده و با انتقال وی به بیمارستان «رسول اکرم» هم‌اکنون با حضور مامورین امنیتی در اورژانس این بیمارستان بستری است.

علاوه بر این، مهدی ابوالقاسم‌بیگی دانشجوی کارشناسی پلیمر دانشگاه تهران ورودی ۹۸ مفقود شده و هیچ تماسی از جانب وی صورت نگرفته است. باوان لطفی اهل مهاباد و دانشجوی کارشناسی نقاشی دانشگاه ارومیه ورودی ۹۷ در تاریخ ۲۹ شهریور توسط نیروهای امنیتی ربوده شده و تا این لحظه از وضعیت وی و نهاد بازداشت‌کننده او اطلاعی در دسترس نیست. طبق اعلام منابع خبری دانشجویی، علی داعی ناصری دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات جوانان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در تاریخ سوم مهرماه درون کوی دانشگاه بازداشت شده و از آن تاریخ در بازداشتگاه اوین بسر می‌برد.

علی شوروی دانشجوی کارشناسی ریاضی دانشگاه تهران نیز در جریان اعتراضات ۹ مهرماه دانشگاه تهران، حدود ساعت ۴ عصر توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. مانده امیرسیافی دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه تهران ورودی ۹۹ عصر دیروز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. همچنین سارا نادری دانشجوی اقتصاد دانشگاه تهران ورودی ۹۹ و عضو شورای صنفی دانشکده اقتصاد، امروز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

تلفات سرکوبگران در اعتراضات سراسری؛ به خط کردن آخوندها و بچه‌ها برای جبران ریزش و کمبود نیرو!



عیادت فرمانده سپاه «کربلا» مازندران و مسئول دفتر نمایندگی علی خامنه‌ای در سپاه کربلا از بسیجی‌ها در بیمارستان

کمبود نیروی سرکوبگر در برخی شهرها آنقدر زیاد شده که سالمندان حامی رژیم را با چوب و دسته بیل به خط کردند اما خبری از آخوندها نیست!

گزارش‌های رسیده حاکیست تعداد نیروهای مجروح سپاه پاسداران و بسیج در تهران زیاد است بطوری که بیمارستان‌های «ولیعصر» و «سجاد» متعلق به نیروی انتظامی و «بقیه‌الله» متعلق به سپاه پاسداران با کمبود تخت اورژانس مواجه شده‌اند. وقتی تلفات بین نیروهای به اصطلاح آموزش دیده رزمی زیاد باشد بدیهی است حضور میدانی طلاب و آخوندهایی که هیچ کاری بلد نیستند جز اینکه در حوزه‌ها قرآن و حدیث بخوانند، تلفات سرکوبگران را بیشتر خواهد کرد. از همین رو شمار کشته و زخمی آنها زیاد شده است!

بر اساس گزارش منابع حوزوی تعدادی از طلاب و آخوندها در کنار بسیجی‌ها در سرکوب مردم حضور داشتند اما متوجه شدند که اوضاع‌شان وخیم است.

یکی از آنها که از ناحیه پا مصدوم شده می‌گوید در قم با سنگ و نارنجک دستی به پایگاه بسیج «امامزاده معصومه» حمله کردند. به گفته یک آخوند بسیجی که در مهلهک حضور داشت وضعیت آنقدر وحشتناک بود که بسیجی‌های داخل پایگاه وصیتنامه نوشتند!

حجت‌الاسلام محمدعلی کارخانه امام جماعت مسجد «الهادی» در محله هرنندی در جنوب تهران که برای همکاری با بسیج در سرکوب اعتراضات به خیابان «پیروزی» تهران رفته بود از ناحیه جمجمه آسیب دید و به کما فرو رفت. بعلا گفته شد که پس از عمل جراحی از کما خارج شده است. در وبسایت «حوزه» آمده برادر این آخوند در اعتراضات سال ۸۸ حضور داشته و «جانباز» شده است!

اکنون دو هفته از آغاز اعتراضات سراسری در ایران پس از قتل حکومتی مهسا امینی توسط گشت ارشاد اسلامی گذشته است. بر اساس منابع غیررسمی نزدیک ۹۰ نفر از مردم در شهرهای مختلف جان باختند. هنوز تعداد دقیقی از بازداشت‌ها و زخمی‌ها منتشر نشده است. اما با وجود سرکوب‌ها و تهدیدات اعتراضات همچنان ادامه دارد آنهم در حالی که همزمان پشتیبانی‌های بین‌المللی نیز بیش از پیش گسترده می‌شود.

راه انداخته‌اند و در بیمارستان‌ها سراغ مجروحان می‌روند و دستی به سر و گوش آنها می‌کشند. فرماندهان بلندپایه نظامی و انتظامی نیز تلفنی با خانواده مأمورانی که در خیابان کشته شده‌اند صحبت می‌کنند و آنها را دلداری می‌دهند.

کمبود نیرو و تلفات به یک مشکل اساسی برای نظام تبدیل شده به ویژه آنکه در بالاترین رده‌های نظام نیز همچنان در مورد به خیابان آوردن ارتشی‌ها تردید جدی وجود دارد زیرا چه خمینی و چه علی خامنه‌ای هرگز به ارتش اعتماد نداشتند و به همین دلیل نیز نهاد نامتعارف و موازی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شکل گرفت تا «تنها نیروی حافظ انقلاب اسلامی» باشد.

حالا اما در شرایطی که با تظاهرات گسترده مردم در شهرهای مختلف رژیم با کمبود نیرو روبرو شده، برای آنکه تعداد بیشتری از آخوندها را به همکاری با بسیج همکاری ترغیب کند تبلیغات لازم است. در همین ارتباط معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم پنجشنبه هفتم مهرماه همایش «نقش مبلغان در دفاع مقدس» (دوران جنگ ایران و عراق) را برگزار کرد و شماری از آخوندهایی که در نیروهای مسلح مسئولیت دارند برای نظامی‌ها سخنرانی کردند.

عباس محمدحسینی نماینده علی خامنه‌ای در ارتش جمهوری اسلامی در این همایش هشدار داد «دشمنان قصد تجزیه ایران را دارند و قوای نظامی و مبلغان باید خود را آماده مقابله با حربه‌های نو و مکرهای دشمنان نمایند.»

رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش طرح این مسئله را که آخوندها در شرایط سخت کجا هستند از «نقشه‌های راهبردی دشمن» خوانده و می‌گوید: «قشر روحانیت با پیشگامی و طلایه‌داری در گردان و لشکرها، علاوه بر وظیفه تبلیغی خود و پاسخ به شبهات، با فعالیت‌های رزمی و فرماندهی بخشی از قسمت‌های جنگ توانستند همدلی رزمندگان با یکدیگر را رقم بزنند.»

محمدحسینی در اظهارات دوپهلوی عدم حضور آخوندها در کف خیابان را «حربه دشمن برای تغییر در آرایش جنگ» خوانده و گفته است «آنها به دنبال ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌باشند.»

● با بالا رفتن تعداد تلفات نیروهای امنیتی استانداران و فرمانداران و همچنین مقامات محلی برای روحیه دادن به مأموران سرکوب وارد میدان شده و «کارزار عیادت» راه انداخته‌اند و در بیمارستان‌ها به سراغ مجروحان می‌روند و دستی به سر و گوش آنها می‌کشند.

● رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش طرح این مسئله را که آخوندها در شرایط سخت کجا هستند از «نقشه‌های راهبردی دشمن» خوانده و می‌گوید: «قشر روحانیت با پیشگامی و طلایه‌داری در گردان و لشکرها، علاوه بر وظیفه تبلیغی خود و پاسخ به شبهات، با فعالیت‌های رزمی و فرماندهی بخشی از قسمت‌های جنگ توانستند همدلی رزمندگان با یکدیگر را رقم بزنند.»

● گزارش‌های رسیده حاکیست تعداد نیروهای مجروح سپاه و بسیج در تهران زیاد است بطوری که بیمارستان‌های «ولیعصر» و «سجاد» متعلق به نیروی انتظامی و «بقیه‌الله» متعلق به سپاه پاسداران با کمبود تخت اورژانس مواجه شده‌اند.

● یکی از آخوندهای سرکوبگر که از ناحیه پا مصدوم شده می‌گوید در قم با سنگ و نارنجک دستی به پایگاه بسیج «امامزاده معصومه» حمله کردند. به گفته یک آخوند بسیجی که در مهلهک حضور داشت وضعیت آنقدر وحشتناک بود که بسیجی‌های داخل پایگاه وصیتنامه نوشتند!

دو هفته پس از آغاز اعتراضات ضدحکومتی در ایران خستگی نیروهای امنیتی برای جمهوری اسلامی به یک نگرانی جدی تبدیل شده است. کمبود نیروی سرکوب به جایی رسیده که حکومت مجبور شده برای جبران آن آخوندها را به خط کند و در بعضی شهرستان‌ها چماق را به بدست نوجوانان و کودکان زیر سن قانونی بپردازد. همین موضوع نیز تلفات میان نیروی سرکوبگر را افزایش داده است.

تلفات نیروهای امنیتی طی دو هفته اعتراضات مردمی زیاد بود. سردار پاسدار حسن‌زاده فرمانده «سپاه محمد رسول الله» تهران مدعی شده «۱۸۵ نفر از بسیجی‌ها و پاسدارها با قمه و چاقو مورد حمله قرار دادند و حتی جمجمه یکی از بسیجیان را شکستند.» او همچنین گفته «پنج نفر از بسیجیان الان در آی.سی.یو هستند.»

معاون سیاسی امنیتی استاندار مازندران نیز خبر داد در روزهای اخیر ۷۶ نفر عوامل نیروی انتظامی و بسیج مصدوم شدند و «شمار زیادی موتورسیکلت و ماشین متعلق به نهادهای نظامی آتش زده شد.»

محمد مهدی اعلائی استاندار قزوین می‌گوید «۸۰ درصد آسیب‌دیدگان اغتشاشات اخیر از عوامل انتظامی و بسیجی هستند که در بیمارستان‌ها به علت برخورد سنگ، جراحت به وسیله چاقو و آسیب دیدگی توسط سلاح‌های سرد بستری هستند.»

بر اساس گزارش‌های غیررسمی تا کنون بین ۱۰ تا ۱۵ نفر از سرکوبگران در این اعتراضات کشته شدند.

با بالا رفتن تعداد تلفات نیروهای امنیتی استانداران و فرمانداران و همچنین مقامات محلی برای روحیه دادن به نیروهای سرکوب وارد میدان شده و «کارزار عیادت»

اختصاصی فاکس نیوز؛

کنگره آمریکا موضوع ارتباط استاد کالج اوبرلین با رژیم ایران را بررسی می کند



این مسئله از چهل کورکورانه این کالج نشأت می گیرد. در بدترین حالت، اوبرلین بجای رد مداخله دولت های خارجی، پناهگاه آکادمیک مردی شده که منافع وی با تروریست ها همسو است. ما مشتاقانه منتظر پاسخ آنها به این سوالات هستیم.»

در این نامه از کالج اوبرلین خواسته شده ظرف دو هفته آینده اطلاعات زیر را ارائه کند: سرفصل دروس مورد تدریس محلاتی و اینکه آیا کالج اوبرلین «هیچگونه کمک نقدی یا غیرنقدی از جمهوری اسلامی ایران، افراد، و یا نهادهای مرتبط با جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده است یا خیر.»

تحقیقات در مورد محلاتی به دنبال پاسخ این سوال است که «روند بررسی کالج اوبرلین برای استخدام اعضای هیات علمی چیست؟ آیا فرآیندهای جانبی برای کسانی که ارتباط نزدیک با رژیم های خارجی متخاصم دارند وجود دارد؟ از آنجا که قبلا چنین پستی در دانشکده وجود نداشته، منبع تامین اعتبار برای سمت آقای محلاتی چیست؟»

بنکس و فاکس همچنین «کلیه اسناد و صورت حساب های مربوط به کرسی استادی» او را درخواست کرده اند.

سری آخر سوالات این است: «چه چیز منجر به استخدام آقای محلاتی در اوبرلین در سال ۲۰۰۷ شد؟ شرایط و ضوابط استخدام آقای محلاتی در اوبرلین چه بود؟»

پیش از اتهامات مبنی بر نقش کلیدی محلاتی در سرپوش گذاری بر کشتار جمعی ایرانیان، این استاد علوم اسلامی «استاد صلح» لقب گرفته بود. منتقدان ایرانی- آمریکایی او را «قصاب اوبرلین» می نامند.

فاکس نیز سوالات مطبوعاتی را به رئیس کالج اوبرلین، خانم امبار، و بخش ارتباطات ارسال کرده است.

به گزارش فاکس نیوز آنلاین، در نامه کنگره به حمایت محلاتی از فتوی رژیم ایران برای ترور نویسنده سلمان رشدی نیز اشاره شده است.

رژیم ایران این فتوا را به دلیل بی احترامی رشدی به پیامبر اسلام صادر کرده بود. در ماه اوت، مرد ۲۴ ساله ای به نام هادی مطر که در شبکه های اجتماعی نظرات مثبتی در مورد جمهوری اسلامی منتشر کرده، در حین سخنرانی سلمان رشدی در چاتاکوای نیویورک، با چاقو به گردن و کبد او ضرباتی وارد کرد.

فاکس نیز برای اظهار نظر در این رابطه با وزارت خارجه آمریکا و محلاتی نیز تماس گرفته است.

نیوز دیجیتال گفت: «در همین ماه اوبرلین مجبور شد به جرم بدنام کردن یک نانوائی محلی به اتهام نادرست نژادپرستی، ۳۶ میلیون دلار غرامت بپردازد. اوبرلین سابقه عدم صداقت با انگیزه سیاسی دارد و نمی توان به ارزیابی صادقانه آنها از گذشته محلاتی اعتماد کرد. نگرانی های ما ارتباطی با آزادی آکادمیک یا دیدگاه های نامتعارف ندارد؛ بلکه در مورد گذشته محلاتی و نقش آشکار او در سرپوش گذاری بر جنایات رژیم ایران است. مایلیم از عضو عالی رتبه کمیته، خانم فاکس، به واسطه تعهدش به تحقیق در مورد ارتباط مراکز آموزش عالی با رژیم های خارجی متخاصم تشکر کنم.»

در نامه کنگره آمده است: «ارتباطات آقای محلاتی با یکی از دشمنان اصلی آمریکا بر همه آشکار است. درواغ آقای محلاتی از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد فعالیت می کرده است. در دوران تصدی وی، دولت ایران یک کشتار سیستماتیک انجام داد. در حالی که تخمین ها در مورد تعداد کشته شدگان متفاوت است، دیده بان حقوق بشر تخمین می زند که بین ۲۸۰۰ تا ۴۵۰۰ نفر قتل عام شده اند. غو بین الملل، دیده بان حقوق بشر و پارلمان کانادا این کشتار دستجمعی را جنایت علیه بشریت اعلام کرده اند.»

محلاتی کشتار سال ۱۹۸۸ را «تبلیغات» و «اطلاعات جعلی» خواند و آن را رد کرد.

دکتر منصور فرهنگ استاد علوم سیاسی کالج بنینگتون و اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، در روزنامه دانشجویی اوبرلین ریویو به تاریخ ۲۳ سپتامبر از محلاتی به عنوان «عامل حکومت دینی توتالیتر ایران» که از به رسمیت شناختن قتل عام زندانیان سیاسی بی گناه ایرانی به دست رژیم آخوندی در سال ۱۹۸۸ امتناع می کند انتقاد کرد.

منصور فرهنگ از مخالفان جمهوری اسلامی است و در سال ۱۹۸۰، به دلیل امتناع بنیانگذار جمهوری اسلامی، روح الله خمینی، از آزادی گروگان های سفارت آمریکا، از مقام خود استعفا داد.

ویرجینیا فاکس نماینده کنگره به فاکس نیوز گفت: «کالج اوبرلین در برج عاج خود و ناآگاه از واقعیت است. عدم تمایل سرسختانه این کالج به محکوم کردن روابط محمد محلاتی با رژیم منحوس ایران نگرانی های جدی را در مورد امنیت ملی و آرمان های موسسه ای که میلیون ها دلار از مالیات دهندگان آمریکایی دریافت می کند به وجود آورده است. در بهترین حالت،

● نامه ای به کالج اوبرلین ارسال شده که خواستار پاسخگویی در مورد «نقش مهم استاد این کالج در سرپوش گذاری بر جنایات رژیم ایران» است.

● در این نامه از کالج اوبرلین خواسته شده ظرف دو هفته آینده اطلاعات زیر را ارائه کند: سرفصل دروس مورد تدریس محلاتی و اینکه آیا کالج اوبرلین «هیچگونه کمک نقدی یا غیرنقدی از جمهوری اسلامی ایران، افراد، و یا نهادهای مرتبط با جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده است یا خیر.»

● سری آخر سوالات این است: «چه چیز منجر به استخدام آقای محلاتی در اوبرلین در سال ۲۰۰۷ شد؟ شرایط و ضوابط استخدام آقای محلاتی در اوبرلین چه بود؟»

بنجامن وایتال (فاکس نیوز) - فاکس نیوز آنلاین به صورت اختصاصی گزارش داده است که دو قانونگذار جمهوریخواه از کمیته آموزش و کار در روز چهارشنبه ۲۸ سپتامبر خواستار تحقیق درباره محمدجعفر محلاتی استاد مطالعات دینی کالج اوبرلین شده اند که متهم به ارتباط با بدترین دولت حامی تروریسم در جهان، یعنی جمهوری اسلامی ایران بوده و در سرپوش گذاری بر قتل عام بیش از ۵۰۰۰ زندانی سیاسی ایرانی نقش داشته است.

نمایندگان کمیته ملی جمهوریخواهان، جیم بنکس و ویرجینیا فاکس، در نامه ای به رئیس کالج اوبرلین، کارمن تولی آمبار و هیئت امنای اوبرلین نوشتند: «ارتباط فعلی آقای محلاتی و وفاداری علنی او به رژیم ایران باعث نگرانی های جدی درباره امنیت ملی شده و همچنین گزارش اوبرلین از بودجه خارجی را زیر سوال می برد؛ هرگونه جرح و تعدیل در این گزارش ناقض بند ۱۱۷ قانون آموزش عالی است.»

این نامه سه صفحه ای در اختیار فاکس نیوز آنلاین قرار گرفته است. بر اساس این نامه، این پرسش ها مطرح است: «آیا رژیم ایران در استخدام این فرد [محلاتی] در اوبرلین نقشی ایفا کرده؟ آیا دلارهای مالیات دهندگان فدرال باید در اختیار دانشکده ای قرار گیرد که برای حفاظت و دفاع از یک فرد وابسته به رژیم ایران تا این حد تلاش می کند؟»

پس از تجربه شکست قانونی تحقیق آمیز کالج اوبرلین در برابر نانوائی محلی کیسوسن به اتهام نژادپرستی، تحقیقات اعضای کنگره مدیریت این کالج را دچار دررسر جدیدی کرده است. جیم بنکس رئیس کمیته مطالعات جمهوریخواهان، به فاکس



دو سرهنگ نیروی انتظامی مقابل مدرسه دخترانه می‌خواهند آنها را آرام کنند!

اینهمه «سرهنگ» در خیابان چه می‌کنند؟! کمبود نیرو یا پاسداران در لباس پلیس!؟

با کمبود نیرو مواجه شده. تعداد سربازانی که از خدمت گریخته‌اند زیاد است. افسران میدانی و یگان ویژه دو هفته در خیابان مانده‌اند و حالا رمق ندارند. مجبورند افسران ارشد و عالی را به میدان بفرستند. بعضی از آنها با لباس فرم هستند بعضی اما ترجیح می‌دهند یا دستور می‌گیرند لباس شخصی تن‌شان باشد.

در مورد ریزش نیروهای امنیتی طی دو هفته گذشته استناد عمدتاً بر منابع غیررسمی است اما کمبود نیرو در «ناجا» موضوعی است که بطور رسمی مقامات جمهوری اسلامی بر آن تأکید کرده‌اند. ابوالفضل حسن بیگی عضو کمیسیون امنیت مجلس ۱۸ مرداد ۹۸ گفته بود نیروی انتظامی با کمبود ۵۰ هزار نیرو روبروست.

حسین اشتری فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی نیز در سال ۱۳۹۸ گفته بود «در تمام دنیا به ازای هر هزار نفر ۵ تا ۸ پلیس باید وجود داشته ولی ما در ایران کمتر از ۳ نفر داریم البته ما سعی کردیم با تجهیزات و امکانات این خلاء را پر کنیم ولی خب برای تأمین تجهیزات و امکانات هم یکسری مشکلات داریم.» او در جریان اعتراضات اخیر نیز برای روحیه دادن به نیروهای میدانی به جمع آنها رفت و گفت برای پاسداری از نظام به کاری که می‌کنید «یک ذره شک نکنید!»

یک منبع نظامی دیگر در گفتگو با کیهان لندن تأیید می‌کند که کمبود نیرو باعث شده سرگردها و سرهنگ‌های رژیم را کف خیابان بفرستند. این منبع اما این نکته را نیز می‌افزاید که «بعضی نیروهای سپاه پاسداران نیز لباس فرم نیروی انتظامی به تن کرده‌اند و برای اینکه همدیگر را شناسایی کنند از درجه سرهنگ استفاده می‌کنند!»

در حالی که به نظر نمی‌رسد اعتراضات مردم که همه گروه‌های اجتماعی را در بر گرفته و نیروی جوانان و نوجوانان آن را به پیش می‌برد با تهدید و سرکوب از خیابان‌ها «جمع» شود، نیروی انتظامی در روزهای اخیر توانسته فقط یک میلیون تومان به عنوان پاداش به حساب پرسنل خود واریز کند تا جایزه آنها برای سرکوب مردم باشد! مردمی که فرزندان و فامیل همین نیروها نیز در میان آنها هستند! پاداش یک میلیون تومانی سبب شده برخی پرسنل نیروی انتظامی که شاید انگیزه مالی داشتند، این انگیزه را نیز برای سرکوب مردم از دست بدهند.

است. همچنین تصویری از یک «سرهنگ دوم» بر ترک موتورسیکلت منتشر شده که اسلحه به دست به مأموریت خیابانی رفته آنها درحالی که پای راستش گچ گرفته و آتل‌بندی شده است.

در این میان، روز دوشنبه ۱۱ مهرماه اعتراضات ضدحکومتی در ایران وارد مرحله‌ای بی‌نظیر و شگفت‌انگیز شد: مدارس دخترانه به صحنه‌ی اعتراضاتی منحصر به فرد تبدیل شد. دانش‌آموزان در محوطه مدرسه و بیرون از آن مقنعه از سر برداشتند و بعضی‌ها آن را آتش زدند و بطور هماهنگ تصاویر خامنه‌ای و خمینی را از کتاب‌هایشان پاره کرده و قاب عکس خمینی و خامنه‌ای را از بالای تخته‌ها پایین کشیدند و زیر پا شکستند. از این اعتراضات تصاویر و ویدئوهای زیادی منتشر شده و می‌شود اما یکی از آنها سوژه کاربران در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته که مربوط به دو سرهنگ نیروهای انتظامی است.

تعدادی از کاربران نوشته‌اند در حالی که مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند در اوج اقتدار و قدرت قرار دارند وضعیت حکومت چنان وخیم شده که برای متفرق کردن بچه مدرسه‌ای‌ها دو سرهنگ با آن یال و کوپال و قپه به خط شدند تا بچه‌ها را ساکت کنند!

آنطور که در ویدئوها دیده می‌شود، افسران نیروی انتظامی با درجه سرهنگ دوم یا سرهنگ تمام با اضافه‌وزن به دنبال مقابله با مردم هستند! طبیعی است که ورزیده نبودن بدن آنها در موقعیت‌های دشوار تلفات آنها را در خیابان بیشتر می‌کند. سرهنگ دوم داوود عبداللّهی فرمانده یگان امداد انتظامی می‌رساند یکی از همین نیروهاست که در جریان اعتراضات کشته شد.

از سوی دیگر بسیاری از این افراد توسط مردم گوشمالی داده می‌شوند. یکی از افسرانی که گوشمالی او توسط مردم بازتاب زیادی پیدا کرد سرهنگ قلی‌پور است که معترضان در قزوین او را به خاطر فرماندهی سرکوب‌ها تنبیه کردند. و اما چرا تعداد افسران میدانی با درجه‌های بالا که می‌بایست در مقام به اصطلاح فرماندهی، سرکوب مردم را سازماندهی کنند، در کف خیابان زیادتر از همیشه شده است و چماق و اسلحه به دست به دنبال معترضان افتاده‌اند؟!

منبعی در نیروی انتظامی به کیهان لندن می‌گوید «ناجا

حضور افسرانی با درجه سرهنگی برای سرکوب اعتراضات توجه ناظران مسائل ایران را به خود جلب کرده است. تعدادی از کاربران نوشته‌اند در حالی که مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند در اوج اقتدار و قدرت قرار دارند ولی وضعیت حکومت چنان وخیم شده که برای متفرق کردن بچه مدرسه‌ای‌ها دو سرهنگ با آن یال و کوپال و قپه به خط شدند تا بچه‌ها را ساکت کنند!

آنطور که در ویدئوها دیده می‌شود، افسران نیروی انتظامی با درجه سرهنگ دوم یا سرهنگ تمام با اضافه‌وزن به دنبال مقابله با مردم هستند! طبیعی است که ورزیده نبودن بدن آنها در موقعیت‌های دشوار تلفات آنها را در خیابان بیشتر می‌کند.

منبعی در نیروی انتظامی به کیهان لندن می‌گوید «ناجا با کمبود نیرو مواجه شده. تعداد سربازانی که از خدمت گریخته‌اند زیاد است. افسران میدانی و یگان ویژه دو هفته در خیابان مانده و رمق ندارند. مجبورند افسران ارشد و عالی را به میدان بفرستند. بعضی از آنها با لباس فرم هستند بعضی اما ترجیح می‌دهند یا دستور می‌گیرند لباس شخصی تن‌شان باشد.»

یک منبع نظامی دیگر در گفتگو با کیهان لندن تأیید می‌کند که کمبود نیرو باعث شده سرگردها و سرهنگ‌های رژیم را کف خیابان بفرستند. این منبع اما این نکته را نیز می‌افزاید که «بعضی نیروهای سپاه پاسداران نیز لباس فرم نیروی انتظامی به تن کرده‌اند و برای اینکه همدیگر را شناسایی کنند از درجه سرهنگ استفاده می‌کنند!»

گزارش‌های دریافتی از ایران حاکیست در حالی که اعتراضات سراسری در کشور سومین هفته را می‌گذرانند، این روزها شمار افسران «ارشد» نیروی انتظامی که در خیابان‌ها برای سرکوب مردم در مقابل آنها می‌ایستند بیشتر از هفته اول شده است. افسرانی با درجه سرگردی و سرهنگی و به قول نظامی‌ها «فپه‌دار» که از نظر سازمانی در رده افسران ارشد قرار می‌گیرند اما حالا مثل یک سرباز یا درجه‌دار ساده مجبورند کف خیابان چماق به دست بگیرند و یا حتی اسلحه در دست به سوی مردم شلیک کنند.

با آغاز دوره تازه اعتراضات از ۲۶ شهریورماه پس از قتل حکومتی مهسا امینی، ویدئوهای زیادی از گوشمالی افسران سن و سال‌دار کف خیابان توسط معترضان منتشر شده

معتقدیم شیوهی تصمیم‌گیری در خصوص مدیریت اینترنت، ضربه‌ای بازگشت‌ناپذیر بر پیکره اقتصاد دیجیتال وارد می‌کند، مختصر امید باقی‌مانده در بین متخصصان را از بین می‌برد و مسیر مهاجرت نخبگان کشور را هموارتر می‌سازد.» رضا الفت نسب عضو اصلی هیئت مدیره انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی نیز گفته «اینکه مسئولان پس از بحران کنونی این موضوع را روشن نمی‌کنند که روند قطعی پلتفرم‌ها ادامه‌دار خواهد بود یا خیر، وضعیت را برای کسب و کارهای اینترنتی نگران‌کننده کرده است.»

الفت‌نسب با اشاره به ادامه این وضعیت هشدار داد که با توجه به این که امروزه کسب و کارهای زیادی بر بستر اینستاگرام شکل گرفته، «فیلتر شدن و قطعی آن افراد شاغل در این بخش را از حیز انتفاع ساقط کرده و درآمدهای این افراد را قطع خواهد کرد.»

اما قطعی اینترنت فقط محدود به این دو پلتفرم نبود و علاوه بر این‌ها اپلیکیشن‌های لینکدین، گوگل‌پلی و اپ‌استور، همچنین سایت استارلینک هم در ایران فیلتر شده‌اند. خسارت‌های ناشی از قطعی اینترنت هم فقط محدود به کسب‌وکارهای اینستاگرامی نخواهد بود. با این وجود وزیر کشور در گفت‌وگو با صدا و سیما درباره ادامه پیدا کردن این محدودیت‌ها گفت: «اغتتاشگران موجب اعمال چنین محدودیت‌هایی می‌شوند. طبیعتاً اگر دستگاه امنیتی و اطلاعاتی مطمئن شوند که دیگر چنین موقعیتی نیست، این محدودیت‌ها برداشته می‌شوند.»

ابراهیم رئیسی که یکی از مهمترین وعده‌های انتخاباتی‌اش در زمینه تجارت، حمایت از کسب‌وکارهای آنلاین بود طی دو هفته گذشته درباره تهدید جدیدی درآمد میلیون‌ها نفر با فیلتر شبکه‌های اجتماعی سکوت کرده و عیسی زارع پور از تقویت و توسعه پیام‌رسان‌های بومی برای کسب و کارهای اینترنتی خبر داده است. وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی افزوده که مردم کسب‌وکارهای خود را از پلتفرم‌های خارجی به پلتفرم‌های ایرانی منتقل کنند.

روزنامه سازندگی چاپ تهران، روز پنج‌شنبه هفتم مهر، با اشاره به اظهارات اخیر عیسی زارع‌پور، وزیر ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات جمهوری اسلامی نوشت: «تجربه شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام، توئیتر و یوتیوب نشان می‌دهد فیلتر کردن دائمی است و احتمال برداشتن محدودیت تقریباً نزدیک به صفر.»

اتفاقی که طی روزهای گذشته با فیلترینگ اینستاگرام و واتساپ و دیگر پلتفرم‌ها برای کسب و کارهای آنلاین پیش آمده، یکبار دیگر با فیلترینگ تلگرام در سال ۹۸ تکرار شده بود. بسیاری از کسب و کارها در تلگرام فعالیت داشتند اما این خبرسان در سال ۹۸ بطور موقت و بعد در بهار ۹۷ برای همیشه فیلتر شد. آزمون هم‌زمان زبان‌هنگفتی به کسب و کار مردم وارد شد و بسیاری از آنها به اینستاگرام و واتساپ کوچ کردند. اکنون فیلتر اینستاگرام سبب شده نزدیک به ۶ میلیون کاربر ایرانی که در واتساپ فعال بودند به تلگرام بازگردند. رسانه‌های داخلی در اینبار گزارش می‌دهند با توجه به فیلترینگ شدید واتساپ که حتی با فیلترشکن نیز به درستی کار نمی‌کند، پیام‌رسان تلگرام با فیلترشکن و پروکسی‌های خودکار نسخه‌های غیررسمی به راحتی وصل می‌شوند و به همین دلیل شماری از کاربران ایرانی که قبلاً از تلگرام به واتساپ کوچ کرده بودند، دوباره به تلگرام بازگشتند.

جمهوری اسلامی با از بین بردن درآمد میلیون‌ها نفر با فیلتر اینستاگرام و واتساپ، آنها را به جمعیت معترض کشور افزوده است. نداشتن درآمد و از بین رفتن کسب و کار، انگیزه شرکت در اعتراضات برای رهایی از تباهی جمهوری اسلامی را در این افراد نیز افزایش خواهد داد.

جمهوری اسلامی بر جمعیت معترضان می‌افزاید؛ زیان هنگفت صدها هزار کسب و کار و بیکاری میلیون‌ها نفر با فیلتر اینستاگرام و واتساپ



هستند که ۱۱۳ هزار فروشگاه در زمینه پوشاک، ۷۳ هزار فروشگاه غذایی، ۴۲ هزار آرایشی و بهداشتی، ۳۸ هزار فروشگاه اکسسوری، ۳۲ هزار فروشگاه کیف و کفش، ۲۶ هزار وسائل خانگی و ۸ هزار و ۵۰۰ فروشگاه کالای دیجیتال هستند. وبسایت «اعتماد آنلاین» روز گذشته در گزارشی نوشت که در اینستاگرام، پلتفرم آنلاین اشتراک‌گذاری عکس و ویدیو، ۷/۱ میلیون کسب و کار کوچک در حال فعالیت‌اند. این عدد را مقایسه کنید با نزدیک به ۲۰۰ هزار شغل مستقیم که توسط صنعت خودرو در ایران ایجاد شده است. کسب و کارهای اینترنتی با حداقل سرمایه کاری کرده‌اند که دیگر نیازی به بودجه‌های کلان برای ایجاد شغل نیست. فقط با ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان می‌شود یک کسب و کار در پلتفرم‌های آنلاین ایجاد کرد؛ در حالی که این رقم برای یک شغل صنعتی نزدیک به ۴/۱ میلیارد تومان است.»

آمارهای ارائه شده نشان از گردش مالی ۱۸ تا ۳۲ هزار میلیارد تومانی بازار کسب‌وکارهای اینترنتی در ایران دارد. در چنین شرایطی قطع اینترنت از حدود دو هفته پیش تا کنون زیان گسترده‌ای به این کسب‌وکارها وارد کرده است. انجمن تجارت الکترونیک تهران نیز امروز پنجشنبه ۷ مهر ۱۴۰۱ با صدور بیانیه‌ای نوشته که «محدودسازی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، خسارت‌های سنگینی را به کسب‌وکارها و بخصوص کسب‌وکارهای کوچک و خانگی وارد می‌سازد. قطع دسترسی به اینستاگرام، صدها هزار کسب‌وکار را با خطر نابودی مواجه ساخته و امرار معاش بیشتر از یک میلیون نفر را با مشکلات جدی همراه کرده است.»

در این بیانیه تأکید شده است: «فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی، برخورد قهری با کاربران این فضا و دهه‌ها تصمیم اشتباه دیگر، نه تنها تیشه به ریشه‌ی تجارت الکترونیک کشور زده، که این‌بار موجی از نارضایتی را در بین پرسنل شرکت‌ها و کسب‌وکارهای فناوری پدید آورده و باعث اعتصاب بخشی از کارکنان این شرکت‌ها شده است. ما

● درآمد حدود ۱۱ میلیون در کشور بطور مستقیم و غیرمستقیم به تجارت آنلاین وابسته است و از این تعداد، حدود ۹ میلیون نفر یعنی ۸۳ درصد از طریق اینستاگرام در حال کسب درآمد هستند.

● سهم تجارت آنلاین از ۳/۱ درصد کل تجارت کشور در سال ۱۳۹۶ به پنج درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. با گذشت ۱۳ روز از اعتراضات سراسری، قطع و اختلال در اینترنت ادامه دارد و استفاده از اپلیکیشن‌های فیلترشده تلگرام و واتساپ برای شمار زیادی از کاربران در ایران مقدور نبوده یا با دشواری همراه است. فعالان کسب و کارهای اینترنتی از زیان هنگفت در این بخش و تهدید درآمد ۱۱ میلیون نفر از جمعیت کشور خبر می‌دهند.

با آغاز اعتراضات سراسری که از ۲۶ شهریور و با قتل حکومتی مهسا امینی به دست مأموران گشت ارشاد، مانند روال اعتراضات پیشین، یکی از نخستین ابزارهای سرکوب و به خانه راندن معترضان قطع اینترنت بود. اینترنت موبایل در روزهای گذشته در بیشترین ساعات شبانه‌روز قطع بوده و اینترنت خانگی نیز با کاهش شدید سرعت و اختلال روبرو شده است. جمهوری اسلامی همچنین اینستاگرام، واتساپ، لینکدین، گوگل‌پلی و اپ‌استور را فیلتر کرده است.

فیلتر برنامه‌های اینستاگرام، واتساپ، گوگل‌پلی و اپ‌استور با توجه به فعالیت کسب و کارهای دیجیتال در ایران در این پلتفرم‌ها، زیان گسترده‌ای برجای گذاشته است. اکنون یکی از اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی در ایران می‌گوید زندگی یازده میلیون نفر در کشور کاملاً به اینستاگرام وابسته است و فیلترینگ دائمی این شبکه آنها را از «ساقط» می‌کند.

کسب و کار دیجیتال طی سال‌های گذشته در ایران نیز با گسترش زیادی همراه بوده. بسیاری از کسب و کارها بجز وبسایت‌ها، از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها نیز برای برقراری ارتباط با مشتریان، شناخت بازار هدف برای فروش، آگاهی از فعالیت‌های رقیبان، جذب مشتری، بازاریابی و فروش استفاده می‌کنند.

بر اساس آمارهای تجاری، سهم تجارت آنلاین از ۳/۱ درصد کل تجارت کشور در سال ۱۳۹۶ به پنج درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. در این میان نقش اینستاگرام و واتساپ در این تجارت بسیار پررنگ است.

«پادرو» پلتفرم هوشمند برای ارائه خدمات به کسب و کارهای آنلاین، به تازگی در گزارشی اعلام کرده بود بیش از یک میلیون شغل به واسطه اینستاگرام در ایران وجود دارد و بازاری بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان در سال را ایجاد کرده است. «نوبین‌هاب» شرکت دیگر فعال در زمینه کسب و کارهای اینترنتی هم در گزارش سالانه خود یک میلیون و ۷۰۰ هزار کسب‌وکار در اینستاگرام برآورد کرده بود.

همچنین به گزارش مرکز آمار ایران، درآمد حدود ۱۱ میلیون در کشور بطور مستقیم و غیرمستقیم به تجارت آنلاین وابسته است و از این تعداد، حدود ۹ میلیون نفر یعنی ۸۳ درصد از طریق اینستاگرام در حال کسب درآمد هستند. این آمارها نشان می‌دهد که درآمد حدود یک میلیون و هفتصد هزار نفر هم به طور مستقیم به شبکه‌های اجتماعی وابسته است.

آمار دیگری نشان می‌دهد که در مجموع ۵/۲ میلیون کسب‌وکار اینترنتی در ایران به فروش کالا و خدمات مشغول هستند. این مشاغل شامل مشاغل کوچک خانگی، فروشگاه‌های آنلاین متعلق به فروشگاه‌های فیزیکی، شعبی از شرکت‌ها و موسسات ارائه خدمات و همچنین افراد فعال در حوزه بازاریابی دیجیتال هستند. بیش از ۴۱۵ هزار فروشگاه ایرانی در اینستاگرام هم فعال

انتظار زن سرخپوش میدان فردوسی نماد چهار دهه انتظار زنان ایران برای رسیدن به معشوق: آزادی!

سپس در حالت ایستا و احترام به وطن با سرود «ای ایران» خواندن را آغاز کردیم. در این قسمت به صورت گروهی چند قطعه ترانه مدرن و فولکلوریک جدید و قدیم و از جمله دو قطعه افغانستانی و همگی با موضوع زن را خواندیم. هیچ مردی هم در میان اعضای گر و خوانندگان نبود.

-جالب است که شهرت داستان این زن سرخپوش چنان

صحبت کرده بودند و می‌گفتند که او حتی فراموش کرده بود که چرا در آنجا به انتظار می‌نشیند. تنها چیزی که می‌دانست آن بود که با لباس سرخ باید در آنجا حضور یابد و انتظار بکشد. یعنی تمام وجود این زن چنان غرق عشق شده بود که زندگی‌اش را در مسیری انداخت که فقط باید به انتظار می‌نشست. هر یک از ما انسان‌ها انتظار را به گونه‌ای مختلف تجربه می‌کنیم. من خودم شخصا موضوع انتظار

● دینا عبدوس نقاش و بازیگر: «به کار گرفتن نماد زن سرخپوش میدان فردوسی برای بیان گویاتر پیام ما بود. داستانی که همه شنیده‌اند. زنی که با قلبی سرخ عاشق می‌شود و سال‌های سال در انتظار بسر می‌برد. در جمع بازدیدکنندگان بودند کسانی که با زن سرخپوش در سال‌های واپسین عمرش صحبت کرده بودند و می‌گفتند که او حتی فراموش کرده بود که چرا در آنجا به انتظار می‌نشیند. تنها چیزی که می‌دانست آن بود که با لباس سرخ باید در آنجا حضور یابد و انتظار بکشد. یعنی تمام وجود این زن چنان غرق عشق شده بود که زندگی‌اش را در مسیری انداخت که فقط باید به انتظار می‌نشست.»



زیاد است که شما، نسل بعد از انقلاب هم، با آن آشنایی دارید. کارگردان و طراح این پروژه چه اطلاعاتی در مورد این زن داشت؟

-اطلاعات جسته گریخته‌ای در مورد این زن وجود دارد. گفته می‌شود متولد ۱۳۰۵ و اهل رشت بوده. عکسی هم که از او هست با صورت سفیدرنگ و چشم‌های روشن است که کمی به اروپایی‌ها شباهت دارد. برخی می‌گویند که روس‌تبار بوده. در فقر زندگی می‌کرده ولی نسبت به آنهم بیتفاوت بوده. بیشتر هم روی سکو و پله‌های داروخانه میدان فردوسی می‌نشسته. به هر حال، روایت‌های مختلف از داستان این زن وجود دارد. خیلی هم جالب است که در میان بازدیدکنندگان که به نسل‌های مختلف تعلق داشتند، کسی نبود که داستان این زن را نشنیده باشد.

به نظر من یکی از دلایل شهرت داستان این زن سرخپوش آن است که ما با موضوع عشق بیشتر با اساطیر و ادبیات بیشتر کهن کشورمان آشنا می‌شویم مانند لیلی و مجنون، پیژن و منیژه و خسرو و شیرین. ولی این زن سرخپوش از میان خود مردم بود که غرق و مجذوب و مسحور عشق بوده تا جایی که داستانش وارد فرهنگ شفاهی ما شده و شهرتی پیدا کرده که ما نسل‌های بعد که او را ندیده‌ایم هم با داستانش آشنا هستیم. آدم حس می‌کند داستان این زن خیلی ملموس‌تر است تا اساطیر و ادبیات کلاسیک ما. من شنیده‌ام که چند سال پیش هم دخترانی به یاد زن سرخپوش با لباس‌های سرخ در خیابان فردوسی و حوالی میدان

برایم جالب است و در فعالیت هنری کنونی نیز مشغول کار روی این تم هستم. برخی با انتظار خود خرسندند. برخی در جریان انتظار به یک سطح آگاهی نوین و بالاتر می‌رسند. ما زنان در این مملکت سال‌های سال همچنان در انتظاریم. در انتظار رهایی از خیلی از محدودیت‌ها و ستم‌ها تا به عنوان زن به آزادی انتخاب در بسیاری چیزها برسیم: به آزادی انتخاب پوشش، تحصیلات دانشگاهی و حق حضانت فرزندان بعد از طلاق و خیلی حقوق دیگر...

البته ما سرخپوشان در این پروژه ظاهر قضیه بودیم و در پشت آن معانی عمیق‌تری نهفته‌اند. شاید به همین دلیل به دل بسیاری که آنجا حضور داشتند این پیام نشست و با آن ارتباط برقرار کردند.

- بر اساس گفته‌های شما به نظر می‌رسد از رسانه‌ها و هنرهای مختلف یکجا و همزمان در این پروژه استفاده شده: از نقاشی تا طراحی لباس، پانتومیم، موسیقی و آواز. لطفا بیشتر در مورد نمایش زنان سرخپوش برایمان بگویید. -نمایشگاه از ساعت ۴ بعد از ظهر دایر بود و ساعت ۶ برنامه ابتدا با پخش موزیک شروع شد و ما بدون هیچ کلامی با لباس متحد سرخ‌رنگ وارد سالن شدیم و سپس با زبان بدن و با حرکات دست مدعویین را به دیدار آثار دعوت کردیم.

بعد از دعوت مدعویین، یکی یکی به سمت جایگاه اجرای آواز رفتیم و هر کدام با حرکتی نمادین که مفهومی را به تماشاگر القا می‌کردیم میخکوب شدیم تا موزیک تمام شود.

در ایران امروز نه فقط شاهد جنب و جوش شجاعانه زنان و جوانان در اعتراضات سیاسی و اجتماعی بلکه در عرصه هنر نیز شاهد کارهای مدرن و جسوری هستیم. چندی پیش یک نمایشگاه نقاشی با مضمون زنان و محدودیت‌ها و موانع اجتماعی تحمیل شده بر آنان توسط گروه هنری «قرمز» در تهران برگزار شد. برگزارکنندگان این نمایشگاه در روز افتتاحیه تدبیری هنرمندانه برای جلب توجه بیشتر بازدیدکنندگان با آثار نمایشگاه به کار بسته بودند. در رابطه با این نمایشگاه و شیوه‌های ابتکاری آن با دینا عبدوس نقاش و بازیگر که در این پروژه شرکت داشت، گفتگو کردیم.

-از این نمایشگاه و یا جشنواره برای ما بگویید.

-این برنامه با محور نمایشگاه نقاشی به همت خانم بیتا عالی مهر و با مشاوره یکی از نقاشان شرکت کننده به نام الهام کلاشک برگزار شد. طراحی لباس ما توسط مزون فخرفروشان بود به مدیریت خانم ذوقی و به صورت گروهی انجام گرفت. پوشش ما با الهام از داستان زن سرخپوش میدان فردوسی طراحی شد و نماد او بود که سال‌های سال قبل از انقلاب و چند صبحی بعد از انقلاب در میدان فردوسی روی سکویی در انتظار یارش می‌نشست. کلاه‌هایی که ما بر سرمان گذاشتیم صورت‌مان را تا بینی پوشانده بود که نشانی از پستوها، حصارها و تحمیل‌هایی است که بر زن ایرانی تحمیل می‌شود. ما می‌خواستیم که فقط لب‌هایمان دیده و مورد توجه تماشاگران قرار گیرد. مفهومی که در پشت این «نقاب» بود این بود که انسان‌ها معمولا با چشم‌هایشان ارتباط برقرار می‌کنند ولی زن ایرانی از این ارتباط آزاد محروم است. ما روز قرمز غلیظی را نیز روی لبانمان داشتیم و آرایش صورت‌مان کاملاً سفید بود. می‌خواستیم با این کار محدودیت‌های حاکم بر زن ایرانی و درد و رنجی را که می‌کشد نشان دهیم. در قسمت بعدی ما موسیقی را با شور و شوق اجرا کردیم تا بیانگر پارادوکسی باشد که زن ایرانی همواره تجربه می‌کند. با این حرکات موزون و پانتومیم می‌خواستیم درون و برون زن ایرانی را نشان دهیم که تم موجود در نقاشی و نیز موسیقی نمایشگاه بود.

دقیق تر بگویم که به کار گرفتن نماد زن سرخپوش میدان فردوسی برای بیان گویاتر پیام ما بود. داستانی که همه شنیده‌اند. زنی که با قلبی سرخ عاشق می‌شود و سال‌های سال در انتظار بسر می‌برد. در جمع بازدیدکنندگان بودند کسانی که با زن سرخپوش در سال‌های واپسین عمرش

اثرات منفی سرکوب معترضان بر تجارت داخلی و خارجی کشور؛ کانال ویژه مالی با سوئیس منتفی شده!



اینترنت انتقاد کرد.

حسن هاشمی در نامه به ابراهیم رئیسی با انتقاد شدید از نگاه «تک بعدی» به امنیت کشور نوشت: «بی‌شود هر زمانی که صلاح دانسته شد، بستر فعالیت اقتصادی و امرار معاش جمعیتی چند میلیونی را مسدود کرد، بلکه باید با یک تحلیل و راهبرد همه‌جانبه به آن نگاه کرد.»

هاشمی با اشاره به ناکارآمدی اینترنت ملی و بی‌اعتمادی عمومی به پلتفرم‌های بومی از ابراهیم رئیسی می‌پرسد: «آیا اکنون از نظر قدرت فناوری در جایگاهی هستیم که بتوانیم پلتفرم‌های جهان‌شمولی مانند اینستاگرام یا واتس‌آپ داشته باشیم؟»

رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور هشدار داد از آنجا که در عصر حاضر، اینترنت نیز مانند آب، برق و گاز، به عنوان یک زیرساخت و نیاز حیاتی جامعه مطرح است «نباید به راحتی درباره مسدودسازی آن تصمیم‌گیری کرد.»

حسن هاشمی همچنین در نامه به وزیر ارتباطات نوشت که «شاهد رویه‌ای هستیم که فناوری‌ها ما را حتی از ابتدایی‌ترین ملزومات این حوزه نیز محروم کرده است.»

داده‌های معاونت پژوهشی سازمان امور مالیاتی نشان می‌دهد اختلال و قطع اینترنت روزانه حدود سه هزار میلیارد تومان به کسب‌وکارهای ایران آسیب وارد می‌کند.

زبان‌های اختلال در اینترنت فقط به کسب و کارهایی که بر بستر پلتفرم‌هایی نظیر اینستاگرام شکل گرفته‌اند محدود نمی‌شود؛ در سال‌های اخیر، به ویژه با شروع پاندمی کرونا بسیاری از فروشگاه‌ها و کسب و کارها در فضای مجازی و اینترنت نیز فعال شدند و رشد کردند.

از سوی دیگر قطع اینترنت و فیلترینگ شدید بر پلتفرم‌ها و همچنین از کار افتادن فیلترشکن‌ها ارتباط شرکت‌های ایرانی با شرکا و شرکت‌های خارجی را مختل کرده است.

خبرگزاری ایلنا ۱۱ مهر با استناد به داده‌های مرکز توسعه تجارت الکترونیک ایران گزارش داد تا پایان سال ۱۴۰۰ فقط در استان فارس حدود پنج هزار کسب و کار اینترنتی فعال وجود داشته که اختلال و قطعی اینترنت ضررهای هنگفتی به آنها وارد کرده است.

امید ماهرانی رئیس کمیسیون کارآفرینی، کسب و کارهای نوین و دانش‌بنیان اتاق بازرگانی فارس به ایلنا گفته بود که قطع اینترنت برای شرکت‌های فعال در حوزه واردات و صادرات باعث زیان سنگینی شده و بسیاری از فعالیت‌های آنها با اختلال روبرو شده است.

● رئیس اتاق بازرگانی ایران و سوئیس می‌گوید کانال ویژه مالی ایران با سوئیس «منتفی شده» و اعتراضات مردمی اخیر که با مرگ مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد آغاز شد اثر منفی بر حجم تجارت دو کشور داشته است.

● رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور هشدار داد از آنجا که در عصر حاضر، اینترنت نیز مانند آب، برق و گاز، به عنوان یک زیرساخت و نیاز حیاتی جامعه مطرح است «نباید به راحتی درباره مسدودسازی آن تصمیم‌گیری کرد.»

سرکوب معترضان توسط جمهوری اسلامی در سه هفته گذشته بر اقتصاد و تجارت خارجی ایران اثر منفی گذاشته است. قطع اینترنت و فیلتر اپلیکیشن‌ها به عنوان یکی از ابزارهای سرکوب به تجارت آنلاین کشور اثر داشته و سرکوب مسلحانه معترضان در خیابان نیز به سرعت در سیاست تجارتی برخی کشورها از جمله سوئیس با ایران اثرگذار بوده است.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و سوئیس می‌گوید کانال ویژه مالی ایران با سوئیس «منتفی شده» و اعتراضات مردمی اخیر که با مرگ مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد آغاز شد اثر منفی بر حجم تجارت دو کشور داشته است.

شریف نظام مافی در گفتگو با خبرگزاری ایلنا گفته که «اتفاقات اخیر اثر منفی در حجم تجارت با این کشور گذاشته» و افزوده که «اگر روابط سیاسی و تجاری بین این دو کشور خوب شود ایران می‌تواند یکی از تامین‌کننده‌های گاز برای صنعت و جامعه اروپا شود.»

به گفته رئیس اتاق بازرگانی ایران و سوئیس، تحریم‌ها و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF نیز از دیگر دلایلی است که پیش از این تجارت ایران با کشورهای اروپایی را با کاهش روبرو کرده بود.

شریف نظام مافی توضیح داده که «تحریم‌ها اجازه نمی‌دهد که روابط تجاری ما با این کشور گسترده‌تر شود و اگر تحریم‌ها برداشته شود اما از سوی دیگر مواضع ما در این زمینه FATF مشخص نشود باز هم نمی‌توان به اوج‌گیری روند تجارت با کشورهای اروپایی امیدوار بود چراکه بانک‌داری این کشورها از قوانین بین‌المللی تبعیت می‌کنند.»

او با بیان اینکه «FATF نقطه‌ای است که بانک‌های ما باید قبول کنند تا در نهایت بتوانیم در شبکه بانکی جهان فعال شویم» گفته برخلاف ادعاها ایران نتوانسته در غالب تهاثر تجارت با سوئیس را دنبال کنیم چرا که «تجارت در غالب تهاثر از لحاظ لجستیکی پیچیده است و با کشورهای همسایه می‌توان این شیوه تجارت را دنبال کرد.»

طی روزهای گذشته مقامات رسمی آمریکا و اروپا نیز در واکنش به سرکوب مردم معترض در خیابان، سرکوبگری جمهوری اسلامی را محکوم کرده و از اعمال دور جدید تحریم‌ها علیه کسانی که در این سرکوب‌ها نقش دارند، خبر داده‌اند. سرکوب خشن معترضان توسط جمهوری اسلامی در حالی بر کاهش تجارت خارجی از جمله تجارت ایران و سوئیس اثر داشته که قطع اینترنت به عنوان یکی دیگر از ابزارهای سرکوب اعتراضات نیز به اشکال دیگری تجارت ایران را با مشکلات جدی روبرو کرده است.

حسن هاشمی رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور در دو نامه جداگانه به رئیس دولت سیزدهم و وزیر ارتباطات نسبت به اعمال محدودیت‌ها و اختلال‌ها در شبکه جهانی

فردوسی راه رفته‌اند. تأثیری که این زن بر نسل‌های بعد از خودش گذاشته جالب است که بسیاری از او به عنوان نماد عشق یاد می‌کنند. گفته می‌شود که او در این انتظارش با مردم زیاد هم حرف نمی‌زد. و وقتی که با او حرف می‌زدند با سکوت نگاه می‌کرد. و در این حالت چهل سال انتظار کشیده است.

آثار نقاشی و هنرهای تجسمی در این نمایشگاه درباره چه بود؟

بیشتر نمایشگاه‌هایی که در سطح شهر برگزار می‌شوند برای هنرمندان شناخته شده‌ای است که به پختگی خود رسیده‌اند که معمولاً انفرادی و بعضاً گروهی دایر می‌شود. ولی در این نمایشگاه که با تم زنان برگزار شد هم هنرمندان شناخته شده و هم هنرمندان کمتر شناخته شده و تازه‌کار



شرکت داشتند. این انتخاب به عمد بود زیرا فلسفه و نقطه حرکت آن همیاری و همدلی و اتحاد در چارچوب چیزی بود که انگلیسی‌ها به آن «کامیونیتی» می‌گویند. هنرمندانی هستند که توانایی برگزاری نمایشگاه فردی را ندارند و این فرصتی بود که با کمک هنرمندان بیشتر شناخته شده کارهایشان در معرض تماشای علاقمندان قرار گیرد. اضافه کنم که این کامیونیتی شامل بازدیدکنندگان از نمایشگاه هم بود که به نوعی پشتیبان این پروژه ابتکاری و پروژه‌های دیگر هستند. در اکثر کارهای این نمایشگاه هم رنگ سرخ دیده می‌شد.

همچنین یکی از انگیزه‌های اصلی این پروژه حمایت از هنرمندان جوان و کمتر شناخته شده بود که در شهرهای مختلف مانند جشنواره برگزار شده و قرار است در شهرهای دیگر نیز برگزار شود. البته بعضی کارها قدرقند و مفهوم عمیق و تکنیک قوی داشتند و برخی کارها کمتر. برای من این مانند جامعه بود که برخی زنان رنج‌ها کشیده‌اند و آسیب دیده‌اند و زنان دیگر به آنان کمک می‌کنند تا آنها بلند شوند و به مسیر خودشان ادامه دهند.

در پایان هم این را بگویم که انرژی قوی‌ای که تماشاگران به ما می‌دادند حس زیبایی بود و انگیزه ما را نیرومندتر می‌کرد. با وجود اینکه بسیاری از تماشاگران اولین بار بود که همدیگر را می‌دیدند ولی فضای آنجا حس با هم بودن و همدلی را به وجود می‌آورد که حس زیبا و مهمی است، به ویژه در شرایط امروز ایران.

-محمدحسین سروری‌راد مسئول فرهنگی پایگاه بسیج «امام حسن» روستای حسین‌آباد از توابع گرمسار
-گروه‌بان یکم فرید کرم‌پور از پرسنل نیروی انتظامی
-مهدی زاهدلویی آخوندبسیجی قم
-سرهنگ دوم داود عبداللهی فرمانده یگان امداد نیروی انتظامی مریوان
-سرهنگ پاسدار سید حمیدرضاهاشمی زاهدان معاون اطلاعات سپاه زاهدان
-پاسدار محمدامین آب درشکر زاهدان
-پاسدار علی بیک واراوی عضو تیپ ۱۱۰ نیروی مخصوص سلمان فارسی سپاه زاهدان
-محمدامین عارفی عضو بسیج زاهدان
-سعید برهان‌زهی ریگی بسیجی طرح امنیت اهل سنت زاهدان

-ناصر براهویی بسیجی عضو سپاه زاهدان
-پوریا احمدی عضو بسیج تهران
لازم است همواره یادآوری کرد که این افراد برای دفاع از کسانی خود را به کشتن داده‌اند که کمترین ارزشی نه برای کشور و نه برای مردم ایران و نه برای این کشته‌شدگان قائل‌اند. هاجر چنارانی نماینده نیشابور در مجلس شورای اسلامی ۱۳ مهرماه در نطقی در صحن علنی مجلس اعتراف کرد فرزندان ۵۴۰۰ نفر از مسئولان در خارج از کشور زندگی می‌کنند!

از همین رو باید تأکید کرد که از یکسو گذشت آن دورانی که جمهوری اسلامی می‌توانست با چنین تبلیغاتی برخی مخاطبان را فریب دهد و از سوی دیگر، عاملان سرکوب جان خود را فدای رژیم می‌کنند که در حال نابودیست و فک و فامیل خانواده‌های مافیایی‌اش با ثروت مردم ساکن خارج کشور شده‌اند تا هنگام فروپاشی پایگاه فرار آنها باشند.

در عین حال، برخلاف معترضان که توسط نیروهای سرکوبگر کشته می‌شوند و خانواده‌ها و نهادهای حقوق بشری نحوه جان باختن آنها را پیگیری می‌کنند، جمهوری اسلامی درباره اینکه نیروهای سرکوبگر چگونه کشته شده‌اند، اطلاعاتی منتشر نمی‌کند و از قرار معلوم خانواده‌های آنها نیز پیگیری نمی‌کنند! تنها کاری که جمهوری اسلامی تا کنون انجام داده این بوده که قتل برخی از این عناصر را مانند جنایتی که در موارد افکاری‌ها مرتکب شد و نوید افکاری را به همین اتهام واهی نیز اعدام کرد، به گردن جوانان معترضی بیندازد که در طول اعتراضات بازداشت و زندانی کرده است. حال آنکه چه بسا این سرکوبگران در تیراندازی‌های کور خود نیروهای حکومت و توسط آنان در درگیری‌ها با مردم جان خود را از دست داده باشند. ضمن اینکه «کشته‌سازی» که جمهوری اسلامی به معترضان و مخالفان نسبت می‌دهد، از شیوه‌های قدیمی خود اسلامگرایان است که با «انتحار» و کشتن خودی‌ها نیز به «شهیدسازی» می‌پردازند!

همچنین حتا بعید نیست عناصر مزدور در درگیری‌های درون سازمانی با یکدیگر به اختلاف رسیده و همدیگر را از میان بردارند. این نیز هم در بین اسلامگرایان و هم در خود جمهوری اسلامی سابقه‌ی خونین دارد. در روزهای اخیر نیز ویدئوهایی از نزاع میان نیروهای مزدور در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. ضمن اینکه بسیاری از کسانی که جمهوری اسلامی آنها را در مواقع ضروری برای سرکوب مردم معترض به میدان می‌آورد کمترین آموزش‌های رزمی را دیده‌اند و چه بسا حتا کاربرد صحیح استفاده از سلاحی را که به دست او داده‌اند بلد نباشند و ناخواسته خود یا دیگری را هدف قرار داده باشند. اینها همه نکاتی است که مانند دیگر جنایات حکومت اسلامی در حال حاضر امکان بررسی و راست‌آزمایی آنها وجود ندارد.

خبری که «تسنیم» درباره خشم مردم منتشر و سپس حذف کرد:

حمله به خانه

سرکوبگری که در

اعتراضات کشته شد!



تشییع جنازه حسین تقی‌پور

بازتاب یافت.

تسنیم نوشته بود «آشوبگران و چماق بدستان با حمله به محل سکونت خانواده شهید، ضمن پاره کردن بنرها و شکستن حمله او با سر دادن شعار و ناسزا تا صبح امروز برای ساعاتی قصد ایجاد ناامنی برای خانواده و اطرافیان شهید تقی‌پور را داشتند... این اعمال ساختارشکنانه اغتشاشگران تا صبح ادامه داشت و نهایتاً با دخالت نیروهای حافظ امنیت، خاتمه یافت.» از آغاز اعتراضات سراسری در ایران از ۲۶ شهریورماه پس از قتل حکومتی مهسا امینی در ۲۵ شهریور، تا کنون که سومین هفته در حال به پایان رسیدن است، طبق آمار رسمی منابع حکومتی ۲۱ نفر از سرکوبگران کشته شدند که اسامی و موقعیت شغلی و سازمانی آنها به این شرح است:

-حسین تقی‌پور عضو سپاه محمد رسول‌الله تهران از پرسنل گروه پارس خودرو
-ستوان یکم مسلم جاویدی مهر افسر تیپ ۲۷۷ ارتش جمهوری اسلامی

-حسین اوجاقی فرمانده پایگاه بسیج مسجد «فاطمی» تبریز
-محمدرسلول دوست محمدی عضو بسیج مشهد
-رضا زارع‌موبیدی همیار پلیس معالی‌آباد شیراز
-علی‌اصغر قورث بیگلر عضو بسیج کرج
-عباس خالقی عضو بسیج تاکستان قزوین
-امیررضا اولادی عضو بسیج قشم
-مجتبی امیری دوماری بسیج قشم
-عباس فاطمیه کشاورز بسیجی ارومیه

● یکی از سرکوبگران رژیم که در جریان اعتراضات اخیر کشته شد حسین تقی‌پور عضو سپاه تهران از پرسنل شرکت «پارس خودرو» ساکن «اسلامشهر» است.

● تسنیم در گزارشی که بعداً حذف کرد نوشته بود «آشوبگران و چماق بدستان، با حمله به محل سکونت خانواده شهید، ضمن پاره کردن بنرها و شکستن حمله او با سر دادن شعار و ناسزا تا صبح امروز برای ساعاتی قصد ایجاد ناامنی برای خانواده و اطرافیان شهید تقی‌پور را داشتند... این اعمال ساختارشکنانه اغتشاشگران تا صبح ادامه داشت و نهایتاً با دخالت نیروهای حافظ امنیت، خاتمه یافت.»

● از آغاز اعتراضات سراسری در ایران تا کنون (حدود ۲۰ روز) طبق آمار رسمی منابع حکومتی ۲۱ نفر از سرکوبگران کشته شدند.

در تهران روز سه‌شنبه ۱۲ مهرماه یک مراسم ختم ویژه در شرکت اتومبیل‌سازی «سایا» برگزار شد که علاوه بر مدیرعامل و مدیران ارشد این شرکت، فرمانده سپاه «محمد رسول‌الله» تهران و مسئول بسیج کارگری، مسئول بسیج کارگران و کارخانجات تهران بزرگ و جمعی از مدیران و کارکنان گروه سایا و صنایع تهران نیز در آن حضور داشتند.

این مراسم مربوط به حسین تقی‌پور عضو سپاه تهران از پرسنل شرکت «پارس خودرو» ساکن «اسلامشهر» (شادشهر) تهران بود که در جریان سرکوب اعتراضات شرق تهران در محله تهرانپارس کشته شد.

شبکه العالم (تلویزیون عربی‌زبان وابسته به جمهوری اسلامی) بعد از دفن تقی‌پور برای مصاحبه به سراغ خانواده او رفت. همسرش در این مصاحبه طبق معمول دیگر موارد مشابه گفت «وقتی خبر شهادتش را شنیدم افتخار کردم و تبریک گفتم... آرزویش شهادت بود که به آن رسید.»

او همچنین با افتخار در سرکوب مردم توسط شوهرش گفت: «به همسر با وجود اینکه به دنبال اعزام به جبهه سوریه برای جهاد علیه دشمنان قسم خورده اهل بیت بود گفتم کشور خودمان به امثال شما احتیاج دارد، در کشور بمانید و خدمت کنید!»

مادر تقی‌پور نیز با تأیید سرکوب مردم بی‌سلاح توسط پسرش می‌گوید: «خوشحالم پسر مرا راست و باغیرت را رفت!»

نکته قابل توجه اینکه برخلاف دم و دستگاه و زندگی خانواده‌های مافیایی جمهوری اسلامی که این سرکوب‌ها به سود بقای آنان است تا خود بهترین زندگی را در ایران داشته و فرزندان و فامیل خود را نیز به کشورهای آزاد و مرفه بفرستند، منزل این سرکوبگر بنیاد خانواده‌های محقر بالای یک تعمیرگاه صافکاری و نقاشی ماشین در یکی از مناطق فقیرنشین «اسلامشهر» در جنوب تهران است. پسر جوان وی به نام «ارشیا» محزون از مرگ پدر می‌گوید پدرش «دلپاک، مهربان، صاف و صادق و زلال» بود. چه بسا این خانواده با مقرری سرکوب زندگی‌اش تأمین می‌شد و حالا نیز در رده خانواده «شهید» قرار می‌گیرد.

برای این خانواده اما کشته شدن تقی‌پور که البته معلوم نیست چگونه جان خود را از دست داده است، پایان راه نیست. وضعیت ایران با گذشته بسیار متفاوت شده. ۴۳ سال فشار بی‌امان و سرکوب خونین، جان مردم را از نظام و گروه‌های سرکوبگرش اعم از پاسدار و بسیج و لباس شخصی و حزب‌اللهی به لب رسانده است. از همین رو نیز پس از مرگ این پاسدار، گروهی از مردم خشمگین شامگاه ۱۲ مهرماه به منزل تقی‌پور حمله کردند؛ بنر او را که مقابل خانه‌اش نصب شده بود، پاره کرده و حمله او را شکستند و تهدید به انتقام کردند. این خبریست که خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر کرد ولی پس از مدتی از خروجی آن حذف شد. با اینهمه متن آن در چند رسانه دیگر

واتساپ، به تلگرام روی آورده‌اند. اگر قرار بر فیلترینگ دائمی واتساپ باشد، کاربران میان این دو پیام‌رسان، تلگرام را انتخاب می‌کنند؛ چرا که این پیام‌رسان کیفیت بالاتر و ویژگی‌های بهتری نسبت به واتساپ دارد.»

قطع اینترنت، فیلتر شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌ها یکی از ابزارهای سرکوب جمهوری اسلامی هنگام اعتراضات مردمی است. سال‌هاست علی‌خامنه‌ای خواستار فیلتر و محدودسازی بیشتر اینترنت شده است. در خیزش اخیر مردمی که از ۲۶ شهریور آغاز شد نیز اینترنت موبایل بطور سراسری قطع شد، اینترنت خانگی با اختلال شدید روبرو و اینستاگرام، واتساپ، لینکدین، گوگل‌پلی و اپ‌استور هم فیلتر شد.

قطع اینترنت و فیلتر پلتفرم‌ها سبب زیان گسترده‌ای به کسب و کارهای اینترنتی شده است. بر اساس گزارش‌ها با فیلتر

بازداشت‌های سازمانیافته به کارشناسان اینترنت و آی‌تی رسید؛ بازداشت پنج کارشناس مستقل و مخالف طرح صیانت



اینستاگرام و واتساپ درآمد دست‌کم ۱۱ میلیون نفر در کشور با تهدید جدی روبرو شده و کسب و کارهایی که سال‌ها با رکود ترمی اقتصاد درگیر بودند، حالا با زیان بیشتری نسبت به گذشته روبرو شدند.

محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور نیز به تازگی در سخنانی واتساپ و اینستاگرام را از عوامل «انحراف» جوانان و نوجوانان معترض ارزیابی کرد و به تلاش برای فیلتر و محدودسازی بیشتر اینترنت تأکید کرد. او گفت «کاش آن زمان که مقام معظم رهبری بحث مقابله با تهاجم فرهنگی در فضای مجازی و ایجاد شبکه ملی اطلاعات را مورد تأکید قرار داده بودند، اقدام می‌کردیم!» وی مدعی شد که عدم توجه به خواسته‌های امنیتی برای محدودسازی بیشتر اینترنت «امروز ما را به اینجا رسانده که در واتساپ و اینستاگرام شاهد برگزاری کلاس‌هایی برای جرم و جنایت، بی‌عفتی و هرزگی باشیم».

دادستان کل کشور با اشاره به محدودجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات دولت روحانی و کارمند سابق وزارت اطلاعات، افزوده بود که «امروز فردی که در گذشته مسئولیت ایجاد این شبکه را برعهده داشته است، در توثیقه فیلتر کردن اینترنت را زیر سوال برد، ای کاش جلسه و مناظره‌ای بود تا من با شواهد مبین ثابت می‌کردم که او در این جنایت دست دارد.»

به نظر می‌رسد پس از اعتراضات سراسری روزهای گذشته، جمهوری اسلامی قصد دارد تلاش خود را برای بیشتر محدود کردن هرگونه محرکی بر افکار عمومی انجام دهد. به همین دلیل است که بجز صدها نفری که در طول اعتراضات در شهرهای مختلف و در خیابان بازداشت شدند، بازداشت سازمانیافته‌ای در میان روزنامه‌نگاران، وکلا، فعالان صنفی، ورزشکاران، و حالا فعالان حوزه آی‌تی و اینترنت آغاز شده است.

تکنولوژی، کامپیوتر، اینترنت و حتی رمزارز منتشر می‌کرد. «جادی» همچنین پادکستی با عنوان «رادیو گیک» در پلتفرم‌های مختلف منتشر می‌کرد که به مسائل مختلف مربوط به تکنولوژی و فناوری از سراسر دنیا می‌پرداخت. بر اساس گزارش‌ها، یکی از اعضای خانواده امیرعماد میرمیرانی در اینستاگرام با اعلام خبر بازداشت او نوشته که «امروز ساعت ۲ زنگ در را زدند و گفتند که نشستی عملکردم داریم. وقتی رفتم دم در، بهمون حمله کردند. با زور و ارباب و تهدید شوکر و اسلحه وارد شدند. بدون نشون دادن حکم ورود به منزل یا حکم بازداشت. جادی را با خودشون بردند.»

نقطه مشترک همه کارشناسان بازداشت شده انتقادات و مخالفت‌های آنها با طرح صیانت و فیلتر اینترنت و شبکه اینترنت ملی است. همچنین حساب کاربری این کارشناسان در شبکه‌های اجتماعی پس از بازداشت محدود یا از دسترس خارج شده است. امیرعماد میرمیرانی بارها در نقد طرح صیانت و عملکرد شرکت‌هایی چون «ابراوران» که عاملان قطع اینترنت و محدودسازی آن هستند ویدئو و نوشته‌هایی منتشر کرده بود. آراین اقبال نیز از دیگر کارشناسانی است که همواره در گفتگو با رسانه‌های داخلی مواضع شفاف‌ی در نقد رویارویی جمهوری اسلامی با اینترنت داشته است. او یک روز پیش از بازداشت در یکی از آخرین مصاحبه‌هایش درباره رفع فیلترینگ واتساپ و مهاجرت کاربران آن به تلگرام گفته بود: «در حالی که گفته می‌شود فیلترینگ واتساپ برای بعضی‌ها برطرف شده و برای برخی دیگر همچنان پابرجاست، این اتفاق نه تنها به معنای رفع فیلترینگ نیست؛ بلکه تنها نشان‌دهنده اختلالی در سیستم فیلترینگ کشور است.»

او افزوده بود که «این روزها کاربران زیادی بر اثر فیلترینگ

● آراین اقبال، محسن طهماسبی، عادل طالبی، حسین درواری و امیرعماد میرمیرانی پنج فعال حوزه آی‌تی و اینترنت هستند که در روزهای گذشته بازداشت شدند.

● نقطه مشترک همه کارشناسان بازداشت شده انتقادات و مخالفت‌های آنها با طرح صیانت و فیلتر اینترنت و شبکه اینترنت ملی است.

● علی درواری برادر حسین درواری در یک رشته توثیق درباره بازداشت برادرش توضیحاتی داده بود اما ساعاتی بعد این توثیق را پاک کرد که پیش‌بینی می‌شود این اقدام با فشار و تهدید نهادهای امنیتی صورت گرفته باشد.

بازداشت‌های سازمانیافته جمهوری اسلامی در روزهای گذشته به فعالان حوزه آی‌تی رسیده و دست‌کم پنج کارشناس اینترنت و آی‌تی که از منتقدان و مخالفان «طرح صیانت» و قطع اینترنت در اعتراضات هستند بازداشت شدند.

با گذشت ۲۰ روز از آغاز خیزش سراسری مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و در حالی که قطع اینترنت و اجرای سانسور و فیلترینگ، مانند سال‌های گذشته، با آغاز اعتراضات در دستور کار قرار گرفت، شماری از فعالان حوزه آی‌تی و اینترنت بازداشت شدند.

آراین اقبال، محسن طهماسبی، عادل طالبی، حسین درواری و امیرعماد میرمیرانی پنج فعال حوزه آی‌تی و اینترنت هستند که در روزهای گذشته بازداشت شدند.

حسین درواری کارشناس آی‌تی و تکنولوژی صبح روز یازدهم مهر ۱۴۰۱ با هجوم نیروهای امنیتی به منزل و توقیف تمامی دستگاه‌های الکترونیک دستگیر و به نقطه‌ی نامعلومی منتقل شد.

ساعاتی بعد خبر بازداشت حسین درواری و محسن طهماسبی از دیگر فعالان حوزه اینترنت منتشر شد. یک روز بعد، سه‌شنبه ۱۲ مهرماه، آراین اقبال کارشناس حوزه فناوری اطلاعات و شبکه‌های کامپیوتری بازداشت شد.

امیرعماد میرمیرانی از فعالان حوزه اینترنت که با نام «جادی» نیز شناخته می‌شود روز چهارشنبه ۱۳ مهرماه بازداشت شد. گزارش‌ها نشان می‌دهد بازداشت همه این فعالان با خشونت و تفتیش خانه و ضبط کلیه وسایل الکترونیک آنها بوده است.

علی درواری برادر حسین درواری در یک رشته توثیق درباره بازداشت برادرش توضیحاتی داده بود اما ساعاتی بعد این توثیق را پاک کرد که پیش‌بینی می‌شود با فشار و تهدید نهادهای امنیتی صورت گرفته باشد.

بر اساس این رشته توثیق که با عبارت «#برای برادر عزیزم #حسین_درواری» آغاز شده بود آمده بود حسین درواری با هجوم نیروهای امنیتی به منزل همچون «عملیات گسترده‌ی یک تیم نظامی علیه دستگیری یک گروه تروریستی» و توقیف تمامی دستگاه‌های الکترونیکی دستگیر و به نقطه‌ی نامعلومی منتقل شد.

علی درواری توضیح داده بود که خانه آنها چهار روز پیش از بازداشت برادرش در زمان‌های مختلف توسط یک پهباد رصد می‌شده و علاوه بر آن افرادی با ماشین و لباس شخصی خانه آنها را زیر نظر داشته‌اند. دو روز پیش از بازداشت حسین نیز فردی از نهادهای امنیتی با پدر آنها تماس گرفته و درباره حسین پرس و جو کرده بودند.

در این رشته توثیق همچنین تأکید شده بود که مشخص نیست حسین توسط کدام نهاد امنیتی و به چه اتهامی بازداشت شده و هیچ نهاد و سازمان امنیتی نیز پاسخگو نیست.

امیرعماد میرمیرانی معروف به «جادی» از چهره‌های محبوب در اینستاگرام بود که ویدئوها و مطالبی درباره دنیای



کشتار مردم زاهدان در اعتراض به قتل حکومتی مهسا امینی و تجاوز مقام انتظامی به دختر ۱۵ ساله چابهار